ویژه سال جهاد اقتصادی

۵

جهاد اقتصادی

از منظر امام خمینی (ره)

سید صادق سیدنژاد

بسم الله الرحمن الرحیم

جهاد اقتصادی از منظر امام خمینی رحمه الله

نویسنده:

صادق سید نژاد

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

جهاد اقتصادی از منظر امام خمینی رحمه الله

مشخصات کتاب

سرشناسه : سیدنژاد، سیدصادق، ۱۳۴۰ -

عنوان و نام پدیدآور : جهاد اقتصادی از منظر امام خمینی رحمه الله/تهیه کنندگان صادق سیدنژاد، رضی سیدنژاد، سعید سیدنژاد.

مشخصات نشر : قم: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهشهای اسلامی، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری : ۱۸۰ ص.

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۴-۱۷۵-۰

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

موضوع : خمینی ، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹ - ۱۳۶۸. -- دیدگاه درباره اقتصاد

موضوع : اسلام و اقتصاد

شناسه افزوده : سیدنژاد، سیدرضی، ۱۳۶۲ -

شناسه افزوده : سیدنژاد، سید سعید

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره : DSR۱۵۷۴/۵ /الف۷۸ ج۸۷ ۱۳۹۰

رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۸۴۲

شماره کتابشناسی ملی : ۲۳۰۵۵۴۶

ص:۱

فهرست مطالب

ص:۴

ص:۵

ص:۶

ص:۷

ص:۸

ص:۹

ص:۱۱

منابع و ماخذ۲۲۶

ص:۱۲

دیباچه

دیباچه

اسلام به عنوان آخرین دین و در عین حال کامل ترین برنامه هدایت بشر با طرح و برنامه های فراگیرش برای تمام ابعاد و زوایای زندگی انسان و نیازهای او کامل ترین پاسخ را ارائه می کند. منتهی دست یابی به مجموعه نظام های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی اسلام ناب راهکارهای خاصّ خود را دارد که توسط اسلام شناسان واقعی که در چارچوب آموزه های مکتب اهل بیت علیهم السلام به کاوش می پردازند قابل تحقق است.

نظام اقتصادی اسلام از جمله نظام هایی است که تحقق اهداف مورد نظر آن در سطح جامعه اسلامی بستر را برای رشد و تعالی معنوی آماده تر می سازد؛ چرا که از راه حاکمیت پیدا کردن اصول نظام اقتصادی بسیاری از موانع رشد معنوی نظیر انباشت ثروت و رواج اسراف و تجمل گرایی و تفاخر و... از یک سو و فقر و بی کاری و گرفتاری های ناشی از آن از سوی دیگر از بین می رود و در چنان جامعه ای است که زمینه برای حاکمیّت ارزش های انسانی و اخلاقی و معنوی فراهم می گردد و در یک کلام بستر برای تربیت انسان های شایسته برای خلیفه الهی آماده می گردد.

بر این اساس در طول تاریخ همیشه اولین موضوعی که پس از تشکیل حکومت اسلامی در جوامع اسلامی مورد توجه بوده تلاش برای حاکمیت

نظام اقتصاد اسلامی است. از این رو در طول این سه دهه که از عمر پربرکت نظام جمهوری اسلامی می گذرد بدون تردید تلاش برای اصلاح سیستم نظام اقتصادی و انطباق آن با دیدگاه های اسلامی از مهم ترین دغدغه ها بوده است. به عنوان مثال وقتی دوران حیات پربرکت حضرت امام رحمه الله مورد مطالعه قرار بگیرد به وضوح مشخص می شود که پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی بخش اعظم توجّه و توصیه های ایشان مربوط به ضرورت اصلاح اصول اقتصادی و تأکید بر تلاش برای پیشرفت در عرصه های اقتصادی است تا از راه کسب استقلال و اقتدار اقتصادی در چارچوب احکام و قوانین الهی اسلام، بستر برای پیاده سازی سایر آموزه های دینی هرچه بیشتر و بهتر مهیا گردد و در تعابیر حضرت امام بارها به عنوان جهاد اقتصادی برمی خوریم که از مردم و مسئولین دعوت می کنند به عنوان اولین گام در جهت تحقق بخشی به اهداف انقلاب اسلامی آماده انجام یک حرکت عظیم در عرصه فعالیت های اقتصادی باشند و هرکس به هر مقدار که می تواند و در هر شرایطی که هست به محقق شدن این امر کمک کند که مردم قهرمان ایران اسلامی در آن شرایط حساس به ندای حضرت امام لبیک گفته در تمام عرصه ها از جمله در عرصه فعالیت های اقتصادی تمام توطئه های دشمنان را خنثی کردند و اینک در آغاز سال ۱۳۹۰ که مقام معظم رهبری سال جدید را با نام سال جهاد اقتصادی نام گذاری کرده اند. امید است با تلاش همه جانبه مردم و مسئولین اهداف پیش بینی شده هرچه بهتر محقق گردد و دشمنان را بیش از پیش مأیوس ساخته و راه برداشتن گام های بزرگ پیشرفت امت اسلامی را میسرتر سازد.

در شرایط کنونی در روند تحقق چنین هدف بزرگ انقلابی یکی از

اموری که می تواند در روشنگری و آگاهی بخشی و ایجاد انگیزه و امید و نشاط راه گشا باشد توجه به رهنمودهای حضرت امام رحمه الله در زمینه موضوعات اقتصادی است. در اثر حاضر تلاش شده است دیدگاه های رهبر کبیر انقلاب در زمینه مباحث مرتبط با جهاد اقتصادی تدوین گردد.

این مجموعه با تلاش مجدّانه آقایان: سید رضی سیدنژاد و سید سعید سیدنژاد و نظارت پژوهشگر ارجمند سید صادق سیدنژاد به انجام رسید. امید است که مورد استفاده همه علاقه مندان به ویژه برنامه سازان و پژوهشگران عرصه رسانه قرار گیرد.

جهاد اقتصادی در اندیشه امام خمینی رحمه الله

ص:۱۶

جهاد اقتصادی در اندیشه امام خمینی رحمه الله

مقام معظم رهبری سال ۱۳۹۰ را سال جهاد اقتصادی نامیدند، تا دولت و مردم از طریق برنامه ریزی های لازم زمینه های تحقق پیشرفت های اقتصادی و موانع آن را بیش از پیش مورد توجه قرار دهند و در هر مورد به وظیفه ای که متوجه هر یک از آنان است عمل کنند. از آنجا که هیچ کاری بدون شناخت لازم به سرانجامی که مورد انتظار است منتهی نمی گردد لذا به عنوان پیش نیاز شرکت در فریضه جهاد اقتصادی بر تک تک آحاد جامعه اسلامی فرض است که ابعاد گوناگون موضوع جهاد اقتصادی را مورد شناسایی قرار دهند تا در مرحله عمل به صورت شایسته به انجام وظیفه بپردازند. بر این اساس یکی از راه های آشنایی با ابعاد مختلف موضوع جهاد اقتصادی، بررسی و دقت در اندیشه های اقتصادی بنیان گذار انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی رحمه الله است؛ زیرا بخش زیادی از رهنمودهای حضرت امام رحمه الله به مسائل اقتصادی مربوط می شود و بارها ایشان برای حل مشکلات اقتصادی و پیشرفت های لازم در این عرصه از اصطلاحاتی نظیر جنگ، مجاهدت که مترادف و هم معنی با جهاد است استفاده کرده اند. به عنوان مثال در ادامه ارائه راهکار برای خروج از وابستگی اقتصادی و دستیابی به خودکفایی می فرمایند:

ص:۱۸

«شـما در حـال جنگیـد، در حال جنگ اقتصادی و این خود یک محاربه ای بین اسـلام و کفر است ... این تنها موعظه نیست... نجات دادن یک کشور اسـلامی از زیر بار ظلم و از زیر بار اسـتعمار است. نجات دادن مملکت اسـلامی یک تکلیفی است که انسان موظف است انجام بدهد... امروز ملت شما در حال جنگ اقتصادی است... در اینجا دیگر اختیار با مردم نیست، اختیاری است که در دست خـداست و او امر کرده است که مـا نبایـد تحت نظارت یک کشور و یا تحت بیرق کفر باشـیم. این یکی از مسائل مهم اسـلام است و بایـد کوشـش کنیم و اقتصاد خود را اداره نماییم. بایـد قیام کنیم و غافل نباشـیم. بایـد همه قشـرهای ملت، هر کس هر جوری که می تواند تولید بکند».(۱)

در جای دیگر حضـرت امام رحمه الله کار در عرصه های صـنعت و کشاورزی را عبادت توصـیف کرده و از تلاشگران در این امور به عنوان مجاهدین یاد می نمایند:

«امروز شـمایید که بایـد دامن به کمر بزنیـد و در رشد صـنایع این کشور و در رشد تولید این کشور دامن به کمر بزنید و همت بگمارید و فعالیت بکنید. فعالیت شـما امروز برای کشور اسلامی یک عبادت است. شما امروز همه تان با ایده اسلامی در حال عبادت هستید. چه در کارخانه ها و چه در مواردی که به صـنعت مشغول هستید و چه در کشاورزی ... . شما در خدمت اسلام هستید. شـما مجاهد هستید در پشت جبهه ها. همان طوری که مجاهدین ما در جبهه ها مجاهدت می کنند و عبادت خدا را در آنجا می کنند، شما هم در پشت جبهه ها هستید و عبادت خدای تبارک و تعالی را با همین کارهایتان انجام

۱- صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۱۱۷.

می دهید».(۱)

حضرت امام رحمه الله این سخنان را در آن شرایط خاص اوایل انقلاب به ویژه در ایام جنگ تحمیلی که دشمنان به شیوه های مختلف در صـدد ضـربه زدن به نظام نوپای اسـلامی بودنـد، بیان فرمودند. چون دشـمنان در آن مقطع می کوشـیدند در داخل کشور در جبهه های جنگ تحمیلی از راه حمله نظامی ضربه بزنند و در پشت جبهه جنگ نظامی از راه ایجاد تفرقه در صفوف مردم با ایجاد اخلال در عرصه فعالیت های آموزشی و اقتصادی نظیر: به تعطیلی و اعتصاب کشیدن دانشگاه ها و کارخانه ها و یا حتی سوزاندن خرمن های کشاورزان و همین طور در روابط خارجی با ایجاد محاصـره اقتصادی و منع صادرات نفت و سایر محصولات و مـانع شـدن از واردات نیازهـای کشور به ویژه در بخش هـای اقتصـادی و صـنعتی در کنـار جنگ نظامی به یک جنگ همه جانبه اقتصادی هم دامن بزنند.

در چنـان وضـعی حضـرت امـام رحمه الله همه اقشار را برای آماده شـدن به یک نبرد بزرگ در جبهه های دیگر از جمله جبهه اقتصادی فرا می خوانند تا در این عرصه، هم نقشه های شوم دشـمن را با شـکست مواجه سازند و هم ملت رشید ایران اسلامی با تمسک به عنایات پروردگار عالم در عرصه های کار و تولید با اهتمام بیش از پیش و در بعد مصـرف و هزینه از راه قناعت، تـدبیر و همچنین با تلاش بی وقفه همراه با خودباوری و توکل به خداونـد در بخش صـنعت وارد میدان می شوند و مسـیری را در پیش می گیرند که امروز ما شاهد شکوفایی و به بار نشستن تلاش ها و تصمیم های بزرگ هستیم. با وجود همه کارشکنی ها از جمله محاصره اقتصادی هر روزه شاهد

۱- صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۱۹۱.

پیشرفت های افتخارآمیزی در عرصه های علمی و اقتصادی هستیم به گونه ای که خود دشمنان نیز دچار تعجب شده اند ولی از آنجا که دشمنان ادامه یافتن این وضع را در ایران بیشتر به ضرر خود می دانند و چون در این روزها شاهدیم که آن فداکاری ها و ایستادگی های ملت ایران یک نوع خودباوری را در تمام ملت ها به وجود آورده است به طوری که آنها یکی پس از دیگری به وضعیت ایجاد شده از طرف سران وابسته خود اعتراض می کنند و در مسیری گام می گذارند که ملت ایران سی سال قبل از این، آن مسیر را در پیش گرفته بود. بر این اساس دشمنان اسلام بیش از گذشته درصدد برآمده اند از هر راه ممکن جلو پیشرفت های ملت ایران را که امروزه تبدیل به یک الگوی تمام عیار و در عین حال موفق در ضدیت با استکبار شده است، بگیرند تا از این رهگذر ملت های بیدار شده عصر حاضر را دچار یأس و حرمان سازند.

در چنین شرایطی استقامت در برابر زیاده خواهی دشمنان ضرورت دوچندانی دارد؛ چرا که افزون بر به ثمر رساندن زحمات سی ساله ملت مؤمن و فداکار ایران اسلامی و تحقق بخشیدن به اهداف حضرت امام رحمه الله ، با موفقیت ملت ایران الگوی شایسته ای برای مدیریت جوامع انسانی بر اساس احکام و معارف الهی اسلام به جهانیان ارائه می شود که بدون تردید همان گونه که این الگو در گام های اولیه انجامش، نظام کمونیستی را با شکست مواجه ساخت و آن را به حافظه تاریخ سپرد و به لطف پروردگار در گام های تکمیلی نظام سرمایه داری را با شکست نهایی مواجه خواهد کرد و زمینه را هر چه بیشتر برای فراهم شدن بستر تشکیل حکومت عدل اسلامی مهیا خواهد ساخت. بسیار واضح است که دست یابی به چنین اهداف والایی نیاز به برداشتن گام های استوارتر دارد که این مهم فقط با اعمال جهادی و فوق طبیعی میسر است.

ص:۲۱

لـذا بـا توجه به همه این امور است که امروز هم در عرصه فعالیت های اقتصادی ضـرورت انجام یک جهاد همه جانبه لازم بود که مقـام معظم رهبری(مـدظله العالی) با نام گـذاری سال ۱۳۹۰ به نـام مبـارک «جهـاد اقتصادی» این ماموریت عزت آفرین را برای همگان گوشزد فرمودند.

در هر حال در نوشـتار حاضر تلاش می شود قسمتی از بیانات و رهنمودهای روشنگرانه حضرت امام خمینی رحمه الله در زمینه اموری چون: اسـلام و اقتصاد، راهکارهای دست یابی به اقتصاد پیشرفته، اهداف اقتصاد اسلامی، وظایف دولت و ملت و ... در قـالب چهـار فصـل مسـتقل تـدوین و تنظیم گردد. بـدان امیـد که این کار در حـد خود به روشن شـدن موضوع جهاد اقتصادی کمک نماید.

فصل اول: کلیات

اشاره

ص:۲۲

فصل اول: کلیات

زیر فصل ها

جامعیت مکتب اسلام

خطوط اصلی اقتصاد اسلامی

اهداف اقتصاد اسلامی

جامعیت مکتب اسلام

اشاره

جامعیت مکتب اسلام

یکی از مشخصه های اسلام در مقایسه با سایر ادیان همه جانبگی آن است. به عبارت دیگر از جمله ویژگی های دین اسلام جامعیت آن است؛ یعنی هیچ موضوعی را نمی توان پیدا کرد که اسلام در زمینه آن نظری نداشته باشد. بر این اساس اسلام به عنوان یک مکتب دارای نظام سیاسی، تربیتی، فرهنگی و اقتصادی و... است. و این ویژگی از آنجا ناشی می شود که در قرآن کریم و روایات اهل بیت علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله به عنوان خاتم النبیین(۱) و از دین اسلام با تعبیر دین کامل و نعمت تمام (۲)یاد شده است و روایات فراوانی هم این موضوع را مورد تاکید قرار می دهند. از جمله در یک مورد از پیامبراکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: « ای مردم پس از من هیچ پیامبری و پس از سنت من هیچ سنتی نیست، هرکس پس از این ادعای پیامبری کند ادعا و بدعت او در آتش است... و هرکس که از چنین مدعی

۱- قرآن کریم، سوره مبارکه احزاب، آیه ۴۰.

۲- قرآن کریم، سوره مبارکه مائده، آیه ۳.

دروغ گویی پیروی کند جایگاهش آتش جهنم است.»(۱)

بنابراین وقتی خاتمیت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و دین اسلام به عنوان یکی از ضروریات مورد اتفاق پذیرفته شد، لازمه چنین حقیقتی آن است که این دین کامل و جاودانی باید همه برنامه های لازم برای زندگی و دست یابی به کمال واقعی را در اختیار آدمی قرار دهد و در ضمن طرح و برنامه آن باید به گونه ای جامع باشد که هیچ بعدی از ابعاد وجودی و هیچ نیازی از نیازهای واقعی او را فرو نگذارد. البته مقصود از جامعیت این نیست که در همه عرصه های زندگی مادی و معنوی تمامی مسائل نظری و عملی را در سطح کلان و جزئی چنان بیان کند که انسان از هرگونه تلاش فکری در شناخت انسان و جهان و ابعاد گوناگون زندگی بی نیاز گردد؛ بلکه مقصود این است که آموزه های آن، اصول و مبانی کلی را در اختیار بشر قرار دهد تا وی بتواند از راه تطبیق این اصول و احکام کلی به صورت نظامند همه معارف و راهکارهای لازم برای رسیدن به سعادت مادی و معنوی و دنیوی و اخروی خویش را به دست آورد.

حضرت امام خمینی رحمه الله در موارد فراوانی به جامعیت آموزه های الهی اسلام تصریح دارند و تاکید می کنند که اسلام در هدایت انسان به تمام نکاتی که ضرورت داشته است، توجه کرده است و از هیچ امری چه در بعد فردی و چه در بعد اجتماعی غفلت ننموده است و در هیچ جهتی از عدالت عدول نکرده است، یعنی در هر بخش آنچه را که لازم بوده است به اندازه بیان کرده است در عین حالی که از افراط و تفریط برحذر نموده، ولی انسان را از تمام نعمت های مادی هم در حد لازم برخوردار ساخته است و این

۱- من لایحضره الفقیه، ج۴، ص ۱۶۳، باب ۲، ح ۵۳۷.

برخورداری را نه تنها مانع دست یابی به کمال و سعادت ندانسته بلکه دنیا و امکاناتش را وسیله نیل به سعادت و تعالی اخروی ذکر کرده است. حضرت امام رحمه الله در توصیف جامعیت مکتب الهی اسلام از جمله می فرماید:

«مذهب اسلام هم زمان با اینکه به انسان می گوید که خدا را عبادت کن و چگونه عبادت کن، به او می گوید: چگونه زندگی کن و روابط خود را با سایر انسان ها باید چگونه تنظیم کنی و حتی جامعه اسلامی با سایر جوامع باید چگونه روابطی را برقرار نماید. هیچ حرکت و عملی از فرد و یا جامعه نیست مگر اینکه مذهب اسلام برای آن حکمی را مقرر داشته است. بنابراین طبیعی است که مفهوم رهبر دینی و مذهبی بودن، رهبری علمای مذهبی است در همه شئون جامعه، چون اسلام هدایت جامعه را در همه شئون و ابعاد آن به عهده گرفته است».(۱)

«اسلام همه چیز دارد، اسلام هم دنیا دارد، هم آخرت دارد، اسلام همه بعدها را نظر به آن دارد. حکومت اسلامی مثل حکومت های دیگر نیست که فقط به یک بعد نظر داشته باشند، حکومت اسلامی حکومتی است که همه اگر ان شاءالله پیاده بشود... سعادت دنیا و آخرت ملت ها را ضمانت کرده است و می کند».(۲)

«در احکام اسلام تمام چیزهایی که در اداره یک کشور احتیاج به آن هست، هست در اسلام، اسلام را اگر کسی تعهد به آن داشته باشد، امکان ندارد که او زیر بار ظلم برود، زیر بار وابستگی به کفار برود. خودش را تابع کفار قرار بدهد. تمام این فسادها برای این است که اسلام در این کشورها به آن معنایی که هست، تحقق پیدا نکرده و آنهایی که تربیت

۱- صحیفه امام، ج ۵، ص ۳۸۹ .

۲- صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۱۸۰.

جوان ها و بچه ها و بزرگ ها و آنهایی که در دبستان یا بالاتر هستند، آنها تربیت صحیح نشدند و بعد در جامعه که آمدند و کشور را در تحت سیطره خودشان درآوردند، یک اشخاص غیر متعهد بودند و ابایی از این نداشتند که کشور خودشان وابسته به غیر باشد و احتیاج به خارج داشته باشد».(۱)

«اسلام از هیچ چیز غافل نیست. یعنی اسلام انسان را تربیت می کند به همه ابعادی که انسان دارد. بعد مادی دارد، راجع به بعد مادی تصرفاتی دارد، بعد معنوی دارد، راجع به بعد معنویات صحبت دارد... همه اینها در اسلام است و اسلام یک حکومتی است که یک جنبه اش حکومت سیاسی است و یک جنبه اش حکومت معنوی؛ یعنی دو طرف دارد انسان، دو وضع دارد انسان، دو رو دارد انسان، یک روی مادی، اسلام در این روی مادی در همه جهاتش احکام دارد، یک روی معنوی که اصلاً مطرح نیست در رژیم ها که انسان را تربیت های معنوی و تهذیبی بکند تا برسد به مرتبه ای که دیگر هیچ کس نمی داند الا الله تا آنجا اسلام همین طور کشیده دست مردم را گرفته و برده است تا برساند به ملکوت اعلاء سایر رژیم ها این طور نیستند».(۲)

«قانون اسلام در طرز تشکیل حکومت و وضع قانون مالیات و وضع قوانین حقوقی و جزایی و آنچه مربوط به نظام مملکت است از تشکیل قشون گرفته تا تشکیل ادارات هیچ چیز را فروگذار نکرده است».(۳)

«ما برای شکم قیام نکردیم، ما برای اسلام قیام کردیم، آن چیزی که برای ما ارزش دارد اولاً اسلام است که در آن همه چیز هست...».(۴)

۱- همان، ج ۱۴، ص ۱۵۲.

۲- همان، ج ۵، ص ۱۰۸.

۳- کشف الاسرار ، ص ۱۸۴.

۴- صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۱۴۳.

به مناسبت دیگر در این باره می فرمایند:

« ... خدای تبارک به وسیله رسول اکرم صلی الله علیه و آله قوانینی را فرستاد که انسان از عظمت آنها به شگفت می آید. برای همه امور قانون و آداب آورده است. برای انسان پیش از آن که نطفه اش منعقد شود تا پس از آنکه به گور می رود قانون وضع کرده است. همان طور که برای وظایف عبادی قانون دارد برای امور اجتماعی و حکومتی قانون و راه و رسم دارد. حقوق اسلام یک حقوق مترقی و متکامل و جامع است ... هیچ موضوع حیاتی نیست که اسلام تکلیفی برای آن مقرر نداشته و حکمی درباره آن نداده باشد».(۱)

«اسلام از قبل تولد انسان شالوده حیات فردی را ریخته است تا آن وقت که در عائله زندگی می کند شالوده اجتماع عائله ای ریخته است و تکلیف معین فرموده است، تا آن وقت که در تعلیم وارد می شود، تا آن وقت که در اجتماع وارد می شود، تا آن وقت که روابطش با سایر ممالک و سایر دول و سایر ملل هست. تمام اینها برنامه دارد، تمام اینها تکلیف دارد در شرع مطهر. این طور نیست که فقط دعا و زیارت است. فقط نماز و دعا و زیارت، احکام اسلام نیست، یک باب از احکام اسلام است. دعا و زیارت یک باب از ابواب اسلام است لکن سیاست دارد اسلام، اداره مملکتی دارد اسلام. ممالک بزرگ را اداره می کند اسلام».(۲)

«از یک دوره کتاب حدیث که حدود پنجاه کتاب است و همه احکام اسلام را در بردارد سه چهار کتاب مربوط به عبادات و وظایف انسان نسبت به پروردگار است، مقداری از احکام هم مربوط به اخلاقیات است، بقیه

۱- آیین انقلاب اسلامی، صص ۱۴۴ و ۱۴۵؛ ولایت فقیه، ص ۵.

۲- صحیفه نور، ج ۱، ص ۱۱۹.

همه مربوط به اجتماعیات، اقتصادیات، حقوق و سیاست و تدبیر جامعه است».(۱)

«اسلام و حکومت اسلامی پدیده الهی است که با به کار بستن آن سعادت فرزندان خود را در دنیا و آخرت به بالاترین وجه تأمین می کند و قدرت آن را دارد که قلم سرخ بر ستمگری ها و چپاولگری ها و فسادها و تجاوزها بکشد و انسان ها را به کمال مطلوب خود برساند و مکتبی است که بر خلاف مکتب های غیر توحیدی در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد فروگذار ننموده است و موانع و مشکلات سر راه تکامل را در اجتماع و فرد گوشزد نموده و به رفع آنها کوشیده است».(۲)

«اسلام نه دعوتش به خصوص معنویات است و نه دعوتش خصوص مادیات است، هر دو را دارد؛ یعنی اسلام و قرآن کریم آمده است که انسان را به همه ابعادی که انسان دارد بسازد».(۳)

«اسلام همان طوری که فقط احکام ظاهری راجع به افراد باشد نیست، همین طور همه اسلام عبارت از قیام و نهضت و اینها هم نیست. اسلام این جور جهات دارد و کسی که بخواهد اسلام را بشناسد، همه جهات در اسلام هست یعنی آن چیزی که مربوط به رشد فرد است، آنکه مربوط به رشد جامعه است، آنکه مربوط به سیاستی است که بین آن و سایر ملل

۱- ولایت فقیه، ص ۹.

۲- صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۷۶.

۳- صحیفه امام، ج ۴، ص ۱۸۴.

هست، آنکه مربوط به اقتصاد است، آنکه مربوط به فرهنگ است، تمام اینها در اسلام هست».(۱)

«مطمئن باشید آنچه صلاح جامعه است در بسط عدالت و رفع ایادی ظالمانه و تأمین استقلال و آزادی و جریانات اقتصادی و تعدیل ثروت به طور عاقلانه و قابل عمل و عینیت، در اسلام به طور کامل می باشد و محتاج به تاویلات خارج از منطق نیست».(۲)

«... راجع به امور اخلاقی، راجع به امور تربیتی و بالاخره قرآن وارد شده است برای انسان به جمیع شئونی که انسان دارد، برای تربیت انسان به جمیع ابعادی که انسان دارد، و ابعاد انسان ابعاد غیر متناهی است، برای همه وارد شده است. برای همه چیز و یک سفره ای است که پهن شده است برای بشر که هر کس می تواند از آن سفره به مقدار استعداد خودش استفاده کند و مع الاسف استفاده کم شده است».(۳)

(اسلام و اقتصاد

(اسلام و اقتصاد

کسانی که گمان می کنند مسائل زندگی از یکدیگر جدا هستند و هر موضوعی به قلمرو خاصی تعلق دارد از شنیدن تعابیری چون اقتصادی اسلامی تعجب می کنند؛ زیرا معتقدند هر یک از مقوله های اقتصاد و اسلام یک مساله جداگانه و مستقلی هستند که به حوزه های متفاوتی مربوط می شوند یعنی اسلام به عنوان یک دین برای خودش و اقتصاد هم به عنوان یک علم قلمرو مخصوص دارد. حقیقت این است که صاحبان چنان تفکری

۱- صحیفه نور، ج ۴، ص ۵۳.
۲- همان، ج ۲، ص ۲۶۳.
۳- همان، ج ۱۸، ص ۱۹۲.

نه مسائل زندگی را درست شناخته اند و نه با مقوله دین، به ویژه دین وحیانی آشنایی درستی دارند. چون نه مسائل زندگی را می توان مجرد از یکدیگر فرض کرد و تاثیر و تاثر آنها را به همدیگر نادیده گرفت و نه دین آن هم دینی همانند اسلام امری است که قلمرویی جدای از ابعاد دیگر زندگی داشته باشد. دین اسلام همانگونه که پیش از این گفته شد از چنان جامعیتی برخوردار است که سعادت واقعی انسان را در دنیا و آخرت به طور همزمان مورد توجه قرار داده است و دنیا را مزرعه آخرت معرفی می کند. بر این اساس بعد مادی و دنیوی زندگی را از بعد معنوی آن جدا نمی داند در نتیجه برنامه ای را که برای مدیریت زندگی آدمی ارائه می دهد تمامی جهات زندگی او را تحت پوشش قرار می دهد که یکی از جنبه های مهم زندگی بشر بعد اقتصادی آن است. از این رو در هر حوزه از حیات انسان خواه فردی و خواه اجتماعی، خواه معنوی و خواه مادی، توقع آن است که اسلام موضع گیری روشنی داشته باشد وگرنه جامعیت آن مورد خدشه واقع می گردد.

حضرت امام خمینی رحمه الله به عنوان یک اسلام شناس کم نظیر معتقدند مکتب الهی اسلام یک نظام کامل هدایت انسان است که در درون خود دارای تعدا زیادی از خرده نظام هاست که مجموعه این نظام ها در ارتباط تنگاتنگ با هم دستیابی انسان را به کمال واقعی میسر می سازد که یکی از این خرده نظام ها همان نظام اقتصادی اسلام است.

منتهی باید توجه داشت از آنجا که مدل ها و الگوها همواره تابع شرایط زمانی و مکانی می باشند انتظار اینکه اسلام یک مدل اقتصادی خاص ثابتی را ارائه کند که در همه زمان ها و مکان ها راه گشا باشد، چنین چیزی به

جهت وقوع تغییرات همیشگی برای هیچ مکتبی ممکن نیست اما در آموزه های اسلامی اصول و قوانین ثابت و همیشگی که حاکم بر فعالیت ها و جهت گیری های اقتصادی است بیان شده است که در هر شرایطی این اصول می توانند مبنای مدل های اقتصادی پیشرفته و در عین حال سالمی باشند و در عین حال نظام اقتصادی اسلامی را نمایندگی کرده و فعالیت های اقتصادی را در مسیر درستی هماهنگ با سایر نظام های فکری، فرهنگی، سیاسی راهبری کنند. لذا با توجه به آن چه گفته شد. حضرت امام خمینی رحمه الله نه تنها ادعای کسانی را که دین اسلام را فاقد نظام خاص اقتصادی می دانند به طور کلی رد می کنند بلکه با صراحت بیان می کنند که هیچ سیستم و نظام اقتصادی کاملی به غیر از نظام اقتصادی خاص اسلام نمی توان یافت که بتواند جوامع انسانی را به سعادت واقعی و همه جانبه برساند. از جمله در جایی می فرمایند:

«مجموعه قواعد اسلامی در مسائل اقتصادی، هنگامی که در کل پیکره اسلام به صورت یک مکتب منسجم ملاحظه شود و همه جانبه پیاده شود بهترین شکل ممکن خواهد بود، هم مشکل فقر را از میان می برد و هم از فاسد شدن یک عده به وسیله تصاحب ثروت، جلوگیری می کند و در نتیجه کل جامعه را از فساد حفظ می کند و هم مانع رشد استعدادها و شکوفایی قدرت ابتکار و خلاقیت انسان ها نمی شود. جامعیت و همه جانبه بودن قوانین اسلام آنچنان است که اگر کسی آن را بشناسد، معترف خواهد شد که از حد و مرز فکر بشر بیرون است و ممکن نیست زاییده قدرت علمی و تفکر انسان باشد».(۱)

۱- همان، ج ۴، صص ۱۷۶ و ۱۷۷.

باز در این باره می فرمایند:

«مـذهب اسـلام از هنگام ظهورش متعرض نظام های حاکم در جامعه بوده است و خود دارای سیسـتم و نظام خاص اجتماعی و اقتصـادی و فرهنگی است که برای تمام ابعاد و شـئون زنـدگی فردی و اجتماعی قوانینی خاص دارد و جز آن را برای سـعادت جامعه نمی پذیرد...».(۱)

« ... مـا معتقـدیم تنهـا مکتبی که می توانـد جامعه را هـدایت کنـد و پیش ببرد اسـلام است. دنیا اگر بخواهـد از زیر بار هزاران مشکلی که امروز با آن دست به گریبان است نجات پیدا کند و انسانی زندگی کند ... باید به اسلام روی بیاورد».(۲)

«یکی از ابعاد انسان، بعـدی است که در این دنیای مادی می خواهـد معاشـرت بکنـد ، در این دنیای مادی می خواهد تاسیس دولت بکنـد، در این دنیـای مادی می خواهـد تأسیس مثلاً سایر چیزهایی که مربوط به مادیتش هست بکنـد. اسـلام این را هم دارد. آن قدر آیه و روایات که در سیاست وارد شده است، در عبادت وارد نشده است. شما پنجاه و چند کتاب فقه را ملاحظه می کنید، هفت هشت تا کتابی است که مربوط به عبادات است، باقیش مربوط به سیاسات و اجتماعیات و معاشرات و این طور چیزهاست».(۳)

«اسـلام علاوه بر اینکه بشـر را در روحیات غنی می کند، در مادیات غنی می کند، اسـلام دین سیاست است، قبل از اینکه دین معنویات باشد. اسلام همان طوری که به معنویات نظر دارد و همان طوری که به روحیات نظر دارد

۱- همان، صص ۱۶۷ و ۱۶۸.

۲- صحیفه امام، ج ۵، ص ۴۳۸.

۳- صحیفه نور، ج ۵، ص ۲۰.

و تربیت دینی می کند و تربیت نفسانی می کند و تهذیب نفس می کند، همانطور به مادیات نظر دارد و مردم را تربیت می کند در عالم که چطور از مادیات استفاده کنند و چه نظر داشته باشند در مادیات. اسلام مادیات را همچو تعدیل می کند که به الهیات منجر شود. اسلام در مادیات به نظر الهیات نظر می کند و در الهیات به نظر مادیات نظر می کند. اسلام جامع مابین همه جهات است... . همان طوری که اسلام معنویات را داشت و در صدر اسلام حکومت را هم داشت، الان هم به خواست خدای تبارک و تعالی ما با معنویاتی که اسلام دارد روبه رو هستیم و مطیع هستیم و در مادیات و در حکومت هم یک حکومت اسلامی، یک حکومت عدل که حکومت ها تابع مردم باشند و حکومت ها برای مردم باشند نه مردم برای حکومت ها. حکومت اسلامی حکومتی است که برای مردم خدمت گزار است، باید خدمت گزار باشد.»(۱)

(تفاوت اقتصاد اسلامی با سایر نظام های اقتصادی

(تفاوت اقتصاد اسلامی با سایر نظام های اقتصادی

از آنجا که هر یک از نظام های اقتصادی مبتنی بر یک جهان بینی خاصی هستند لذا از مبانی فلسفی متفاوتی در مقایسه با سایر نظام های اقتصادی برخوردارند که می توان گفت ریشه تمام تفاوت های این نظام ها به نوع جهان بینی آنها بر می گردد به عنوان مثال نظام اقتصاد سرمایه داری با توجه به جهان بینی ای که دارد بر مبنای فلسفی خاصی استوار است از جمله آنهاست:

۱. دئیسم: نظام سرمایه داری در گستره مبدأ شناسی معتقد به خدایی

۱- صحیفه نور، ج ۵، ص ۲۴۱.

است که از هر گونه دخالت در نظام تکوین و تشریع خودداری می کند. او جهان را آفریده بی آنکه در آن دخالتی کند رهایش کرده است. بر این اساس پیروان مکتب دئیسم هر گونه وحی الهی را انکار می کنند و عقل بشر را برای هر شناختی کافی می دانند.

۲. اصالت فایده و سود: مکتب سرمایه داری در زمینه انسان شناسی بر اصالت فایده تاکید می ورزد و سعادت را در لذایذ مادی و سود بیشتر خلاصه می کند.

۳. آزادی فردی: در فعالیت های اقتصادی از جمله مبانی اقتصاد سرمایه داری آزادی فردی است بر این اساس هر گونه مانع خارجی از جمله عدم دخالت دولت در فعالیت های اقتصادی از اصول به حساب می آید.

۴. بازار رقابت کامل: طرفداران این نظام معتقدند در بازار رقابت کامل، بر اساس مکانیزم بازار و بدون دخالت دولت مصالح عمومی مصرف کننده و تولید کنندگان به خودی خود تامین می شود که این مکانیزم بر اساس سود و فایده و آزادی فردی طراحی شده است.

۵. رفاه عمومی: از آنجا که اصالت فایده و رفاه مصرف کننده در نظام سرمایه داری مهم تلقی می شود، رفاه عمومی در سایه آن جست و جو می شود.

وقتی این مبانی با مبانی فلسفی نظام اقتصاد اسلامی سنجیده می شود تفاوت نظام اقتصادی اسلام با سایر نظام ها روشن می شود. چرا که مسائل اقتصادی را مجزای از مبانی فلسفی نمی شود دانست. تمام مسائل زندگی از جمله مسائل اقتصادی تحت تاثیر جهان بینی و مبانی آن قرار دارند بنابراین وقتی در جهان بینی اسلامی در گستره خداشناسی و انسان شناسی اصل توحید و اصالت روح مطرح است، بدیهی است که بر اساس توحید افعالی

ربوبی حکمت الهی اقتضا دارد که خداوند با تدبیر خویش به هدایت انسان بپردازد به همین جهت نه تنها امکان هر گونه دخالت تکوینی و تشریعی بلکه ضرورت آن مطرح است و یا در دایره انسان شناسی با اثبات اصالت روح و غیر مادی بودن آن جنبه عبادی داشتن فعالیت های اقتصادی و صبغه ارزشی و معنوی پیدا کردن شان در چهارچوب فضیلت اخلاقی قرار گرفتن شان امری طبیعی تلقی می شود. به تبع آن محدود شدن آزادی انسان با عنصر مسئولیت با در نظر گرفتن اصل توحید و ضرورت تعالی روح انسان هماهنگی کامل دارد که مساله تعاون و تحکیم ارزشهای معنوی و اخلاقی و همین طور عدالت اجتماعی را در پی دارد.

با توجه به آنچه گفته شد از دقت در مشخصه های اصول جهان بینی اسلامی می توان به تفاوت های اساسی نظام اقتصاد اسلامی با سایر نظام ها پی برد و در این باره از جمله می توان گفت:

در یک نگاه، مجموعه نظام های اقتصادی حاکم بر کشورهای جهان به دو قسم، تقسیم می شوند: یا از نظام اقتصاد سرمایه داری پیروی می کنند که در آن مالکیت فردی به صورت نامحدود و بدون دخالت دولت رایج است و یا از نظام اقتصاد سوسیالیستی تبعیت می نمایند که در آن مالکیت فردی تقریباً منتفی است و مالکیت در انحصار دولت هاست. البته نظام برخی از کشورها هم تلفیقی از اصول اقتصادی این دو نظام می باشد. ولی از دیدگاه حضرت امام خمینی رحمه الله که اندیشه او برگرفته از احکام و دستورات الهی اسلام است. نظام اقتصاد اسلامی یک نظام مستقلی است که تفاوت ماهوی با هر یک از آن دو نظام دارد. به عنوان نمونه با وجود تفاوت ظاهری در هر دو نظام سرمایه داری و سوسیالیستی مادیات در آنها اصل و هدف می باشد ولی در نظام اسلامی اصالت از آن معنویات است و

مادیات صرفا به منزله ابزاری برای نیل به معنویات است. افزون بر آن در نظام خاص اقتصادی اسلام هم مالکیت فردی و هم مالکیت جمعی و دولتی در چارچوب احکام اسلامی پذیرفته شده است و... . در یک کلام امام رحمه الله به اقتصاد با محوریت انسان سازی نظر دارد نه اینکه به آن به عنوان غایت و هدف نهایی نگریسته باشد بلکه اقتصاد وسیله ای است برای رسیدن به قرب حق از راه تعالی معنوی اما در هیچ یک از مکاتب اقتصادی رایج چنین هدفی به چشم نمی خورد.

در سخنان حضرت امام رحمه الله به بعضی از تفاوت های نظام اقتصاد اسلامی با سایر نظام ها تصریح شده است که در اینجا به چند مورد اشاره می شود:

(تفاوت در انگیزه ها و اهداف

(تفاوت در انگیزه ها و اهداف

«... شما گمان نکنید که غربی ها پیشرفت کرده اند، غربی ها در جهات مادی پیشرفت کرده اند لکن معنویات ندارند. اسلام و همین طور مکتب های توحیدی می خواهند انسان درست کنند و غرب از این معنی به کلی بر کنار است».(۱)

«... نظر ما به اقتصاد نیست مگر به طور آلت. نظر ما به فرهنگ اسلامی است که این فرهنگ اسلامی را از ما جدا کردند...».(۲)

(نفی زیربنا بودن اقتصاد

(نفی زیربنا بودن اقتصاد

«... زیربنا اقتصاد نیست، برای اینکه غایت انسان اقتصاد نیست. انسان زحمتش برای این نیست که فقط شکمش را سیر کند... برنامه اسلام این است که این انسان را جوری [تربیت] کند که هم اینجا [در دنیا] صحیح باشد و هم آنجا [آخرت] صحیح باشد. راه مستقیم نه طرف شرق و نه طرف غرب [است بلکه] صراط مستقیم یک سرش اینجاست یک سرش هم

۱- همان، ج ۷، ص ۸۰.
۲- همان، ج ۷، ص ۷۲.

لانهایت».(۱)

«قضـیه قضـیه اقتصاد نیست، قضـیه قضـیه کشور نیست، قضیه قضیه ایران نیست. قضیه قضیه اسلام است. از قضایای دیگر انسان می تواند صرف نظر کند.. لکن از اسلام نمی تواند بگذرد...».(۲)

«اولیای ما هم برای اسـلام جان دادنـد، نه برای اقتصاد. اقتصاد قابل این نیست. آدم اقتصاد را برای خودش می خواهـد، خودش را به کشتن بدهد که اقتصادش درست بشود! این معقول نیست».(۳)

«چه بسا اشخاصـی که خیال می کننـد که پیغمبر اکرم که آمـده است یا سایر انبیاءی که خدای تبارک و تعالی فرسـتاده است، برای این است که مردم را از این ظلم و بی عـدالتی و امثال این نجات بدهـد و ماموریت همین است که عـدالت ایجاد کنـد در اجتمـاع و در افراد و مـاموریت همین قـدر بیشتر نیست. چه بسـا اشخاصـی که اقتصـاد را یک مطلب بااهمیت تلقی می کننـد و ماموریت انبیاء را محـدود به این بکنند که اینها آمده اند مردم را به یک شـکم سـیر و یک زندگی رفاه برسانند و همین اسـت مـاموریت انبیـاء و چه بسـا اشخاصـی که به حسب دیـد عرفـانی که دارنـد بعثت انبیاء را محـدود می کننـد به اینکه برای بسـط معـارف الهی است و غیر از این بعثت چیزی نیست و همین طور فلاسـفه یـک طور فکر می کننـد، فقهای اسـلام، ملت ها یک طـور فکر می کننـد، روشـنفکرها یـک طور فکر می کننـد و مومنین هم هر کـدام به یـک نحو فکری دارنـد و همه قاصـرند از رسیدن به آن چه هست».(۴)

(قبول مادیات به تبع معنویات

ص:۳۷

۱- همان، ج ۹، ص ۷۶.

۲- همان، ج ۷، ص ۷۸.

۳- همان، ج ۹، ص ۷۱.

۴- همان، ج ۱۲، ص ۱۶۹.

(قبول مادیات به تبع معنویات

«در اسـلام همچو مسائل اصـلاً مطرح نیست، مسئله مادیت به این معنایی که اینها می گویند، مطرح نیست، اسلام مادیت را تبع معنویت می کنـد، می خواهـد مادیت را مهار کنـد، صورت معنوی به آن بدهد... اصـلاً مادیت مطرح نیست در اسـلام. خوب، زندگی پیغمبر اسـلام را زندگی امیرالمؤمنین علیه السـلام را مطالعه کنند، ببینند اینها چه جور زندگی کردند، حکومت هم که کردنـد چه جور حکومت کردنـد، چه وضـعی داشـته حکومتشـان. آنی که اسـلام است توجهش مادیت توجه تبعی است، همه توجه معنویـات است. «ان الله تعـالی مـا نظر» در روایت هست که مـا نظر الی عالم طبیعت یا « الی الجسم منـذ خلقه» نظر لطف، معنویات را میزان گرفته اند».(۱)

«مکتب های توحیدی که در رأس آنها مکتب اسلام است در عین حال که با مادیات سرو کار دارند، لکن مقصد این است که مردم را طوری تربیت کنند که مادیات، حجاب آنها برای معنویات نباشد، مادیات را در خدمت معنویات می کشند، به خدمت معنویات می کشند، در عین حالی که نسبت به مادیات نظر دارند، نسبت به زندگی دنیا نظر دارند، در عین حال مردم را متوجه معنویات می کننـد و از ظلمت ماده نجات می دهند. توجه به ماده و به مادیات به طوری که تمام توجه به مادیات باشد، ظلمت است، ظلمات است و انسان را به ظلمات می کشد».(۲)

«...اسلام برای تأمین علف نیامده، اسلام برای تامین معنویات آمده است. همه اش فریاد از مادیات نباشد [این] برخلاف مسلک اسـلام است. معنویات اگر تحقق پیـدا کرد، مادیات معنوی می شود و به دنبالش هست. اسـلام مادیات را به تبع معنویات قبول دارد. مادیات را مستقلاً قبول ندارد. اساس

۱- همان، ج ۶، ص ۶۰.

۲- همان، ج ۸، ص ۲۳۷.

معنویات است، یک کشور با معنویاتش کشور است».(۱)

«طاغوت همه چیزش مادی است، شیطانی است. معنویات را هم می کشد طرف مادیات و طرف دنیا، لکن آنها که تابع دستورات الهی هستند، همین مادیاتی که همه از آن استفاده می کنند، همین مادیات را با یک صورت معنویت به آن می دهند، با جنبه معنویت به اینها نگاه می کنند».(۲)

«اسلام اصلش ماده در نظرش مطرح نیست. هرکس قرآن را مشاهده کند می بیند همه چیزهای ماده در آن هست لکن نه به عنوان مادی همه اش به عنوان یک مرتبه دیگری، تعلیم به یک مرتبه دیگری».(۳)

«اسلام وقتی هم که جنگ می کرد، جنگ کردنش مثل جنگ کردن های کشورگشاها نبوده است که بخواهد یک کشوری را بگیرد. اسلام می خواسته آدم درست کند... اسلام برای آزادی از اسارت آمده، نه فقط اسارت مادی که نفت ما را ببرند. پیش اسلام ، نفت یک چیز، مطرح نیست، باید حفظ شود اما مقصد اسلام نفت نیست، مقصد اسلام خانه نیست، مقصد بالاتر دارد و همه چیز در آن هست؛ یعنی اسلام همان طوری که به جهات مادی این عالم و جهات حکومتی این عالم، قضای این عالم توجه دارد، به جهات معنوی هم توجه دارد و توجه به جهات معنوی بالاتر از توجه به جهات مادی است».(۴)

«ما نباید معیارها را معیارهای مادی قرار بدهیم و پیروزی و شکست را هم روی معیارهای طبیعی و مادی مطالعه کنیم. ما معیارها را باید معیارهای الهی قرار بدهیم و پیروزی و شکست را هم در همان میزان الهی تشخیص بدهیم».(۵)

۱- همان، ج ۴، ص ۱۷.

۲- همان، ج ۷، ص ۶۰.

۳- همان، ج ۸، صص ۷ و ۸.

۴- همان، ج ۱۰، صص ۲۷۱ و ۲۷۲.

۵- همان، ج ۱۳، ص ۱۳۲.

«چرا انسان همه مسائل را، معنویات نگیرد تا مادیات هم دنبالش بیاید؟ مادیات هست اما معنویات را وقتی گرفتید، مادیات هم دنبالش می آید. لازم نیست شما برای او زحمت بکشید».(۱)

«وقتی ما می خواهیم جهات معنوی را بکنیم در مادیات و مادیات را به طرف معنویات بیاوریم، این سیر الی الله است. البته کار مشکلی است ولی این طور نیست که نشود. وقتی انسان وارد عمل شد، موفق می شود».(۲)

«اتصال معنویت به مادیات و انعکاس معنویت در همه جهات مادیت از خصوصیات قرآن است که افاضه فرموده است. قرآن در عین حالی که یک کتاب معنوی، عرفانی و آن طوری است که به دست ماها، به خیال ماها، به خیال جبرئیل امین هم نمی رسد، در عین حال یک کتابی است که تهذیب اخلاق را می کند، استدلال هم می کند، حکومت هم می کند و وحدت را هم سفارش می کند و قتال را هم سفارش می کند و این از خصوصیات کتاب آسمانی ماست که هم باب معرفت را باز کرده است تا حدودی که در حد انسان است و هم باب مادیات را و اتصال مادیات به معنویات را و هم باب حکومت را و هم باب خلافت را و همه چیز را و ما که امید است از پیروان اسلام باشیم واز پیروان قرآن باشیم باید همه ابعاد این را در نظر داشته باشیم».(۳)

(نظام اقتصاد اسلامی ضامن نجات بشر

(نظام اقتصاد اسلامی ضامن نجات بشر

«... این مسلّم است که از نظر اسلام حل تمام مشکلات و پیچیدگی ها در زندگی انسان ها با تنظیم روابط اقتصادی به شکل خاص حل نمی شود و نخواهد شد بلکه مشکلات را در کل یک نظام اسلامی باید حل کرد و از

۱- همان، ج ۱۶، ص ۸۶.
۲- همان، ج ۱۷، ص ۱۲۴.
۳- همان، ص ۲۵۲.

معنویات نباید غافل بود که کلید دردهاست. ما معتقدیم تنها مکتبی که می تواند جامعه را هدایت کند و پیش ببرد اسلام است و دنیا اگر بخواهد از زیر بار هزاران مشکلی که امروز با آن دست به گریبان است نجات پیدا کند و انسانی زندگی کند، انسان گونه باید به اسلام روی بیاورد».(۱)

(اصل عدالت و مساوات در اسلام

(اصل عدالت و مساوات در اسلام

«اسلام طبقه ای را بر طبقه دیگر ترجیح نداده است. اسلام گرایش مادیگری ندارد. اسلام تمام طبقات را مساوی دانسته است؛ فقط به تقوا مردم را بر دیگری، بر دیگران ترجیح داده است».(۲)

«برنامه جمهوری اسلامی این است که یک دولتی به وجود بیاید که با همه قشرها به عدالت رفتار کند و امتیاز بین قشرها را ندهد مگر به امتیازات انسانی که خود آنها دارند...».(۳)

«اینکه توهم می شود که فرق مابین رژیم اسلامی و انسانی با سایر رژیم ها این است که در این عدالت هست، این صحیح است لکن فرق این نیست، فرق ها هست، یکی از فرق هایش قضیه عدالت اجتماعی است».(۴)

«بنا نبوده است که یک حاکمی وقتی که حکومت کند، یک جایی را از جای دیگر فرق بگذارد...اگر یک همچو حکومتی ما فرض کنیم در یک کشوری پیدا شد که نظر حاکم به حسب تکلیف الهی مکلف است، به طور تکلیف الهی موظف است به حسب قانون که همه اهل کشور را با یک نظر نگاه کند. تمام اهل کشور را برای خودش بداند. در اجرای قانون ما بین حاکم و محکوم یک جور باشد، در پروژه هایی که درست

۱- صحیفه امام، ج ۵، ص ۴۳۸.
۲- همان، ج ۶ ، ص ۱۹۰.
۳- همان، ج ۸، ص ۱۱۴.
۴- همان، ج ۷، ص ۱۷۹.

می کنند برای تعمیرات، برای هر چیزی، همه جا مثل هم باشد، به عدالت باشد».(۱)

خطوط اصلی اقتصاد اسلامی

اشاره

خطوط اصلی اقتصاد اسلامی

در تعریف خطوط اصلی اقتصاد گفته شده است که هر نظام اقتصادی دارای چارچوب مشخصی است که این چارچوب مبتنی بر اصول مکتبی است که این نظام از آن نشئت گرفته است. اصول اساسی ای که چارچوب نظام اقتصادی در هر مکتبی بر آن استوار است را می توان خطوط اصلی اقتصاد آن مکتب نامید. این خطوط را می توان به صورت سه اصل زیر عنوان کرد:

الف) هدف زندگی بشر

ب) محور نظام

ج) جهت گیری اقتصادی

الف) هدف زندگی انسان

الف) هدف زندگی انسان

مراد از هدف مقصد و نهایتی است که انسان ها باید در زندگی به آن برسند و همه حرکت ها و فعالیت های آنها در طول زندگی باید متوجه دست یابی به آن هدف باشد. اگرچه در نظام های دیگر هدف رفاه مادی است ولی در اسلام هدف اصلی و اولیه خدا و خداگونه شدن انسان است. انسان برای رسیدن به اعتلا و سعادت باید به خودسازی بپردازد. اصولاً اسلام برای تربیت و تعالی معنوی انسان آمده است.

بنابراین اهمیت مشخص شدن هدف از حیات آدمی مقدم بر اصل نظام اقتصادی است. چون هدف نظام اقتصادی تامین نیازها و فراهم شدن زمینه انسانی زیستن آدمی است لذا در اولین گام باید مشخص شود که انسان چگونه

۱- همان، ج ۱۱، ص ۲۷.

موجودی است؟ بین او و نظام هستی چه ارتباطی وجود دارد؟ و هدف حیات او چیست؟

بـدون معلوم شـدن هـدف زندگی انسان بحث کردن از نظام اقتصادی مطلوب کاری بیهوده است. در اشاره به این حقیقت امیر مومنان امام علی علیه السـلام می فرمایـد: «بهترین آگاهی ها، خویشـتن شناسـی و بزرگترین نادانی ها، ناآگاهی نسبت به خود است.»(۱) چون باز به فرموده آن حضرت: «کسی که خود را نشناسد از راه نجات دور شده به گمراهی دچار می شود.»(۲)

اگر دقت شود به خوبی این حقیقت قابـل لمس است که امروزه نوع تبـاهی و گرفتـاری هـای انسان ریشه در ناآگاهی انسان بر ابعاد وجودی و اسـتعدادهای عظیم خود دارد. مطابق نتایجی که از بحث جهان بینی اسـلامی بدست می آید هدف غایی انسان قرب الهی است که این امر در نتیجه خودسـازی و تلاش در چهارچوب احکام الهی میسـر است. به عبارت دیگر انسان آفریـده شـده تـا با اختیار خویش به گونه ای عمل کنـد که همه اعمال و رفتار او تحقق بخش این هـدف بزرگ باشـد. در آموزه های دینی از آن به عنوان یکی از ارکـان نظـام اقتصـادی یاد شـده است. چون وقتی دانستیم که انسان در پی تحصـیل کمال است و کمال او د ر قرب الهی می باشد و این امر هم به وسـیله کارهای اختیاری او میسـر می گردد. فعالیت های اقتصادی که از جمله کارهای اختیاری اوست بایـد به گونه ای باشـد که در نهایت به تحقق آن هـدف بزرگ منتهی شود وگرنه اگر هدف حیات و زنـدگی انسان معلوم نباشـد چه بسا فعالیت ها و جهت گیری های اقتصادی او متعارض با نیازها و مصالح واقعی اش باشد و در نتیجه پیشرفت ها در عرصه های

۱- ۱- غرر و درر آمدی، ش ۳۹۳۶.

۲- ۲- غرر و درر آمدی، ش ۹۰۳۴.

اقتصادی نه تنها زمینه ساز تعالی و سعادت او نمی گردد بلکه هر گام پیشرفت اقتصادی خود عامل دور شدن او از هدف به حساب می آید.

حضرت امام ضمن اشاره به این مطلب می فرمایند:

«اسلام به این منظور به وجود آمد که به انسان، ابعاد واقعی و شأن انسانی عطا کند. یعنی انسان را از نظر زندگی اجتماعی، شخصی و سیاسی تحول بخشد و به غنای روحی انسان یاری دهد».(۱)

«کوشش انبیا و ایده بعثت در تمام قرن ها تربیت این موجود (انسان) است. این موجودی که عصاره همه مخلوقات است».(۲)

«انبیاء آمدند که دست این انسان را بگیرند... دست انسان را بگیرند از این ظلمت ها بیرون ببرند و به نور برسانند. «اللّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُواْ يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّوُرِ» خدا اخراج می کند به وسیله انبیاء به وسیله تعلیمات. تعلیمات انبیا برای این است که این ظلمت هایی که در اطراف یک موجودی هجوم به آن آورند از همه اطراف دست آنها را بگیرد و از این ظلمت ها بیرون بیاورد... انبیا آمده اند که ما را از این نجات بدهند».(۳)

«در میان همه موجوداتی که در این طبیعت موجود هستند انسان اختصاصاتی دارد که سایر موجودات ندارند یک مرتبه باطن، یک مرتبه عقلیت، یک مرتبه بالاتر از مرتبه عقل در انسان به قوه هست، از اول در سرشت انسان هست که این انسان از عالم طبیعت سیر کند تا برسد به آنجایی که وهم ماها نمی تواند برسد و همه اینها محتاج به تربیت است...

۱- صحیفه امام، ج ۲، ص ۲۶۳.
۲- همان، ج ۱۴، ص ۱۵.
۳- همان، ج ۱۰، ص ۲۷۶.

انبیا آمدنـد تـا این انسان را به آن مراتبی که کسانی دیگر، علمای طبیعت نمی تواننـد این مراتب را اطلاع پیـدا کننـد و تربیت کنند انسان را، این مراتب را تربیت بدهند و نمو و ارتقا بدهند... . انسان قابلیت این را دارد که تربیت بشود و آن مراتب مافوق طبیعت را هم پیـدا کنـد و کسـی نیست که به انسان این نحو تربیت را بکنـد، خـدای تبارک و تعالی انبیا را مأمور فرمودنـد که اینها بیایند و تربیت کنند این انسان را که برسد به آن مراتب مافوق طبیعت و هر چیزی که در آن قابلیت هست فعلیت پیدا کند و تربیت یک تربیت الهی بشود».(۱)

«بعثت انبیا برای تربیت ماست... جوری تربیت بشویم که آنجا هم زنـدگیمان زنـدگی سـعادتمند باشد... انبیا آمده اند که ما را از این عالم طبیعت کم کم تربیت کنـد و آن مقـداری که مربوط به تربیت های معنوی است به ما بفرماینـد... تمام نکته آمـدن انبیا این است که تربیت کنند این بشر را که قابل برای این است که تربیت بشود و مافوق حیوانات است».(۲)

بـاز حضـرت امـام رحمه الله در توضـیح بیشتر همین موضوع در جـایی دیگر می فرماینـد: «اسـلام برای این انسانی که همه چیز است یعنی از طبیعت تا ماوراء الطبیعت تا عالم الوهیت مراتب دارد، اسـلام تز دارد. برنامه دارد اسـلام. اسـلام می خواهد انسان را یک انسانی بسازد جامع؛ یعنی رشـد به آن طور که هست بدهـد. از حظ طبیعت دارد رشـد طبیعی به او بدهد، حظ برزخیت دارد رشـد برزخیت به او بدهد، حظ روحانیت دارد، رشد روحانیت به او بدهد، حظ عقلانیت دارد، رشد عقلانیت به او بدهد، حظ الوهیت دارد، رشد الوهیت به او بدهد. همه خطوطی که انسان دارد و به

۱- همان، ج ۲، ص ۲۳۱.

۲- همان، ج ۲، ص ۲۲۷.

طور نقص است، الان نرسیده است، ادیان آمده اند که این میوه نارس را رسیده اش کنند، این میوه ناقص را کاملش کنند... . اسلام ... برای تربیت انسان است و انسان را می خواهد یک موجود رشیدی که همه این ابعاد را داشته باشد تربیت کند و برای همه اینها هم دستور دارد».(۱)

لذا از دیدگاه اسلام هدف، اعتلای بشر است و از آنجا که فعالیت های اقتصادی جزئی از فعالیت های بشر هستند باید این فعالیت ها نیز تلاشی در جهت نیل به این مقصود باشد. حضرت امام بر خلاف دیدگاه نظام سرمایه داری و سوسیالیستی که هدف از حیات بشر را دست یابی به امکانات مادی می دانند و اقتصاد را اصل برای رفاه مادی قرار می دهند، اصالت اقتصاد را رد نموده و آن را تنها ابزاری برای رسیدن به اعتلای انسان معرفی می کنند و می فرمایند:

«نظر ما به اقتصاد نیست مگر به طور آلت...».(۲)

«...اسلام مادیات را به تبع معنویات قبول دارد. مادیات را مستقلاً قبول ندارد. اساس معنویات است. یک کشور به معنویاتش کشور است.(۳)

...آنهایی که دم از اقتصاد می زنند و زیر بنای همه چیز را اقتصاد می دانند آنها از باب اینکه انسان را نمی دانند یعنی چه؟ خیال می کنند که انسان هم یک حیوانی است... زیر بنا توحید است. زیر بنا عقاید حقه الهی است. نه زیر بنا شکم باشد. اینهایی که اقتصاد را زیر بنا می دانند اینها منحط کرده اند انسان را از حد انسانیت به یک حد حیوانی. مثل سایرحیوانات».(۴)

«اگر مقصد این بود که زاغه نشین ها از زاغه نشینی بیرون بیایند و یک سر

ص:۴۶

۱- همان، ج ۲، صص ۱۵۵و ۱۵۶.

۲- همان، ج ۷، ص ۲۱۳.

۳- همان، ج ۷، ص ۱۷.

۴- همان، ج ۹، ص۷۲.

و سامانی پیدا کنند.... مقصد این نیست. مقصد این است که کشور ما یک کشور اسلامی باشد. کشور ما تحت رهبری قرآن... مکتب های مادی تمام همتشان این است که مرتع درست بشود، تمام همت این است که منزل داشته باشند، رفاه داشته باشند. اسلام مقصدش بالاتر از اینهاست. مکتب اسلام یک مکتب مادی نیست. یک مکتب مادی معنوی است. مادیت را در پناه معنویت اسلام قبول دارد. معنویات، اخلاق، تهذیب نفس، اسلام برای تهذیب انسان آمده است. برای انسان سازی آمده است. همه مکتب های توحیدی برای انسان سازی آمده اند. ما مکلفیم انسان بسازیم..»(۱)

«اعتلاء به این نیست که شکم ما سیر باشد، اعتلاء به این است که ما مسلکمان را و مکتبمان را به پیش ببریم... ما رو به اعتلا هستیم و بشر را رو به اعتلا می خواهیم ببریم».(۲)

«این پدیده جهانی است. در حقیقت بشر امروز دارد به دوران جدایی مادیت از معنویت پایان می دهد. در همه جا مادیت جای خود را در اعتلای معنوی انسان دارد باز می یابد. مادیت که معنی آن در تحصیل قدرت مادی به هر وسیله و از هر راه خلاصه می شد، کار بشریت را مواجه با بن بست ساخته است. اینک زمان آن است که فعالیت های مادی، آمادگی برای اعتلای معنوی انسان تلقی شود و همین تلقی است که بشریت امروز و فردا را به مذهب باز می گرداند. اسلام دینی است که با تنظیم فعالیت های مادی، راه را به اعتلای معنوی انسان می گشاید.

ترقی واقعی همین است که رشد خود انسان هدف فعالیت های مادی گردد و اسلام دین این ترقی است».(۳)

ص:۴۷

۱- صحیفه امام، ج ۷، ص ۵۳۲

۲- صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۲۳۳.

۳- همان، ج ۳، صص ۵۳ و ۵۴.

«فتح برای مملکت گیری در اسلام نیست، مملکت گیری برای حکومت در اسلام نیست، حکومت جائرانه مطرح نیست. فتح برای این است که انسان ها را، آدمها را به کمال برساند. فتوحات اسلام غیر از فتوحات رژیم های دیگر است. آنها فتوحاتشان، رژیم ها فتوحاتشان، فتوحات برای دنیاست؛ و انبیا فتوحاتشان برای خداست، برای توجه دادن مردم به خداست. آنها مردمی که اسیر ماده هستند و اسیر نفس و شیطان هستند آنها را می خواهند تحت تأثیر خودشان و مکتب خودشان قرار بدهند، و آنها را از حزب شیطان به حزب اللّه وارد کنند: « اللّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُواْ يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّوُرِ وَالَّذِينَ كَفَرُواْ أَوْلِيَآؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ». این دو، این دو جنبه است؛ این دو جبهه است: جبهه طاغوت و جبهه اللّه. جبهه اللّه را که توجه به خدا دارند و ایمان به خدا دارند، خدای تبارک و تعالی آنها را از همه ظلمت ها، از تمام ظلمت ها، اخراج می کند و به نور می رساند. آن نور، نورِ خودِ حق است. اینکه نور است، اللّهُ نورُ السَّمواتِ و الأَرض از همه ظلمت ها، که ما عدای اللّه است، آنها را خارج می کند، و به نور می رساند، و به اللّه می رساند. طاغوت مردم را از نور خارج می کند و به ظلمات می رساند: ظُلُمَاتٌ بَعضُهَا فَوقَ بَعضٍ این دو راه است: راه انبیا، و راه طاغوت. راه انبیا راه خداست؛ و خدا ولی است و خدا فاعل است؛ و به دست خدا انسان تربیت می شود؛ و راه طاغوت راه شیطان است، که شیطان مربی انسان است». (۱)

در مجموع این بخش از رهنمودهای حضرت امام رحمه الله دیدگاه نظام سرمایه داری و سوسیالیستی در زمینه هدف زندگی انسان را به طور کلی رد می نماید. چرا که برخلاف تفاوتی که بین جهان بینی لیبرالیستی و

۱- صحیفه امام، ج ۸، ص ۲۶۸.

سوسیالیستی هست، هر دو در نهایت، هدف زندگی انسان را دست یابی به رفاه مادی می داند. چون بر طبق جهان بینی هر دو مکتب، انسان موجودی است که امیالش، اهداف و ارزش های او را برمی گزیند و سایر استعدادهایش از جمله نیروی اندیشه برای دست یابی به آن اهداف کمک می رسانند و بر این اساس چون میل طبیعی انسان بر دست یابی هر چه بهتر و بیشتر رفاه و آسایش مادی است لذا هدف زندگی انسان در تلاش برای بهتر و بیشتر برخوردار شدن از امکانات مادی و رفاهی خلاصه می گردد.

این دیدگاه کاملاً ـ با بینش اسلامی که هدف آفرینش انسان را حرکت به سوی کمال و دست یابی به قرب حضرت حق می داند، در تباین است. بر طبق دیدگاه نظام اقتصادی جامعه اسلامی باید به گونه ای باشد که زمینه را برای حرکت همه افراد جامعه به سمت تعالی و کمال انسانی و عبودیت حضرت حق که تنها راه سعادت انسانی است، فراهم سازد و هر گونه تفسیری از رفاه و آسایش که با سیر انسان به سوی حق در تعارض باشد نمی تواند مورد پذیرش باشد. خلاصه آنکه اصول حاکم بر تمام فعالیت های اقتصادی در جامعه اسلامی اعم از تولید و توزیع و مصرف باید به گونه ای باشد که به رشد معنوی او آسیبی نرساند و او را از هدف آفرینشش باز ندارد.

ب) محور نظام اسلامی

ب) محور نظام اسلامی

منظور از محور نظام، همان اصلی است که نظام برای استحکام آن تشکیل شده است و قوانین و احکام نظام برای تحقق آن اصل تدوین می شوند و چرخ نظام، حول این محور می چرخد تا انسان ها بتوانند به هدف و غایت خود برسند. به

ص:۴۹

عبارت دیگر محور نظام همان انگیزه تشکیل نظام است و هدف از تشکیل نظام تحقق آن اصل است و همه ابعاد نظام اجتماعی باید مشروط به آن باشد. این محور ریشه در نظام فکری و اعتقادی حاکم بر جوامع دارد که ضرورت تحقق آن موجب ایجاد نظام از دید مکتب می گردد. و این امر با توجه به نوع جهان بینی هر مکتبی موضوع خاصّی است که از دقت در نوع جهان شناسی و نظام ارزشی مکاتب می شود آن اصل را شناخت به عنوان مثال: محور نظام های سرمایه داری و سوسیالیستی آزادی و اشتراک است ولی حضرت امام رحمه الله ضمن رد آن، در مقابل این دو، محور نظام اسلامی را عدالت و اعتدال (معتدل بودن) و به عبارت بهتر اقامه عدل معرفی می کند و از آن باعبارات و تعابیر مختلفی یاد می کند و از جمله می فرماید:

«اسلام نه با سرمایه داری ظالمانه و بی حساب و محروم کننده توده های تحت ستم و مظلوم موافق است، بلکه آن را به طور جدی درکتاب و سنت محکوم می کند و مخالف عدالت اجتماعی می داند... و نه رژیمی مانند رژیم کمونیسم و مارکسیسم و لنینیسم است که با مالکیت فردی مخالف و قائل به اشتراک می باشد. بلکه اسلام یک رژیم معتدل با شناخت مالکیت و احترام به آن به نحو محدود در پیدا شدن مالکیت و مصرف است که اگر به حق به آن عمل شود چرخ های اقتصاد سالم به راه می افتد و عدالت اجتماعی که لازمه یک رژیم سالم است تحقق می یابد». (۱)

در جایی دیگر می فرمایند: «اسلام تعدیل می خواهد نه جلو سرمایه را می گیرد و نه می گذارد سرمایه آن طور بشود که یکی صدها میلیارد دلار داشته

۱- همان، ج۲۱، ص ۴۴۵.

باشـد و برای سـگش هم اتومبیل داشـته باشـد و شوفر داشـته باشـد و امثال ذلک. و این یکی برود پیش بچه هایش نان نداشـته باشد. نمی شود؛ این عملی نیست. نه اسلام با این موافق است و نه هیچ انسانی با این موافق است».(۱)

ایشان هدف از بعثت انبیای الهی و انگیزه تشکیل حکومت اسلامی را رسیدن به این اصل(عدالت) می دانند می فرمایند:

«پیغمبر اسـلام صـلی الله علیه و آله تشکیل حکومت داد مثل سایر حکومت های جهان، لکن با انگیزه بسط عدالت اجتماعی. و خلفای اول اسـلامی حکومت های وسـیع داشتند و حکومت علی بن ابی طالب علیه السلام نیز با همان انگیزه به طور وسیع تر و گسترده تر از واضحات تاریخ است».(۲)

«همه زحمت انبیا برای این بود که یک عـدالت اجتماعی درست بکننـد برای بشـر در اجتماع. یک عـدالت باطنی درست کنند برای انسان در انفراد».(۳)

ایشـان علاـوه بر اینکـه علت و انگیزه بعثت انبیـاء را اقـامه عـدالت می داننـد، بـا تأکیـد خاصـی علت ارسـال اسـلام را برقراری حکومتی عدالت گستر عنوان می کنند و می فرمایند:

«اسلام برای اقامه حکومتی عدل گستر آمده است».(۴)

«حکومت اسلامی حکومت عدل است».(۵)

لذا ایشان بر تقویت دولت اسلامی از سوی مردم برای برپایی عدالت سفارش مؤکد کرده و می فرمایند:

«ما باید دولت اسلامی را ــ همه مردم، همه انسان ها دولت اسلامی را ــ

۱- صحیفه نور، ج ۸، ص ۳۶.

۲- صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۰۷.

۳- صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۸۴.

۴- شئون و اختیارات ولی فقیه، ص ۲۰.

۵- صحیفه نور، ج ۳، ص ۲۵۶.

تقویت کننـد تا بتوانـد اقامه عـدل بکند و دولت باید جهات معنوی را هم در نظر بگیرد؛ یعنی چون تابع اسـلام است باید رویه رویه اسـلام باشد. رویه رویه اسلام به همان دو معنا به همان دو راهی که اسلام دارد: حفظ معنویات و تقویت معنویات مردم و اقامه عدل بینشان و نجات دادن مظلومان از دست ظالمان[منتهی شود]».(۱)

ج) جهت گیری اقتصاد اسلامی

ج) جهت گیری اقتصاد اسلامی

جهت گیری اقتصـاد آن هـدف واسـطه ای است که در یـک مکتب انتظـار می رود اقتصـاد آن را برآورده کنـد. این اصـل در صورت تحقق حول اصـل محوری نظام می توانـد به دنبال خود هـدف غایی بشـر را نصـیب او نمایـد. هـدف از تـدوین قوانین اقتصادی در یک نظام انجام فعالیت های اقتصادی، فراهم آوردن شرایط دست یابی افراد به هدف نهایی است.

جهت گیری اقتصـاد در هر نظـامی بـا اصل محوری آن نظام پیوسـتگی کاملی دارد و این هماهنگی موجب اسـتحکام نظام می شود.

آنچه مهم است این است که بایـد این جهت گیری کاملاًـ مشـخص شـود تـا نظـام اقتصـادی بر اسـاس آن تـدوین و اجرا شود. حضـرت امـام خمینی رحمه الله جهت گیری اقتصـاد اسـلام را برقراری عـدالت، رفع سـتم و حفـظ منافع محرومین معرفی کرده است و می فرمایند:

«ما وظیفه داریم پشتیبان مظلومین و دشـمن ظالمین باشـیم. همین وظیفه است که امیرالمومنین علیه السلام در وصیت معروف به دو فرزند بزرگوارش تذکر می دهد و می فرماید: «کونا للظالم خصـما وللمظلوم عونا؛ دشمن ستمگر و یاور و پشتیبان ستمدیده باشید».(۲)

۱- همان، ج ۱۸، ص ۳۳.

۲- ولایت فقیه، ص ۴۲.

«خدای تبارک و تعالی می فرماید که انبیا را ما فرستادیم، بینات به آنها دادیم... میزان برایشان دادیم و فرستادیم « لِیَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ » غایت این است که مردم قیام به قسط بکنند؛ عدالت اجتماعی در بین مردم باشد، ظلم ها از بین برود، ستمگری ها از بین برود و ضعفا به آنها رسیدگی شود، قیام به قسط شود».(۱)

«ارائه طرح ها و اصولاً ـ تبیین جهت گیری اقتصاد اسلام در راستای حفظ منافع محرومین و گسترش مشارکت عمومی آنان و مبارزه اسلام با زراندوزان، بزرگ ترین هدیه و بشارت آزادی انسان از اسارت فقر و تهیدستی به شمار می رود».(۲)

«اسلام برخلاف ادعاهای کاذب مکاتب دیگر که سران آن همیشه گفته اند و عمل نکرده اند و با بردن منابع ایران، ما را در فقر و وابستگی قرار داده اند، به خواست تمام مردم محروم جامعه عمل می پوشاند... اسلام برای نجات مستضعفین آمده است».(۳)

«اسلام نیامده است که ظلم به ضعفا بکند، اسلام آمده است که ضعفا را پرستاری بکند، خدمت به ضعفا بکند».(۴)

«اسلام از اول برای همین امر قیام کرده است که به این مستمندان عالم در مقابل ستمگران خدمت کند و این ستمگران را به جای خود بنشاند».(۵)

«اگر احکام اسلام پیاده شود مستضعفین به حقوق خودشان می رسند. تمام اقشار ملت به حقوق حقه خودشان می رسند، ظلم و جور و ستم ریشه

۱- صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۱۴۶.

۲- همان، ج ۲۰، ص ۱۲۸.

۳- همان، ج ۲، ص ۲۱۲.

۴- همان، ج ۴، ص ۵۹.

۵- همان، ج ۱۷، ص ۲۵۷.

کن می شود... در جمهوری اسلامی عدل اسلامی جریان پیدا می کند، عدالت الهی سایه می افکند بر تمام ملت».(۱)

ایشان ضـمن مشخص کردن این جهت گیری از محققین و کارشناسان اسلامی می خواهند تا در این زمینه برنامه ریزی کرده و به مسئولین نظام سفارش می کنند با اجرای این برنامه ها برای تحقق این هدف تلاش و کوشش کنند:

«این بر عهده علمای اسـلام و محققین و کارشـناسان اسلامی است که برای جای گزین کردن سیستم ناصحیح اقتصاد حاکم بر جهـان اسـلام، طرح هـا و برنامه های سازنـده و دربرگیرنـده منافع محرومین و پا برهنه ها را ارائه دهنـد؛ و جهان مستضـعفین و مسلمین را از تنگنا و فقر معیشت به در آورند».(۲)

«علمای اسـلام موظفند با انحصارطلبی و اسـتفاده های نامشـروع سـتمگران مبارزه کنند و نگذارند عده کثیری گرسنه و محروم باشند و در کنار آنها ستمگران، غارتگر و حرام خوار در ناز و نعمت به سر ببرند.

امیرالمومنین علیه السـلام می فرمایـد: من حکومت را به این علت قبول کردم که خداوند تبارک و تعالی از علمای اسـلام تعهد گرفته و آنها را ملزم کرده که در مقابل پرخوری و غارتگری سـتمگران و گرسنگی و محرومیت ستمدیدگان ساکت ننشینند و بیکار نایستند».(۳)

«آن چیزی که روحانیون هرگز نباید از آن عدول کنند و نباید با تبلیغات

ص:۵۴

۱- همان، ج ۵، ص ۲۷۹.

۲- صحیفه نور، ج۲۰، ص ۱۲۸.

۳- ولایت فقیه، صص۲، ۴ و ۴۲.

دیگران از میدان به در روند، حمایت از محرومین و پابرهنه هاست. چرا که هر کسی از آن عدول کند از عدالت اجتماعی اسلام عدول کرده است، ما باید تحت هر شرایطی خود را عهده دار این مسئولیت بزرگ بدانیم و در تحقق آن اگر کوتاهی بنماییم، خیانت به اسلام و مسلمین کرده ایم».(۱)

«نمایندگان محترم مجلس... با طرح قوانین و لوایح به سمتی حرکت کنند که مشکلات اساسی کشور مرتفع و سیاست های زیربنایی کشور در امور فرهنگی و اقتصادی و سیاسی در راستای کمک به محرومین و رفع استضعاف مدون و به مورد اجرا درآید».(۲)

«خدا نیاورد آن روزی که سیاست ما و سیاست مسئولین کشور ما پشت کردن به دفاع از محرومین و رو آوردن به حمایت از سرمایه دارها گردد. و اغنیا و ثروتمندان از اعتبار و عنایت بیشتری برخوردار بشوند. معاذ الله که این با سیره، با روش انبیا و امیرالمومنین و ائمه معصومین علیهم السلام سازگار نیست».(۳)

«(باید)... مصلحت زجرکشیده ها و جبهه رفته ها و شهید و اسیر و مفقود و مجروح داده ها و در یک کلام مصلحت پابرهنه ها و گودنشین ها و مستضعفین بر مصلحت قاعدین در منازل و مناسک و متمکنین و مرفهین گریزان از جبهه و جهاد و تقوا و نظام اسلامی مقدم باشد و نسل به نسل و سینه به سینه شرافت و اعتبار پیشتازان این نهضت مقدس و جنگ فقر و غنا محفوظ بماند و باید سعی شود تا از راه رسیده ها و دین به دنیافروشان چهره کفرزدایی و فقرستیزی روشن انقلاب ما را خدشه دار نکنند و لکه

۱- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۴۴.

۲- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۱۴.

۳- همان، ص ۱۲۹.

ننگ دفاع از مرفهین بی خبر از خدا را بر دامن مسئولین نچسبانند».(۱)

اهداف اقتصاد اسلامی

اشاره

اهداف اقتصاد اسلامی

در پاسخ به این پرسش که به دنبال حاکمیت پیدا کردن نظام اقتصادی اسلام چه اهدافی محقق می شود و چه نتایجی به دست می آید؟ محققان و صاحب نظران جواب می دهند که هدف های بسیاری تحقق پیدا می کند که بعضی از آنها تربیتی و اخلاقی، و برخی دیگر فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است. با این توضیح که هر چند همه آنها قبول دارند که تمامی این اهداف در عرض هم نیستند ولی با توجه به دیدگاه خاصی که هر یک از آنها دارند در معرفی این اهداف اتفاق نظر ندارند. به عنوان مثال بعضی از آنها نتایج حاصل از حاکمیت نظام اقتصادی اسلام را هفت امر به شرح زیر می دانند:

۱. حاکمیت سیاسی اسلام

۲. تحکیم ارزش های معنوی و اخلاقی

۳. برپایی عدالت اجتماعی

۴. عدم وابستگی اقتصادی

۵. خودکفایی و اقتدار اقتصادی

۶. توسعه و رشد

۷. رفاه عمومی(۲)

بعضی دیگر چون فقط به دست آوردهای اقتصادی نظر داشته اند در اشاره به اهداف به ذکر چهار مورد اکتفا کرده اند:

۱- همان، صص۱۲۳ و ۱۲۴.

۲- مبانی اقتصادی اسلامی، ص ۱۹۳.

۱. عدالت اقتصادی که رفاه عمومی و تعدیل ثروت را از لوازم عدالت اقتصادی دانسته اند.

۲. قدرت اقتصادی

۳. رشد اقتصادی

۴. استقلال(۱)

از بررسی مجموعه رهنمودهای حضرت امام رحمه الله چنین بر می آید که حضرتشان در بیان اهداف به تمامی دست آوردهای نظام اقتصادی اسلام نظر دارند. در عین حال می توان مجموعه اهداف خاص اقتصادی مورد نظر حضرت امام رحمه الله را از یک دید در چهار امر خلاصه کرد:

۱. استقلال و خودکفایی اقتصادی و نفی وابستگی

اشاره

۱. استقلال و خودکفایی اقتصادی و نفی وابستگی

استقلال اقتصادی و دست یابی به خودکفایی و رهایی از وابستگی در اقتصاد یکی از آرمان های بزرگ تمامی جوامع آزاده است. کم و بیش تمامی دولت ها در کنار پیگیری اهدافی چون رشد اقتصادی، ثبات قیمت ها، توزیع عادلانه درآمد، استقلال اقتصادی و خود کفایی و عدم وابستگی را به عنوان هدف مهم در برنامه های کلان خود مورد توجه قرار می دهند. این امر به ویژه پس از جنگ جهانی دوم به عمده ترین دغدغه کشورهای در حال توسعه تبدیل شده است. لذا سیاست هایی چون اتکا به نیروهای داخلی و تقویت حس خودباوری و همینطور حرکت به سمت سیاست توسعه صادرات به عنوان اهرم های رشد اقتصادی توام با دستیابی به خودکفایی و استقلال اقتصادی مورد اهتمام اغلب کشورهاست.

۱- مکتب و نظام اقتصادی، صص ۵۱ _ ۸۳.

تلاش برای دستیابی به حـد معقولی از خودکفایی و برنامه ریزی اصولی برای نیل به اسـتقلال اقتصادی توام با حضور قـدرتمند در عرصه های جهانی از نگاه اقتصاد اسـلامی یک ضـرورت است چرا که بـدون دسترسـی به چنین جایگاهی زمینه و راه نفوذ بیگانگـان در سـرنوشت مسـلمانان فراهـم می گردد که اسـلام چنین وضـعی را رد می کنـد. نفی هر گـونه سـلطه بیگانگـان بر مسـلمانان اصـلی است که در قرآن کریم صـریحا به آن تاکید شده است: «لن یجعل الله للکافرین علی المومنین سبیلا؛ خداوند هرگز برای کافران راه تسلط بر مومنین قرار نداده است.»(۱)

بر طبق مفـاد این قبیـل از آیـات بر مسـلمانان لازم است که در تمام عرصه ها از جمله در عرصه فعالیت های اقتصادی به گونه عمل کننـد تا زمینه و بستر سـیطره یابی بیگانگان بر سـرنوشت آنان فراهم نگردد و یکی از راه های جلوگیری از چنان وضـعی تلاش برای دستیابی به استقلال و خودکفایی است لذا در قرآن کریم به مسلمانان دستور داده شده است تلاش کنند خود را از وابسـتگی ها رها سازنـد: « واعـدوا ما اسـتطعتم من قوه: یعنی برای مقابله با آنان(کفار و مشـرکان) آنچه می توانیـد نیرو آماده کنید.(۲) اگر چه ظـاهر آیه بیـان تلاش برای تـدارک نیروی نظامی است اما از نگاه اغلب مفسـران کلمه«من قوه» هر نیرویی را شامـل می شود که توان اقتصـادی نیز از جمله آنهـاست. در مجموع می توان گفت اسـلام با مطرح ساختن بحث خودکفایی به دنبـال تـامین نیـاز جـامعه اسـلامی در حـد بالایی از رفاه با اتکا به توانمنـدی های داخلی است و در مباحث مربوط به اسـتقلال اقتصادی هم به

۱- ۱- قرآن کریم، سوره مبارکه نساء، آیه ۱۴۱.

۲- قرآن کریم، سوره مبارکه انفال، آیه ۶.

دنبال حضور فعال و قدرتمند در تجارت و سایر فعالیت های اقتصادی در صدد قطع وابستگی و عزت و عظمت و سربلندی جامعه اسلامی است. بنابراین

کشوری که دارای استقلال اقتصادی است می تواند استقلال سیاسی و فرهنگی خود را نیز حفظ کند و برعکس وابستگی اقتصادی منشأ همه وابستگی هاست. به علاوه استقلال شرط لازم قدرت حکومت اسلامی است که بدون آن اقتدار اقتصادی هم میسر نیست.

حضرت امام خمینی رحمه الله به مسئله استقلال اقتصادی و خودکفایی اهمیت فوق العاده ای می دهند و از مردم و مسئولین همیشه خواستار بودند تدبیری بیندیشند که جامعه بتواند به مرحله ای از پیشرفت برسد که نیازهای خود را در حد شایسته ای از رفاه تولید کند و در اداره امور اقتصادی نیازمند به دیگران نباشد. چرا که امام رحمه الله بر این باور بودند که استقلال اقتصادی مقوله ای کلیدی است که حیات ملت بدان وابسته است دستیابی به آن کشور را بیمه خواهد کرد طبیعی است چنین امر خطیری نیازمند فداکاری، ایستادگی و تحمل مشقّات در عرصه های تولید و صنعت است لذا بار به این نکته هم اشاره می فرماید که برخورداری از زندگی شرافتمندانه و حصول استقلال اقتصادی در گرو تحمل مشکلات و ایستادگی ملت در مقابل تنگناهای اقتصادی است. در حقیقت امام رحمه الله تحمل سختی ها و ایستادگی در برابر اموری چون محاصره اقتصادی را بستر مناسبی برای حرکت به سمت استقلال اقتصادی می دانند با این نگاه از محاصره اقتصادی دشمن به عنوان یک هدیه یاد می کنند که ره آورد آن تلاش برای خودکفایی و نجات از وابستگی و استقلال اقتصادی است. این موارد با تعابیر متفاوتی در کلام حضرت امام رحمه الله به چشم می خورد.

(استقلال، حق مردم

ص:

(استقلال، حق مردم

«اسـتقلال یک مملکت، حق اهل مملکت است که طلب اسـتقلال بکنند در مملکت. مردم شریفی اند که قیام کرده اند و خون خودشان را دارند می دهند در مقابل اینکه احکام اسلام را و این ثروت خودشان را، یعنی ثروت ملتشان را نگذارند هدر برود. احکام اسلام را نگذارند از بین برود و زیر پا برود».(۱)

(استقلال در درجه اول اهمیت

(استقلال در درجه اول اهمیت

«بعض مسائـل، مسائـل اصـلی است. مسـائلی است که بنیاد مسائل دیگر است. مسائلی است که بنیاد مسائل دیگر است. مسائلی است که حفظ کیان اسـلام و حفظ اسـتقلال کشور به آنها بسته است و بعد از این که این مسائل اصلی تحقق پیدا کرد، مسائل دیگری است که آن مسائـل بایـد دنبال بشود. ما الان مبتلا هستیم به یک رشـته از مسائل اصـلی که اسـلام به آن بسـته است و اسـتقلال کشور. باید همه ما تمام همتمان را و تمام قدرتمان را صرف در این مسائل اصلی بکنیم و بعد از آن که ایران مستقلی و اسلام پیاده شده ای داشتیم، دنبال مسائل فرعی برویم و ان شاءالله آن مسائل را هم متحقق کنیم».(۲)

(تلاش برای استقلال تکلیف شرعی

(تلاش برای استقلال تکلیف شرعی

«به مسـئولان و دست انـدرکاران در هر رده نیز می گویم که شـرعاً بر همه شـما واجب است که همت کنیـد تـا آخرین رگ و ریشه های وابستگی این کشور به بیگانگان را در هر زمینه ای قطع نمایید که ان شاءالله خواهید کرد».(۳)

« شما در حال جنگید، در حال جنگ اقتصادی و این خود یک

ص:۶۰

۱- صحیفه نور، ج ۵، ص ۲۰۱.

۲- همان، ج ۸، ص ۱۶۹.

۳- صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۵۶.

محاربه ای بین اسلام و کفر است ... این تنها موعظه نیست... نجات دادن یک کشور اسلامی از زیر بار ظلم و از زیر بار استعمار است. نجات دادن مملکت اسلامی یک تکلیفی است که انسان موظف است انجام بدهد... امروز ملت شما در حال جنگ اقتصادی است... در اینجا دیگر اختیار با مردم نیست، اختیاری است که در دست خداست و او امر کرده است که ما نباید تحت نظارت یک کشور و یا تحت بیرق کفر باشیم. این یکی از مسائل مهم اسلام است و باید کوشش کنیم و اقتصاد خود را اداره نماییم. باید قیام کنیم و غافل نباشیم. باید همه قشرهای ملت، هرکس هر جوری که می تواند تولید بکند».(۱)

(پی آمدهای وابستگی اقتصادی

(پی آمدهای وابستگی اقتصادی

«وابستگی اقتصادی مسئله است که وابستگی های بسیاری را به دنبال می آورد. اگر مملکت شما در اقتصاد نجات پیدا نکند و وابستگی اقتصادی داشته باشد همه جور وابستگی به دنبالش می آید و وابستگی سیاسی هم پیدا می کنیم. وابستگی نظامی هم پیدا می کنیم. برای اینکه وقتی ما چیزی نداشتیم دستمان به طرف امریکا دراز می شود و امریکا همه چیز را به ما تحمیل می کند، ما وقتی می توانیم زیر بار او نرویم که قدرتمند باشیم».(۲)

«کسانی که متکفل کشت و زرع هستند، روی موازین کشت و زرع بکنند، مسامحه نکنند در این مطلب تا بلکه ان شاءالله در ظرف یکی دو سال، دو سه سال دیگر ما خودمان لااقل خودکفا بشویم و بتوانیم خودمان سرپا

۱- صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۱۱۷.

۲- صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۴۲۶.

بایستیم.

اگر ما مسامحه بکنیم و وابسته به خارج باشیم، این وابستگی اقتصادی به خارج قهرا وابستگی سیاسی می آورد، قهرا وابستگی اجتماعی می آورد و ما همان اسیرها خواهیم بود که بودیم و به ما همان ها حکومت خواهند کرد که کردند. ما باید از این جهت اقتصادی فارغ بشویم. یعنی دستمان پیش دیگران دراز نباشد».(۱)

«من این را باز هم گفتم به بعضی از گروه ها که انسان خجالت می کشد که یک کشوری که باید صادر کند و صادرکننده باشد، دستش را پیش امریکا؛ این دشمن ملت و دشمن بشریت دراز کند و از او کمک بخواهد... می دانید که اگر چنانچه ما احتیاج داشته باشیم در ارزاقمان به خارج، این وابستگی برای ما اسباب این می شود که در امور سیاسی هم وابسته باشیم. و ما باید وابستگیمان را از اجانب و از شرق و غرب قطع کنیم. اگر ما بخواهیم که مملکتمان یک مملکت مستقل آزاد مال خودمان باشد، باید در این اموری که مربوط به اقتصاد است، مربوط به فرهنگ است، مربوط به امور دیگر کشور است، خودمان فعالیت کنیم و ننشینیم دیگران انجام بدهند».(۲)

«شما می دانید که اگر یک مملکتی در اقتصاد، خصوصاً این رشته اقتصاد که نان مردم است، در این احتیاج به خارج پیدا بکند و یک احتیاج مبرمی که نتواند خودش را اداره کند خودش را و باید او را اداره کنند، این وابستگی اقتصادی آن هم در این رشته موجب این می شود که ملت ایران، مملکت ایران تسلیم بشود به دیگران».(۳)

۱- صحیفه نور، ج۱۰، صص ۴۰ و ۴۱.

۲- همان، صص ۶۳ و ۶۴.

۳- همان، ج ۱۱، ص ۱۰۰.

«امروز می دانید که ما را دارند تهدید می کنند به حصر اقتصادی، ما باید فکر بکنیم برای این کار، فکر این است که کشور مشغول کشاورزی بشوند...ما محتاج نشویم به خارج، اگر محتاج شدیم به خارج، همه مسائل بر می گردد به شکم، گرسنه ایمان ندارد. اگر خدای نخواسته اینها چنین کردند، ما احتیاج پیدا کردیم که گندم بدهد، این احتیاج اسباب این می شود که ما وابستگی سیاسی هم پیدا کنیم، وابستگی فرهنگی هم پیدا کنیم، وابستگی نظامی هم پیدا کنیم و همه چیزمان از دست برود».(۱)

(وابستگی به خارج ریشه تمام گرفتاری ها

(وابستگی به خارج ریشه تمام گرفتاری ها

«می دانید که تمام گرفتاری ما و عدم پیشرفت کشورهای اسلامی برای همین وابستگی های به خارج بوده است. هر جا و در هر عنوانی که ملاحظه می کنید، آنها دست داشتند و به واسطه مامورین بد، مجلس بد، سران بد _ همه اینها به واسطه این که آنها مخالف بودند با ملت های ما و موافق بودند با وابستگی _ همه اینها وابسته به خارج شدند».(۲)

(ضرورت خودکفایی و استقلال

(ضرورت خودکفایی و استقلال

«ما باید مستقل باشیم، ما وابسته نباشیم. ما باید متکی به خودمان باشیم. ما باید به صورتی زندگی کنیم که خودمان بتوانیم خودمان را اداره کنیم، خودکفا باشیم».(۳)

«ما امروز اگر بخواهیم با این قدرت بزرگ مواجه باشیم و در این میدان شکست نخوریم احتیاج به چند امر داریم، یکی اینکه ما اقتصاد خودمان را

۱- همان، ص ۹۰.

۲- همان، ج ۱۹، ص ۷۵.

۳- مقالات اولین کنگره بررسی اندیشه های اقتصادی حضرت امام خمینی=، ص ۳.

طوری کنیم که خودکفا باشیم».(۱)

«ایران ان شاءالله مستقل بشود و استقلال وقتی است که شما دیگر احتیاج به این که دستتان را دراز بکنید به خارج چیزی بگیرید نداشته باشید. مادامی که ما محتاجیم از دیگران چیز بگیریم، مستقل نیستیم. مادامی که ما زراعتمان به اندازه ای نشود که دستمان پیش دیگران دراز نباشد، وابسته هستیم. تا ما نتوانیم ضعف خودمان را برسانیم به آنجایی که دیگر محتاج به دیگران نباشیم وابسته ایم. باید همه کوشش کنیم».(۲)

«درد مملکت ما این است که استقلال ندارد، نه استقلال فرهنگ دارد، نه استقلال ارتش دارد، نه استقلال اقتصاد دارد، اقتصادش وابسته است...».(۳)

«... همه چیزمان باید مستقل شود، استقلال با وابستگی جمع نمی شود و ما فرهنگمان وابسته بشود استقلال نداریم. اقتصادمان وابسته بشود، استقلال نداریم. اول باید آن مطلب را درستش کرد، استقلال فرهنگی، استقلال اقتصادی اول باید او را درستش کرد تا ما بتوانیم اسم خودمان را یک مملکت بگذاریم، یک مملکت مستقل بگذاریم».(۴)

(صبر و استقامت بر ای استقلال اقتصادی

(صبر و استقامت بر ای استقلال اقتصادی

«مردم وفادار و انقلابی کشورمان برای بدست آوردن استقلال واقعی و رسیدن به خودکفایی، خیلی بیش از اینها آماده صبر و فداکاری هستند و من مطمئنم که ملت عزیز ایران یک لحظه استقلال و عزت خود را با هزار سال زندگی در ناز و نعمت؛ ولی وابسته به اجانب و بیگانگان معاوضه

۱- صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۱۰۰.

۲- مقالات اولین کنگره بررسی اندیشه های اقتصادی حضرت امام خمینی رحمه الله ، ص ۱۷۸.

۳- صحیفه نور، ج ۳، ص ۲۱۵.

۴- همان، ج ۱۰، صص ۱۰۸ و ۱۰۹.

نمی کند».(۱)

(ارزش و اهمیت استقلال اقتصادی

(ارزش و اهمیت استقلال اقتصادی

«من اعتقادم این است که اگر انسان با هر زحمت و مرارتی زندگی کند و زندگی اش مال خودش باشد، مستقل باشد خودش در زندگی و نان و جو خودش را بخورد، آن ارزشش صدها مقابل این است که در آپارتمان های عظیم بنشیند و دستش پیش دیگران دراز باشد و برای دیگران سلام بدهد».(۲)

(آزادی حقیقی در گرو استقلال اقتصادی

(آزادی حقیقی در گرو استقلال اقتصادی

«اگر شما بخواهید استقلال پیدا کنید و آزادی حقیقی یابید، باید کاری بکنید که در همه چیز خود خودکفا باشید، مستغنی باشید. کشاورز باید کاری بکند که دیگر ما احتیاج گندمی به خارج نداشته باشیم. دانشگاهی باید کاری بکند که ما در طبقات دیگر احتیاج به خارج نداشته باشیم. در مهندسی احتیاج به خارج نداشته باشیم».(۳)

(استقلال مملکت در گرو استقلال اقتصادی

(استقلال مملکت در گرو استقلال اقتصادی

«ما باید زحمت بکشیم تا در همه جناح ها خودکفا باشیم. امکان ندارد که استقلال بدست بیاید، قبل از اینکه استقلال اقتصادی داشته باشیم. اگر ما بنا باشد که در اقتصاد احتیاج داشته باشیم، در چیزهای دیگر هم وابسته خواهیم شد و همین طوراگر در فرهنگ ما وابستگی داشته باشیم، در اساس مسائل وابستگی پیدا می کنیم».(۴)

(استقلال عامل همه جانبه حفظ مملکت

(استقلال عامل همه جانبه حفظ مملکت

۱- همان، ج ۲۱، ص ۵۶.

۲- همان، ج ۱۴، ص ۲۸۵.

۳- همان، ص ۱۰۶.

۴- همان، ج ۱۰، ص ۱۰۵.

«شما حالا باید از اول شروع کنید و قصدتان بر این باشد که خودتان مستقل در همه چیز باشید. در فرهنگ مستقل باشید در صنعت مستقل باشید. در زراعت مستقل باشید، وقتی که بنای بر این معنا گذاشتید و با این عزم وارد میدان شدید می توانید که کشور خودتان را نجات بدهید و کشور خودتان را مستقل کنید و بیمه کنید استقلال کشور خودتان را برای همیشه».(۱)

(نتیجه محاصره اقتصادی، استقلال و خودکفایی

(نتیجه محاصره اقتصادی، استقلال و خودکفایی

«این محاصره اقتصادی را که خیلی از آن می ترسند، من یک هدیه ای می دانم برای کشور خودمان، برای اینکه محاصره اقتصادی معنی اش این است که مایحتاج ما را به ما نمی دهند، وقتی که مایحتاج را به ما ندادند خودمان می رویم دنبالش. ممکن است یک ده سالی زحمت بکشیم، ده سالی گرفتاری داشته باشیم، اما نتیجه آخرش این است که بعد از ده سال خودمان هستیم. دیگر احتیاج به این که دست دراز کنیم طرف این مؤسسه یا آن مؤسسه یا آن کشور و این کشور، محتاج به این نیستیم».(۲)

«وقتی محاصره اقتصادی بشود، افکار همه مردم توجه به این پیدا می کند که ما باید خودکفا باشیم و متخصصین ما مشغول می شوند و افکار خودشان را به راه می اندازند و قدرت خودشان را به راه می اندازند و ایران را مستغنی می کنند از خارج و من به شما اطمینان می دهم که اگر تا یک مدتی ما در این فشارها باشیم، ایران بیشتر ثبات پیدا می کند و مغزهای متفکر مکتبی ایران بیشتر به کار می افتد و ایران را خودکفا می کند».(۳)

«تحریم اقتصادی برای شما یک تحفه آسمانی بود که فکرهای متفکران ما را به راه انداخت و بحمدالله به خودکفایی می روند».(۴)

۱- همان، ج ۱۴، ص ۱۵۳.

۲- همان، ج ۱۴، صص ۷۷ و ۷۸.

۳- همان، ج ۱۶، ص ۷۵.

۴- همان، ج ۱۶، ص ۱۶۶.

«امروز همه، همه چیز را بر روی مـا بسـته انـد و این خود نعمتی برای مـا بوده است. وقتی همه درها بسـته شـد و فکرها باز، می بینید که فعالیت ها آغاز شد و همه جا کانون فعالیت است».(۱)

۲. توسعه و رشد و شکوفایی اقتصادی

اشاره

۲. توسعه و رشد و شکوفایی اقتصادی

وقتی معلوم شد که نظام اقتصادی به دنبال تحقق عدالت اقتصادی و ایجاد رفاه عمومی از یک سو و به دنبال قدرت اقتصادی و اقتدار مالی و همینطور از بین بردن فاصله های اقتصادی جوامع اسلامی با سایر جوامع از سوی دیگر است، این امر خود گویای این واقعیت است که اقتصاد اسـلامی همواره بایـد در حال رشد و شـکوفایی باشد چون دستیابی به آن هدف جز از راه رشد و توسعه مستمر امکان پذیر نیست.

علاوه بر آن از بررسـی رهنمودهای اقتصادی اسـلام چنین به دست می آیـد که در مجموعه آموزه های اسـلامی برای رشـد و توسـعه اقتصـادی بـدون تخریـب، توصـیه هـای ارزشـمند و منحصـر بـه فردی وجـود دارد که در صـورت تبعیت درست از این رهنمودها و احکام دستیابی به توسـعه و رشـد و شـکوفایی اقتصادی پایدار نه تنها عملی است بلکه بر خلاف گمان برخی افراد هیچگونه تعارضی هم با آموزه های اخلاقی و معنوی اسلام ندارد. چرا که تحقق شکوفایی و رشد و توسعه اقتصادی در جامعه اسـلامی در چهـارچوبی انجـام می گیرد که علاـوه بر محقق سـاختن سـایر اهـداف مورد نظر اسـلام زمینه را فراهم می سازد تا انسان بتواند نقش خود را به عنوان جانشین خداوند در روی زمین به وجه احسن انجام دهد چون غایت چنان

۱- همان، ج ۱۶، ص ۱۶۲.

توسعه اقتصادی دستیابی به سطحی از رفاه اقتصادی و اجتماعی است که زمینه سعادت اخروی انسان را هر چه نیکوتر فراهم می سازد. در هر حال وجود برخی از رهنمودها در زمینه به کار انداختن سرمایه ها و تشویق بر توسعه فعالیت های اقتصادی این مدعا را به خوبی مورد تایید قرار می دهد که به عنوان نمونه به چند مورد اشاره می شود. امام صادق علیه السلام به زراره می فرماید: « شخص چیزی سخت تر[بدتر] از مال راکد بعد از خود به جا نمی گذارد.» زراره عرض می کند: شخص با آن مال چه باید بکند؟ حضرت می فرماید: «آن را در راه آبادانی باغ و بستان و خانه به جریان بیندازد.»(۱)

و یا امام کاظم علیه السلام می فرماید: «اعمل لدنیاک کانک تعیش ابدا؛ چنان برای دنیایت کار کن که گویا تا ابد زنده هستی.»(۲)

این قبیل از تشویق ها را می توان دلیل ضرورت توسعه و رشد و شکوفاسازی مستمر اقتصادی جامعه اسلامی دانست. همانگونه که اشاره شد اینگونه از تاکید ها چون در چهارچوب سایر احکام و مقررات اسلامی انجام می گیرد هرگز به وضعیتی از بی عدالتی و مال پرستی و ظلم و اجحاف هایی که در جوامع استکباری در نتیجه رشد اقتصادی آنها پدید آمده است، منجر نخواهد شد لذا می بینیم حضرت امام رحمه الله ضمن تأکید بر توسعه اقتصادی و شکوفایی آن این هشدار را هم می دهند که مبادا رشد و شکوفایی اقتصادی سبب غفلت از معنویات شود چرا که از دید ایشان توسعه و رشد حقیقی فرآیند تکامل جامعه انسانی در ابعاد مادی و معنوی با تقدم ابعاد معنوی بر مادی است به این معنی که غرض از رشد ابعاد مادی، تکامل ابعاد معنوی

ص:۶۸

۱- وسائل الشیعه، ج۱۲، ص ۴۴.

۲- وسائل الشیعه، ج۱۲، ص ۴۹.

جوامع انسانی است. به طور کلی باید گفت حضرت امام رحمه الله ضمن پذیرش رشد و توسعه اقتصادی این نگرانی را هم دارند که مبادا توسعه اقتصادی به افراط در دنیاگرایی و سودمداری تبدیل شود و اهداف متعالی انسان فراموش گردد یا برای نیل به توسعه اقتصادی به بیگانه ها اعتماد گردد یا اینکه توسعه اقتصادی به طبقاتی شدن جامعه بینجامد و به تعبیر دیگر نگران توسعه اقتصادی بدون عدالت اجتماعی بودند.

(توسعه و شکوفایی خواسته امام امت

(توسعه و شکوفایی خواسته امام امت

«...مدت پانزده سال است که من در اعلامیه ها و بیانیه هایم خطاب به مردم ایران مصراً خواستار رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی مملکتم بوده ام».(۱)

«ایران اسلامی از نظر اقتصادی به صورتی رشد نماید که بازارهای جهان را از آن خود کند.(۲)

باید....کشاورزی توسعه بگیرد».(۳)

(اهداف توسعه اقتصادی

(اهداف توسعه اقتصادی

«دوران سازندگی دورانی که باید از ثمرات انقلابمان مردم محروم و ستمدیده ایران بهره مند شوند، دورانی که باید شکوه نظامی اسلامی را لمس کنند، دورانی که همه باید دست به دست هم بدهیم تا ریشه فقر و استضعاف را برکنیم».(۴)

(رشد حقیقی در پرتو خروج از غرب زدگی

(رشد حقیقی در پرتو خروج از غرب زدگی

«ملت ما الان باز هم غرب زده است و تا از زیر بار این درنیایید و تا این

۱- صحیفه نور، ج ۲، ص ۴۳.

۲- همان، ج ۲۱، ص ۴۷.

۳- همان، ج ۱۱، ص ۹۱.

۴- همان، ج ۵، ص ۲۷۴.

وابستگی مغزی و فکری از بین نرود رشد حقیقی پیدا نمی شود و شما نمی توانید مستقل بشوید. شما اگر بخواهید از همه وابستگی ها خارج بشوید، اول این وابستگی مغزی را، قلبی را کنار بگذارید، گمان نکنید که هر چه آنها دارند خوب هست، اگر یکی فرض کنید که یک پیشرفتی داشته باشد در صنعت، این دلیل این نیست که پیشرفت دارد در فرهنگ، گاهی اشتباهات مال همین جاهاست... حال آنکه نیست این طور، فرهنگشان مثل فرهنگ ما نیست، علم حقوقشان مثل ما نیست، علومشان مثل ما نیست، علم فلسفه شان مثل ما نیست، طب هم از شرق اخذ کرده اند... ما اگر بخواهیم از این بیچارگی بیرون برویم، باید این وابستگی مغزی را کنار بگذاریم، باید دانشگاه های ما یک دانشگاه هایی باشد که تا مدت ها زحمت بکشند این جوان ها را از آن حال سابق رژیم شاهنشاهی برگرداند به یک حال سالم رژیم اسلامی».(۱)

(نفی اتکا به خارج عامل توسعه

(نفی اتکا به خارج عامل توسعه

«وقتی که یک ملتی دید که خارج همه چیزش را دارد اداره می کند و دیگر احتیاجی ندارد، این به فکر نمی افتد که خودش احتیاجش را رفع کند.

آن روزی که این ملت فهمید که اگر ما جدیت نکنیم برای کشاورزی مان، جدیت نکنیم، برای صنعت نفتمان، جدیت نکنیم برای کارخانه های خودمان، از بین خواهیم رفت و کسی نیست که به ما بدهد، وقتی این احساس پیدا شد در یک ملتی که من خودم باید هر چیز می خواهم تهیه کنم، دیگران به من نمی دهند، این احساس اگر پیدا شد،

۱- صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۱۸۴.

مغزها به راه می افتد و متخصص پیدا می شود در هر رشته ای و بازوهایی که هر عملی را می توانند انجام بدهند به کار می افتند: کشاورزی را خودشان درست می کنند؛ کارخانه ها را خودشان راه می اندازند».(۱)

(توسعه و رشد نیازمند همت همه ملت

(توسعه و رشد نیازمند همت همه ملت

«اکنون که بحمداللّٰه و المنّه محیط ایران از غبارهای شرارت های اشرار، این مدعیان دروغین طرف داری از ملت و خلق که خود با دست پلید خویش پرده از چهره کثیف خود برداشتند و به دشمنان اسلام که هم قطاران و یا اربابانشان بودند پیوستند، تقریباً آرامش و سکون با عنایت پروردگار برقرار است، ملت بزرگ متعهد اسلامی لازم است با تمام توان به بازسازی نارسایی هایی که لازمه هر انقلاب است، و در انقلاب ایران که متکی به قدرت لایزال حق تعالی و همت والای اقشار معظم ملت است، از سایر انقلاب های بزرگ ضایعاتش کمتر و دستاوردهایش بیشتر است، قیام نماییم، و بدون وقفه از فرصت استفاده نموده و کشور را به سوی بیشتر اسلامی شدن در تمام ابعاد آن، در تمام ارگان های نظام جمهوری اسلامی از قوای سه گانه که اساس نظام است تا حوزه های علمیه و دانشگاه ها که اساس فرهنگ است و از قوای نظامی و انتظامی و قوای مسلحه دیگر که اساس امنیت هستند تا قشرهای بازاری و کشاورز و کارگر که هر یک رکنی مهم از ارکان اقتصاد کشورند، همت گماریم. و معلوم است که در این امر بزرگ با ابعاد وسیعش که سرنوشت ملت اسلام بستگی به آن دارد، تا تمام ملت همت نکنند و قیام فعالانه نداشته باشند، مقصد اعلای اسلامی تحقق نخواهد پذیرفت. و تنها با اتحاد کلمه و همت همگان که

۱- همان، ج ۱۴، ص ۱۵۱.

دست توانای حق تعالی با آن است ان شاءاللّه تعالی کار به نتیجه خواهد رسید».(۱)

۳. عدالت اجتماعی

اشاره

۳. عدالت اجتماعی

عـدالت از دیـد معـارف الهی از اهمیت بسـیار زیـادی برخوردار است و در بعضـی از آیـات قرآن کریم از آن به عنوان فلسـفه رسالت پیامبران الهی یاد شـده است. در آیه ۲۵ سوره حدیـد می فرماید: « همانا پیامبران را با دلایل روشن فرسـتادیم و به آنان کتاب و میزان دادیم تا مردمان بر اساس عـدالت زنـدگی کننـد.» گذشـته از آن قرآن همیشه انسان را به رعایت عدالت فرا می خوانـد و حتی این هشـدار را به آنها می دهـد که مبادا دشـمنی با گروهی آنان را از صـراط عـدالت خارج سازد. آنجا که می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید همواره برای خدا قیام کنید و از روی عدالت گواهی دهید. دشـمنی با جمعیتی شـما را به گناه و ترک عدالت وادار نسازد. عدالت کنید، زیرا آن به پرهیزگاری نزدیک تر است...»(۲)

بر این اسـاس یکی از دغـدغه هـای فکری امام رحمه الله تحقق عـدالت بوده است. البته مفهوم عـدالت از دیـدگاه ایشان بسـیار گسترده است به گونه ای که تمـام جنبه هـای فردی و اجتمـاعی را دربر می گیرد. در مجموع بـا بررسـی سـخنان حضـرت امام رحمه الله در زمینه عدالت می توان دریافت که عدالت در رهنمودهای ایشان از چندین جنبه مطرح بوده است در برخی از آنها عدالت به عنوان فعل ربوبی مطرح است که اصل همراه بودن ویژگی عدالت برای همه افعال الهی مورد تاکید این قبیل از گفته هاست. در بخشی دیگر عدالت به عنوان ملکه اخلاق فردی مورد توجه است و در قسمتی دیگر عدالت

ص:۷۲

۱- همان، ج ۱۷، ص ۲۰۱.

۲- ۱- قرآن کریم، سوره مبارکه مائده، آیه ۸.

اجتماعی که مهمترین جنبه عدالت در مفهوم اجتماعی آن است مورد توجه بوده است. از دقت در مضمون این بخش از رهنمودهای حضرت امام رحمه الله می توان چنین نتیجه گرفت که از نظر حضرت امام رحمه الله عدالت اجتماعی از اصلی ترین اهداف نظام اقتصادی اسلام است و حتی در مقایسه با سایر اهداف عدالت اجتماعی مقدم بر توسعه اقتصادی است اما در جنبه فردی عدالت باطنی انفرادی برای تک تک انسان ها مقدم بر اهداف اجتماعی و به تبع آن مقدم بر اهداف اقتصادی نیز هست. چون هدف از حیات انسان خداگونه شدن است که اهدافی چون عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی و ... ابزارهایی هستند برای تحقق چنان هدفی که یکی از جنبه های خداگونه شدن تحقق صفت عدالت در درون انسان هاست که این امر هم به لحاظ تقدم وجودی و هم تقدم رتبی مقدم بر سایر جنبه های عدالت است. نتیجه آن که همان گونه که اشاره شد یکی از موضوعات مهمی که در بسیاری از رهنمودهای حضرت امام رحمه الله به چشم می خورد مسئله عدالت اجتماعی است. حضرت امام رحمه الله برقراری عدالت اجتماعی را نه تنها هدف اسلام بلکه هدف همه انبیا الهی از صدر خلقت تا پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می دانند و آن را از اهداف اساسی مکتب رهایی بخش اسلام محسوب می نمایند. از دید بنیان گذار جمهوری اسلامی مادام که عدالت اجتماعی برقرار نشده و ظلم و چپاول در جامعه انسانی وجود دارد، شناخت و عبادت خداوند نمی تواند آن چنان که شاید و باید انجام گیرد. بر این اساس است که ایشان تحقق عدالت اجتماعی را یکی از اهداف حکومت اسلامی می دانند و تأکیدشان بر این است که حکومت اسلامی جمیع ابعاد عدالت اجتماعی را در جامعه مستقر نماید.

(معنای واقعی عدالت

ص:۷۳

(معنای واقعی عدالت

«عدالت به معنای واقعی این است که در ارتباط با دول و معاشرت با مردم و معاملات با مردم و دادرسی و قضا و تقسیم درآمد عمومی مانند حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام رفتار کنیم.(۱)

ما که می گوییم حکومت اسلامی، می گوییم حکومت عدالت، ما می گوییم یک حاکمی باید باشد که به بیت المال مسلمین خیانت نکند، دستش را دراز نکند بیت المال مسلمین را بردارد، ما این مطلب را می گوییم. این یک مطلب مطبوعی است که در هر جامعه بشری گفته بشود، برای هرکس گفته بشود از ما می پذیرد».(۲)

(برپایی عدالت هدف اسلام

(برپایی عدالت هدف اسلام

«افزایش ثروت ملی و تلاش و کوشش برای ازدیاد تولید و تمام برنامه ریزی های اقتصادی برای این است که در جامعه عدالت و قسط پیاده شود و مردم از تبعات و سیئات نابرابری ها و تبعیض های کمرشکن و خانمان سوز رهایی پیدا کنند. بنابراین مادامی که از عدالت اجتماعی اثری دیده نشده است و مردم از نابرابری ها توزیع و تولید رنج می برند و جامعه به صورت قطب بندی شده اداره می شود، اقتصاد اسلامی لباس عمل نپوشیده است. اگر چه این ادعا برای پیاده شدنش زمان بسیار طولانی را لازم داشته، و مراحل متعددی را در ابعاد مختلف باید پشت سر بگذارد تا چهره نورانی خودش را به صورت جامعه برتر و الگو نشان دهد وبه اهداف بزرگ و بلند رسولان خداوند که اقامه عدل و قسط است لباس عمل بپوشاند».(۳)

۱- ولایت فقیه، صص ۷۳ و ۷۴.
۲- صحیفه نور، ج ۲، ص ۱۳۰.
۳- همان، ج ۲۰، ص ۱۴۰.

«اسلام مکتب تحرک است و قرآن کریم کتاب تحرک، تحرک از طبیعت به غیب، تحرک از مادیت به معنویت، تحرک در راه عدالت، تحرک در برقراری حکومت عدل.(۱)

کوشش هایی که انبیا می کردند و جنگ هایی که با مخالفین راه حق می کردند و خصوصاً جنگ هایی که در صدر اسلام واقع شد، مقصد جنگ نبوده است و مقصد کشورگشایی هم نبود، مقصد این بوده است که یک نظامی عادلانه که در آن نظام عادلانه احکام خدا جاری بشود».(۲)

«باید ما فکر این باشیم که اسلام جریان پیدا کند، اگر اسلام در این مملکت ، احکام اسلام در این مملکت پیاده بشود همه جهات مادی و معنوی تأمین خواهد شد. اسلام برنامه اش است که ما بین فقیر و غنی و کرد و ترک و لر و اینها فرق نگذارد، همه برادر و همه برابر و برای همه است... امیدوارم که موفق بشویم به اینکه این جمهوی اسلامی را آن طوری که اسلام می خواهد ما پیاده کنیم و اگر چنانچه آن طور بشود، مطمئن باشید که برای همه قشرها رفاه هست هم در اینجا و هم در آن طرف».(۳)

«مقصود انبیا از کوشش ها و جنگ هایی که با مخالفین می کردند کشورگشایی و اینکه قدرت را از خصم بگیرند و در دست خودشان باشد نبوده، بلکه مقصد این بوده که یک نظام عادلانه به وجود آورند تا به وسیله آن احکام خدا را اجرا نمایند».(۴)

(برقراری حکومت عدل، آرزوی امام رحمه الله

(برقراری حکومت عدل، آرزوی امام رحمه الله

«مقصد این است که یک حکومت عدل(ایجاد شود) یک حکومت که

ص:۷۵

۱- همان، ج ۷، ص ۲۰۴.
۲- همان، ج ۸، ص ۸۱.
۳- همان، ج ۹، ص ۷۹.
۴- همان، ج ۸، ص ۸۱.

وابسته به هیچ جناحی نباشد، یک کشوری که هیچ یک از جناح ها نتواند در آن دخالت بکنند، یک کشور اسلامی که مبنی بر احکام اسلام باشد که احکام اسلام همه اش عدالت است، یک همچو آرزویی هست.(۱)

ما آرزوی یک همچو حکومتی داریم(حکومت امیرالمؤمنین) یک حکومت عادل که نسبت به افراد رعیت علاقه مند باشد. عقده اش این باشد که باید من نان خشک بخورم که مبادا یک نفر در مملکت من زندگی اش پست باشد، گرسنگی بخورد. ما می خواهیم یک همچو حکومت عدلی ایجاد کنیم».(۲)

«ما یک حکومت عدل می خواهیم. حکومت عدل اسلامی می خواهیم. این هم آرزوی هرآدمی است که یک حاکمی باشد برای آن حکومت بکند که عامل شود بعد از چند وقتی جیب هایش را پر نکند و از این مرز برود».(۳)

(عدالت مقدمه رسیدن به اهداف عالیه

(عدالت مقدمه رسیدن به اهداف عالیه

«سرلوحه هدفتان اسلام و احکام عدالت پرور آن باشد و ناچار بدون حکومت اسلامی عدالت خواه، رسیدن به این هدف محال است».(۴)

«وقتی که مفاد آیات شریفه را می خوانیم یا سیره انبیا را ملاحظه می کنیم، می بینیم که آنها تمامشان یکی از کارهایی که البته مقصد نبوده لکن مقدمه بوده، این بوده است که عدالت را در دنیا ایجاد کنند. پیغمبر می خواهد عدالت ایجاد کند تا بتواند آن مسائلی که دارد، آن مسائل ، انسان می خواهد درست کند، آن مسایل را طرح کند».(۵)

(سختی های اقامه عدالت

۱- صحیفه امام، ج ۸، ص ۳۴۲.

۲- صحیفه نور، ج ۵، ص ۲۹.

۳- همان، ج ۵، ص۴۹.

۴- همان، ج ۲، ص ۱۷.

۵- همان، ج ۲۰، ص ۱۵۷.

(سختی های اقامه عدالت

«این چیزی است که از صدر عالم تا آخر هست. هر کس قیام کرد برای اقامه عدل، سیلی خورد. ابراهیم خلیل الله، چون قیام کرد برای عدالت، سیلی خورد و او را به آتش انداختند. از صدر عالم تا حالا ـ تاوان این چیزهایی که برای عدالت، برای حکومت عدل بوده است، این تاوان را پرداخته اند و باید هم بپردازند».(۱)

«این مسئله، مسئله ای بوده است که در تمام ایام، در تمام دنیا از صدر عالم تا حالا بوده و تا آخر هم خواهد بود که هر کس قیام کرد برای اینکه عدالت ایجاد کند، حکومت عدل ایجاد کند، سیلی خورده، پس ما گله ای نداریم که چون قیام کردیم برای اقامه عدل، برای حکومت عدل، برای حکومت اسلامی، سیلی بخوریم. ما باید زیادتر سیلی بخوریم. آن وقت یک نحو بود، حالا نحو دیگری بوده. اما در اینکه تاوان را باید پس بدهیم مثل هم است...».(۲)

(تعدیل ثروت لازمه عدالت اجتماعی

(تعدیل ثروت لازمه عدالت اجتماعی

«درست همین مالکانند که در طول سال ها، درآمدهایی را بر هم انباشته بودند بی آنکه مقررات اسلام را در خصوص توزیع آنها اجرا نمایند. و بدین ترتیب ثروتی را که حق جامعه بوده و باید به جامعه برسد در نزد خود نگه داشته و بر خلاف قوانین اسلامی ثروتمند شده اند. بنابراین ما اگر به قدرت برسیم ثروت هایی را که این مالکان به ناحق متصرف شده اند ضبط خواهیم کرد و بر اساس حق و انصاف میان محتاجان مجدداً توزیع خواهیم نمود».(۳)

۱- همان، ج ۲۰، ص ۱۴۰.
۲- همان، ج ۲۰، ص ۱۴۱.
۳- شئون واختیارات ولی فقیه، ص ۲۰.

«کوشش برای این است که ثروت های عمومی و درآمد جنگی طبق قانون عادلانه اسلام توزیع شود».(۱)

«اسلام تعدیل می خواهد نه جلو سرمایه را می گیرد و نه می گذارد سرمایه آن طور بشود که یکی صدها میلیارد دلار داشته باشد و برای سگش هم اتومبیل داشته باشد و شوفر داشته باشد و امثال ذلک. و این یکی برود پیش بچه هایش نان نداشته باشد. نمی شود؛ این عملی نیست. نه اسلام با این موافق است و نه هیچ انسانی با این موافق است».(۲)

(عدالت و حذف شکاف طبقاتی

(عدالت و حذف شکاف طبقاتی

«این معنا امروز دیگر عملی نیست که یک دسته ای آن بالاها باشند و همه آن چیزهایی را که بخواهند به طور اعلا تحقق پیدا بکند، پارک ها و اتومبیل ها و بساط، یک دسته هم این زاغه نشین ها باشند که اطراف تهرانند و می بینید آنها را، این نمی شود. این نه منطق اسلامی دارد، نه منطق انصافی دارد، نه صحیح است.... باید یه فکری خودتان بکنید که این تفاوت طبقاتی به این طور نباشد، یک تعدیلی بشود».(۳)

«اگر تربیت و تعلیم آن طوری که انبیا و تحت تربیت انبیاست تحقق پیدا بکند، انسان هم اینجایش صحیح می شود و روی یک نظمی تحقق پیدا می کند و این آکل و ماکول و این تعدیات و این تجاوزها و این اختلاف های طبقاتی پیدا نمی شود».(۴)

«من پیشتر به این کارخانه دارها و این متمکنین که گاهی می آمدند اینجا

۱- ولایت فقیه، ص ۱۴۹.
۲- صحیفه نور، ج ۸، ص ۳۶.
۳- همان، ج ۸، ص ۳۷.
۴- همان، ج ۸، ص ۶۴.

و بعضـی شان هم می خواسـتند من را اغفال بکنند، به آنها گفتم آقا این نمی شود که همان مسائل زمان طاغوت حالا هم اجرا بشود. یک دسـته آن بالاها بنشـینند و مرفه و هرچه بخواهند هرزگی کنند و یک دسـته هم این زاغه نشین های تهرانی که همه تـان می بینیـد و در شـهرهای خودتـان هـم هست امثـالش. ایـن نمی شـود، ایـن عملی نیسـت.... بنشـینند و برای این ملت فکر بکنند».(۱)

(حذف شکاف طبقاتی هدف اسلام

(حذف شکاف طبقاتی هدف اسلام

«شـما مطمئن باشـید که اسلام برای مستضعفین است. من اشخاصی که سرمایه دارها بودند، اشخاصی که کارخانه دارها بودند، مکرر اینجـا، جمعیتشـان گاهی آمدنـد اینجا، من با آنها صـحبت کردم گفتم به اینکه نمی شود این طور که یک دسـته ای آن طور زندگی بکنند و آن طور حتی برای سگ هایشان اتومبیل داشـته باشند و یک دسته دیگر توی این زاغه ها باشند که هر ده نفرشان یک سوراخی ، اصـلاً قابل تحمل نیست. و من اعلام خطر کردم به آنها گفتم اگر خدای نخواسـته یک وقت مردم، در متن اسـلام انفجار پیدا شود، یک وقت این است که در زمان طاغوت یک چیزی واقع می شد، خوب می گفتند طاغوت است و ماها هم به آنها می گفتیم که ان شاءالله اسـلام اگر تحقق پیدا کند، کارها ان شاءالله درست می شود و حالا هم همان معنا را می گوییم. یک وقت این است که در اسـلام خدای نخواسـته یک یاسی پیدا بشود برای خاطر اینکه ما هم نتوانیم این اشخاص فاسـد را بکشـیم یک مقداری پایین و این مستضـعفین را یک قدری بالا و به هم نزدیکشان بکنیم....خودمان آنهایی که دارای کذا و کذا هستند به حساب می کشیم و

ص:۷۹

۱- همان، ج۱۰، صص ۴۱ و ۴۲.

حساب هایشان را رسیدگی می کنیم و اسلام این طور نیست که همچو اجازه بدهد که این دسته آن طور، آن دسته آن طور، این ابداً اسلام همچو اجازه ای را نداده، اینها باید حساب هایشان کشیده شود».(۱)

«نباید حالا مثل آن وقت باشد، یک دسته آن بالاها بنشینند و تفریح بکنند و پایشان را روی هم بیندازند و لم بدهند و مبل های گران قیمت و بخندند به این جمعیت های زحمت کش و با قلم خودشان بر خلاف مسیر اینها و بر وفق خواست های ابرقدرت ها قلم فرسایی کنند».(۲)

(رفاه و آسایش نتیجه عدالت

(رفاه و آسایش نتیجه عدالت

«عدل اسلامی را مستقر کنید. با عدل اسلامی همه و همه در آزادی و استقلال و رفاه خواهند بود».(۳)

«از حکومت اسلامی شما را نترسانند، حکومت عدالت است، حکومتی است که زندگی شما را زندگی مرفه ان شاءالله قرار می دهد، برای مردم نفع دارد، برای مردم همه اش منفعت است و امید است که ان شاءالله به زودی این عمل انجام بگیرد».(۴)

«اسلام آن قدر به رفاه مردم، آسایش مردم و این طور چیزها توجه دارد و هیچ در این جهت فرقی ما بین قشری با قشر دیگر نمی گذارد».(۵)

«برای همه ان شاءالله رفاه خواهد شد و این اختلاف طبقاتی ننگین به آن

۱- همان، ج ۱۰، صص ۴۹ و ۵۰.

۲- همان، صص ۱۶۶ و ۱۶۷.

۳- همان، ج ۶، ص ۷۷.

۴- همان، ج ۲، ص ۲۳۵.

۵- همان، ج ۶، ص ۱۶۴.

صورت نخواهد ماند.(۱)

ما می خواهیم مخازن مملکت ما از خودش باشد، ما می خواهیم در این مملکت خودمان کار بکنیم و خودمان نتیجه کار را ببریم، ما می خواهیم یک حکومت عدل اسلامی، یک حکومت شبیه حکومت های صدر اسلام پیدا بشود و ما می خواهیم که ملت ما در رفاه و آسایش باشد».(۲)

۴. اقتدار اقتصادی

اشاره

۴. اقتدار اقتصادی

اهداف یک نظام به صورت های گوناگون قابل تقسیم است از یک نگاه اهداف هر نظام به سه بخش اهداف غایی، اهداف متوسط و کلی، اهداف عملیاتی و جزئی قابل تقسیم است و از نگاهی دیگر مخصوصا با توجه به اصول و مبانی نظام اقتصاد اسلامی می توان مجموعه اهداف اقتصادی را به دو بخش: عدالت اقتصادی (نسبت به درون جامعه اسلامی) و قدرت اقتصادی (نسبت به بیرون جامعه اسلامی) تقسیم کرد که اولین هدف مربوط به وضعیت اقتصادی درون جامعه اسلامی است و دومین هدف عنصری بیرونی است که قدرت اقتصادی حکومت اسلامی در برابر سایر حکومت را مد نظر دارد و تحت عنوان اقتدار اقتصادی از آن یاد می شود. حکومت اسلامی موظف است برای در امان ماندن از دخالت و نفوذ و سلطه دشمنان از چنان قدرتی برخوردار باشد که همواره دشمنان از هرگونه دخالت در امور حکومت اسلامی خودداری کنند و به خود جرأت ندهند که طمع در منافع آنها کنند. برای تحقق چنین هدفی راهکارهایی هم در آیات قرآن و روایات اهل بیت علیه السلام ارائه شده است که از جمله آنهاست: فراهم کردن

۱- همان، ج ۶، ص ۲۰.

۲- همان، ج ۱۱، ص ۲۱۳.

نیرو و امکانات لازم و ترک دوستی های خطرآفرین و برحذر داشتن از اعتماد به آنان و... بر این اساس یکی از وظایف حکومت اسلامی آن است که ضمن فراهم کردن زمینه پیشرفت های اقتصادی از چنان قدرت و اقتداری برخوردار شود که مجبور نشوند برای رفع احتیاجات اقتصادی خودشان دست به سوی آنها دراز کنند و مجبور شوند در مقابل آنها از خود نرمش نشان دهند و یا به جهت وابستگی اقتصادی با دست خود زمینه دخالت آنها را در مقدرات خودشان فراهم سازند این کار تحقق نمی یابد مگر اینکه جامعه اسلامی علاوه بر دستیابی به استقلال اقتصادی و خودکفایی از نظر قدرت اقتصادی از چنان اقتداری برخوردار باشند که در روابط تجاری خود با آن کشور ها نه تنها مجبور به چشم پوشی از اصول خود نشوند بلکه بتوانند دیدگاه های عادلانه و حق خود را به کرسی بنشانند. بنابر آن چه گفته شد. یکی دیگر از اهداف اقتصادی کسب اقتدار اقتصادی است. هرچند بعضی از صاحب نظران معتقدند استقلال مستلزم اقتدار هم هست یعنی اگر کشوری فاقد اقتدار اقتصادی باشد آن را فاقد استقلال به حساب می آورند اما حقیقت این است که اقتدار از لوازم استقلال نیست چه بسا ممکن است کشوری از نظر اقتصادی مستقل باشد و نیازهای جامعه خود را برآورده بسازد ولی در روابط اقتصادی تجاری خود با سایر کشورها نتواند حرف اول را بزند، در این صورت آن کشور را مستقل می گویند ولی مقتدر نمی دانند. چون از قدرت چانه زنی و تأثیرگذاری لازم برخوردار نیست و نمی تواند شرایط خود را به طرف مقابل در روابط تجاری بقبولاند. بر این اساس یکی دیگر از اهداف نظام اقتصادی تحقق اقتدار اقتصادی است و این مسئله مهم مورد توجه حضرت امام رحمه الله واقع شده است و برای مردم و

دولت مردان در این زمینه توصیه هایی دارند.

(اسلام، منادی استقلال و اقتدار

(اسلام، منادی استقلال و اقتدار

«اسلام از خدا می خواهد که شما بر همه مقدرات عالم حکومت کنید. اسلام آن بود که شمشیر را کشید و تقریباً نصف دنیا یا بیشتر را گرفت؛ با شمشیر گرفت؛ این اسلام مرتجع است؟ اسلام آن بود که این ممالکی که شما حالا تحت اسارت او هستید، تحت اسارت آورد. آنها که به احکام اسلام عمل می کردند، فی الجمله البته، حکومت های اسلامی تا حالاـ الّا یکی دو تایشان، به احکام اسلام عمل نکرده اند که مع ذلک همین که خودشان را زیر بیرق اسلام می دانستند، همین که خودشان را وابسته به اسلام می دانستند، همین که به حَسَب ظاهر به احکام اسلام عمل می کردند، همچو قدرتی پیدا کردند که یک بیست و چند هزار جمعیت عرب، این مملکت به این وسیعی را همچو پایمال کرد، و رفت تا آن آخر برای اینکه متمدنش کند، آدمش کند».(۱)

(نوید اقتدار اسلام

(نوید اقتدار اسلام

«من با اطمینان می گویم اسلام ابرقدرت ها را به خاک مذلت می نشاند اسلام موانع بزرگ داخل و خارج محدوده خود را یکی پس از دیگری برطرف و سنگرهای کلیدی جهان را فتح خواهد کرد».(۲)

(منشأ اقتدار و قدرت

(منشأ اقتدار و قدرت

«حال ای عزیز، فکری کن و چاره ای برای خود پیدا کن و بدان که شهرت پیش این مردم ناچیز چیزی نیست، و قلوب این مردم، اگر گنجشکی بخورد

۱- صحیفه امام، ج ۱، ص ۲۹۴.

۲- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۱۸.

سیر نمی شود، قـدرت و قابلیتی نـدارد. و این مخلوق ضـعیف را قـدرتی نیست. قـدرت فقط در دسـتگاه قدس ربوبیت پیدا می شود و فاعل علی الاطلاق و مسبب الاسـباب. آن ذات مقـدس است. تمام مخلوقات اگر پشت به پشت هم دهنـد که یک پشـه خلق کننـد، نتواننـد، و اگر پشه ای از آنها چیزی بربایـد، نتوانند پس بگیرند. قدرت پیش حق تعالی است. اوست موثر در تمام موجودات».(۱)

(اقتدار آرزوی حضرت امام رحمه الله

(اقتدار آرزوی حضرت امام رحمه الله

«چه مسعود و مبارک است روزی که جهان از دغل بازی ها و فتنه انگیزی ها پاک شود و حکومت عدل الهی بر سراسر گیتی گسترش یابـد و منافقان و حیله گران از صـحنه خارج شوند و پرچم عدالت و رحمت حق تعالی بر بسـیط زمین افراشـته گردد. تنها قانون عدل الهی بر بشریت حاکم شود و کاخ های ستم و کنگره های بیداد فرو ریزد و آنچه غایت بعثت انبیا علیهم السلام و حامیان اولیا بوده تحقق یابد و برکات حق تعالی بر زمین نازل شود و قلم های ننگین و زبان های نفاق شکسته و بریده شود و سلطان حق تعالی بر عالم پرتوافکن گردد و شـیاطین صـفتان به انزوا گراینـد و ساربان های دروغین حقوق بشـر از دنیا برچیـده شود».(۲)

(تلاش برای اقتدار

(تلاش برای اقتدار

«من به صـراحت اعلام می کنم که جمهوری اسـلامی ایران با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه گـذاری می کنـد و دلیلی هم نـدارد که مسـلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلوی جاه طلبی و فزون طلبی صاحبان قدرت و پول و

۱- چهل حدیث، ص ۵۳.

۲- صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۲.

فریب را نگیرد ما اعلام می کنیم جمهوری اسلامی ایران برای همیشه حامی و پناهگاه مسلمانان آزاده جهان است و کشور ایران به عنوان یک دژ نظامی و آسیب ناپذیر نیاز سربازان اسلام را تأمین و آنان را به مبانی عقیدتی و تربیتی اسلام و همچنین به اصول و روش های مبارزه علیه نظام های کفر و شرک آشنا می سازد».(۱)

(ثبات ایران در گرو اقتدار آن

(ثبات ایران در گرو اقتدار آن

«پس این مطلبی که شما می گویید، این نیست که شما ثبات ایران را می خواهید؛ شما می خواهید که ایران ثبات نداشته باشد تا استفاده کنید. اگر ایران قدرتمند باشد و ثبات داشته باشد، اگر چنانچه مثلاً دولت ایران اگر قدرتی داشته باشد برای خود ملت باشد، برای خود ایران باشد، اگر دولت ها دولت های ناشی از اراده ملت باشند، اینها نمی گذارند که شما این طور در ایران تصرف کنید و این طور هرج و مرج به بار بیاورید. ایران ثبات ندارد که این بساط شده است. ایران الآن ثبات ندارد از باب اینکه قدرت ندارد؛ از باب اینکه استقلال ندارد. ایرانی می گوید که باید ثبات داشته باشد.

و ثباتْ تابعِ قدرتمندی و استقلال است؛ و ما قدرتمندی می خواهیم و استقلال. قدرتمندی به این است که نظاممان را از گرفتاری ای که امریکا برایش پیش آورده نجات بدهیم، و یک نظام متکی بر ملتْ ما ایجاد بکنیم نه یک نظامِ متکی بر مستشارهای امریکا. و استقلالمان را هم حفظ بکنیم و یک مملکت مستقل باشیم نه یک مملکتی که همه چیز آن در دست دیگران است؛ تا به واسطه این، ثبات پیدا بکند مملکت ما. وقتی ثبات پیدا کرد نه شما حق دارید که نفت اینجا را مجان و بلکه بدتر از مجان ببرید- بدتر از

ص:۸۵

۱- همان، ج ۲۰، ص ۲۳۸.

مجـان، برای اینکه نفت را می برنـد پایگـاه برای خودشـان درست می کننـد! ... خـوب، ملت ایران می خواهـد این نباشـد. می خواهد پیوسته به دیگران نباشد؛ مستقل باشد. یک مملکت مستقل نمی گذارد یک همچو چیزی بشود».(۱)

(تلاش برای نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهان خواران

(تلاش برای نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهان خواران

«مـا در صـدد گسترش نفوذ اسـلام در جهـان و کم کردن سـلطه جهـان خواران بوده و هستیم. حـال اگر نوکران امریکا نام این سیاست را توسعه طلبی و تفکر تشکیل امپراطوری بزرگ می گذارند از آن باکی نداریم و استقبال می کنیم».(۲)

(اقتدار اقتصادی آرمان ملت ایران

(اقتدار اقتصادی آرمان ملت ایران

«یکی از مسائل مهم ما مسئله اقتصاد است ما باید سعی کنیم که از حیث اقتصاد قوی و بدون وابسـتگی باشـیم.(۳) باید کاری کنیم که زایـد بر خودکفا باشـیم. کشور ما یک کشوری است که می توانـد بیش از احتیاج خودش تولیـد داشـته باشد و صادر کند».(۴)

«سطح کشاورزی را بالا ببرید تا محتاج به دشمن ها نباشیم. احتیاج به دشمن دردناک است، ما محتاج باشیم که در گندم مان، در برنـج مان، در سایر غـذاهامان به دشـمن های خودمان مثل امریکا، این امر دردناکی است که بایـد ملت ما این امر را طوری کنند که ان شاءالله خودکفا شویم و ا ن شاءالله صادرات هم داشته باشیم».(۵)

«ایران اسلامی از نظر اقتصادی به صورتی رشد نماید که بازارهای جهان

۱- صحیفه امام، ج ۵، ص ۹۸.
۲- صحیفه نور، ج۲۰، ص ۲۳۶.
۳- همان، ج ۱۷، ۵۰.
۴- مقالات اولین کنگره بررسی اندیشه های اقتصادی امام خمینی=، ص ۱۷۷.
۵- صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۶۵.

را از آن خود کند».(۱)

(اقتدار در انتخاب جهت اقتصادی

(اقتدار در انتخاب جهت اقتصادی

«آنچه مورد نظر ماست یک نوسازی واقعی مبنی بر نیازهای اساسی اکثریت قاطع و فقیر مردم است از منابع ارضی با توجه به نیازهای جامعه ما، با توجه به نیازهای جامعه ما، به طور کامل و در رابطه با سایر ملت های جهان استفاده خواهد شد. آنچه در زمینه اقتصادی مورد نظر ماست، جلوگیری از غارت منابع ملت ماست نه قطع رابطه اقتصادی با کشورهای جهان. درست در چارچوب یک معامله عادلانه است که نفت و گاز نیز به خریداران آن عرضه خواهد شد. مهم تر آنکه منافع حاصل از فروش منابع ارزی باید به مصرف پیشرفت های اقتصادی ما برسد و در این جهت ما قطعاً با جهان صنعتی در رابطه کامل خواهیم بود ولی حق تصمیم گیری برای جهتی که اقتصاد ما انتخاب خواهد کرد به عهده خود ما خواهد بود».(۲)

(اقتدار عامل اصلاح یا فساد

(اقتدار عامل اصلاح یا فساد

«همه ملت ما، همه انسان ها باید توجه به این معنا داشته باشند که قدرت را به جای خودش اعمال کنند. انبیا قدرتشان را به محل خودش انجام می دادند. حضرت موسی عصایش را می برد با فرعون مقابله می کرد، با دیگران با آن محبت بود. پیغمبر اکرم قدرت خودشان را برای سرکوبی اشخاصی که از جهات آدمیت خارج شده اند، از مرز انسانیت خارج شده اند و مردم را دارند به تباهی می کشند اعمال می کرد. قدرت ها باید اعمال اگر شد برای جلوگیری از فساد باشد نه خودش فساد بیاورد».(۳)

فصل دوم: بسترهای جهاد اقتصادی از دیدگاه امام خمینی رحمه الله

اشاره

ص:۸۷

۱- همان، ج ۲۱، ص۴۷.

۲- همان، ج ۴، ص ۸.

۳- همان، ج ۱۶، ص ۲۸۲.

فصل دوم: بسترهای جهاد اقتصادی از دیدگاه امام خمینی رحمه الله

برای تحقق پیشـرفت در فعالیت های اقتصادی با توجه به امکانات کشور سـرمایه گذاری کردن و تلاش در بخش های مختلف لازم و ضروری است. که هریک از بخش ها در نگاه جهادی به موضوع اقتصاد همانند یک سنگر محسوب می شوند. حضرت امام خمینی رحمه الله در رهنمودهایی که دارنـد به برخی از عرصه ها بالخصوص تأکیـد دارنـد که باید تلاش های جهادی در این عرصه ها بیشتر مورد توجه باشد، از جمله آنهاست:

کشاورزی

اشاره

کشاورزی

زیر فصل ها

(کشاورزی اساس اقتصاد

(آسیب های غفلت از پرداختن به کشاورزی

(اهمیت و فضیلت کشاورزی

(عبادت بودن تقویت کشاورزی

(جهاد کشاورزان

(ضرورت تقویت کشاورزی

(لزوم کمک دولت به کشاورزی

(امکان حل مشکل کشاورزی

(توسعه کشاورزی

(کشاورزی اساس اقتصاد

(کشاورزی اساس اقتصاد

«امر کشاورزی درکشور ما از اهم امور است و هدایت و اجرای آن به وجه صحیح اساس اقتصاد کشور است».(۱)

«ایران کشوری است که باید کشاورزی آن اساس همه کارها باشد».(۲)

«مسئله کشاورزی در کشور ما در رأس امور است. بحمدالله مملکت از نظر منابع طبیعی همه چیزش خوب است، آب و زمین خوب دارد و

ص:۸۸

۱- صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۱۵۸.

۲- همان، ج ۱۸، ص ۱۸۹.

مردمش آگاه و در فکر کشاورزی هستند. دولت باید آنها را تشویق و تقویت بنماید و امکانات لازم را در اختیار آنها بگذارد».(۱)

«اول یک کلمه ای راجع به کشاورزان عرض کنم. کشاورزان در هر کشوری که مثل کشور ما باشد، اصل در امور هستند. کشور ایران کشور کشاورزی است؛ زمین زیاد دارد، آب زیاد دارد و افراد هم زیاد، ما اگر چنانچه از حیث کشاورزی خودکفا نشویم و دستمان پیش قدرت های دیگر دراز بشود و به عبارت دیگر گدایی کنیم، از آنها یا فرض کنید که پول هم بدهیم به آنها، لکن وابسته ایم. کشاورزان عزیز می توانند که ایران را از وابستگی در این بعد نجات بدهند و این را یک عبادت شرعی حساب کنند؛ و عبادت است کشاورزی، که در اسلام آن قدر به آن اهمیت داده شده است ».(۲)

(آسیب های غفلت از پرداختن به کشاورزی

(آسیب های غفلت از پرداختن به کشاورزی

«مسئله کشاورزی که در رژیم سابق برای به هم زدن آن نقشه داشتند تا ما را وابسته کنند، بیشتر مورد نظر ما باشد. البته به طرف صنعت هم باید رفت، ولی اگر از کشاورزی منحرف شویم، اسباب آن می شود که آنچه خودمان نیز داریم از بین برود و مقصود رژیم سابق از آن همه تبلیغات برای تمدن بزرگ همین بود که کشاورزی را از بین ببرد و مملکتی که هم آب داشت و هم زمین، آب ها را به هدر می دادند و زمین ها هم بدون استفاده مانده بود. باید مردم سعی کنند که آب ها به هدر نرود و از زمین ها استفاده کنند و در

۱- همان، ج ۱۷، ص ۱۰۱.
۲- همان، ج ۱۸، ص ۲۸۱.

بخش کشاورزی و صنایع کوچک فعال باشند».(۱)

(اهمیت و فضیلت کشاورزی

(اهمیت و فضیلت کشاورزی

«کشاورزی در اسلام از امور بسیار مهم و از اموری است که درباره او گفته شده است که کشاورزان بهترین مخلوقات هستند و کشاورزان اقرب ناس خدای تبارک و تعالی هستند و کشاورزان در آن عالم شاید در صف اول از مردم نیکوکار واقع بشوند و شغل کشاورزی شغلی بوده است که انبیا هم به او اشتغال داشته اند و انبیا هم رزق خودشان را از راه کشاورزی به دست می آوردند».(۲)

(عبادت بودن تقویت کشاورزی

(عبادت بودن تقویت کشاورزی

« امروز باید کار کشاورزی که عبادت و اطاعت امر خداست تقویت گردد. هرکس هرجور می تواند باید تقویت بکند به طوری که ان شاء الله ما از این گرفتاری خارج بشویم».(۳)

(جهاد کشاورزان

(جهاد کشاورزان

«جهاد کشاورزها این است که کشاورزی شان را تقویت کنند... اگر ابرقدرت ها فردا منع کردند همه کشورها را که به ما گندم ندهند خودمان داشته باشیم. خوب، کشاورزها باید به این فکر باشند و کشاورزی خودشان را تقویت کنند و بیشتر کنند و کارها را جوری کنند که ما دیگر محتاج نباشیم در خوردنمان هم به مردم».(۴)

(ضرورت تقویت کشاورزی

۱- همان، ج ۱۷، ص ۵۰.

۲- همان، ج ۱۵، ص ۱۶۸.

۳- همان، ج ۱۱، ص ۱۱۸.

۴- همان، ج ۱۳، ص ۱۶۱.

(ضرورت تقویت کشاورزی

«هم دولت تقویت کند و هم برادران کشاورز همه همت خودشان را بگمارند که کشاورزی را تقویت کنند. شما اگر دیروز در زمان شاه با دل سردی عمل می کردید برای اینکه می دیدید که حاصل دست شماها صرف یک مسائل انحرافی می شود، امروز این طور نیست. امروز برای اسلام کار می کنید، برای خدا عبادت می کنید. بنابراین من از همه کشاورزان تقاضا دارم که در کار کشاورزی جدیت کنند و ما را از اینکه دستمان پیش دیگران باشد نجات بدهند».(۱)

(لزوم کمک دولت به کشاورزی

(لزوم کمک دولت به کشاورزی

«لازم است دولت بیش از پیش کمک های لازم را به کشاورزی و کشاورزان بکند و در این امر از هیچ کوششی خودداری ننماید و از پیچ و خم های اداری که موجب تأخیر در این امر حیاتی است جلوگیری نماید و در این موضوع به استاندارد ها در سطح کشور سفارش اکید نماید».(۲)

(امکان حل مشکل کشاورزی

(امکان حل مشکل کشاورزی

«ایران به سرعت می تواند مشکل کشاورزی خود را حل کند به طوری که هم کشاورز به یک زندگی انسانی در حد دیگران برسد و هم مملکت از واردات مواد غذایی بی نیاز شود».(۳)

(توسعه کشاورزی

(توسعه کشاورزی

«دولت همراهی بکند و کمک بکند و رفع گرفتاری ها را بکند. از آن

ص:۹۱

۱- همان، ج ۱۸، ص ۲۸۱.

۲- همان، ج ۱۴، ص ۱۵۸.

۳- همان، ج ۳، ص ۹۲.

طرف هم آنها مشغول فعالیت بشوند و کشاورزیشان را توسعه بدهند. خوب، شما دیدید که در این سال گذشته یک قدری توسعه دادند خوب، خیلی فرق کرد با سال های قبل. و من امیدوارم به اینکه این کشاورزها روز به روز روبه رشد بروند به طوری که ما صادرکننده باشیم. مملکت ما یک مملکتی است که می تواند صادرکننده باشد. زمین دارد، آب دارد، همه چیز دارد. مخازن همه جور دارد وما می توانیم در این امور صادرکننده باشیم. ما باید صادرکننده باشیم. ما نباید دستمان دراز باشد به پیش غیر که به ما گندم بدهید، جو بدهید. در صورتی که مملکت ما باید صادر کند».(۱)

منابع طبیعی

اشاره

منابع طبیعی

زیر فصل ها

(حفظ منابع طبیعی

(تلاش برای اقتصاد بدون نفت

(اصلاح سیاست استفاده از نفت

(دقت در حفظ منابع نفت و مصرف آن

(مستقل عمل کردن در صادرات نفت

(حفظ منابع طبیعی

(حفظ منابع طبیعی

«اینکه من عرض کردم باید امور اسلامی باشد حالا هم عرض می کنم این کارهایی که شما می گویید که می روند جنگل ها را چیز می کنند اینها کارهای غیر اسلامی است. من می گویم باید اسلامی باشد اگر چنانچه یک کسی تخلف کرد از مقررات دولت این غیر اسلامی است.آن هم باید اسلامی بشود. یعنی باید دولت با قدرت آن کسی که تخلف می کند از آن چیزهایی که دولت برای حفظ نظام دولت قرار داده است آنها را باید با قدرت جلویش را بگیرد برای اینکه آن غیر اسلامی است. من می گویم باید اسلامی بشود. بریدن درخت های کشور را و به تباهی کشیدن جنگل ها را این غیر اسلامی است باید جلویش گرفته بشود».(۲)

۱- همان، ج ۱۰، ص ۷۱.
۲- همان، ج ۱۶، ص ۲۶۷.

«اخیراً چیزی به من اطلاع دادند که موجب تأثر شد و آن اینکه در بعضی از مناطق اشخاصی که از اهالی آنجاست حمله کرده اند به این جنگل ها و جنگل ها را دارند خراب می کنند این جنگل ها مال ملت است نباید در او خرابی کرد باید به نظر ولی امرش به نظر حاکم باشد. جایز نیست بر آنها که بروند و جنگل ها را ببرند و خرابی کنند».(۱)

(تلاش برای اقتصاد بدون نفت

(تلاش برای اقتصاد بدون نفت

«ایران امکانات و ظرفیت های مختلف و فراوانی برای رشد اقتصادی دارد که اگر نفت هم نباشد بتواند به رشد خود و از بین بردن فقر نائل شود، از قبیل معادن مختلف که در صنایع اهمیت زیادی دارد و همچنین امکانات کشاورزی و دامداری و مهم تر از همه وجود استعدادهای سرشار و خلاق انسانی».(۲)

«کشور ما همه چیز دارد. کشور ما یک کشور غنی ای است که مخازن زیرزمینی بسیار دارد، بیشتر از آن مقداری که احتیاج دارد، یک کشور غنی ای است لکن دست هایی که می خواستند این ثروت ما را ببرند اینها نمی گذارند که ایران به آن طوری که باید و شاید اداره بشود... سال های طولانی همه چیز ما را به عقب زدند و همه ثروت ما را بردند و این تتمه را باید نگه دارید».(۳)

(اصلاح سیاست استفاده از نفت

(اصلاح سیاست استفاده از نفت

«ما نه چاه های نفت را می بندیم و نه درهای مملکت را به روی خود

ص:۹۳

۱- همان، ج ۵، ص ۵۷.

۲- همان، ج ۴، ص ۱۹۱.

۳- همان، ج ۵، ص ۲۸۱.

می بنـدیم و نه کشور را به بازار مصـرف هرچه که غرب می سازد و می خواهـد به ما تحمیل کنـد تبـدیل می کنیم. ما از نفت اسـتفاده خواهیم کرد، ولی دلیلی نـدارد که همیشه صادرکننـده آن باشـیم. ما چیزی را که نداریم و به آن نیاز داریم، از خارج می خریم، ولی چرا خود تولیدکننـده ما یحتاج خود نباشـیم؟ سـیاست ما همیشه بر مبنای حفظ آزادی و اسـتقلال و حفظ منافع مردم است که این اصل را هرگز فدای چیزی نمی کنیم...».(۱)

(دقت در حفظ منابع نفت و مصرف آن

(دقت در حفظ منابع نفت و مصرف آن

ضرورتی بـه گوشـزد کردن اهمیت نفت در معادلاـت جهـان و اقتصـاد بین الملـل و نیز نقش عظیم صـنعت نفت و انرژی را در کشورها و سـیاست ها نمی بینم. ان شاءالله مسـئولین امر با توجه کافی و بصیرت و دقت از این گنج ها و ذخایر سیال خدادادی پاسـداری نمایند و در توسـعه و اسـتفاده هرچه بیشتر و بهتر آنها تلاش نمایند و در تأمین نیازهای جامعه و پابرهنگان و اولویت دادن به مناطق محروم موفق باشـند. خداونـد تعالی این روحیه مقدس سـربازی و فداکاری را در کلیه کارگزاران و کارمندان و متخصصان تا رسیدن به استقلال و خودکفایی کامل حفظ فرماید».(۲)

(مستقل عمل کردن در صادرات نفت

(مستقل عمل کردن در صادرات نفت

حکومت اسـلامی و خواست ملت مـا برای همین است که نفوذ غرب و همه کشورهـا را در ایران از بین ببرد. وقتی یک ملت با تمام اقشار آن برای یک هدف قیام کردند، هیچ نفوذی نمی تواند خلاف آن را تحمیل کند. و اما

۱- همان، ج ۳، ص ۴۹.

۲- همان، ج ۲۱، ص ۷۲.

قضیه نفت، ما بعد از اینکه استقلال خود را به دست آوردیم و نفت در اختیار ما قرار گرفت، می خواهیم بر حسب اختیار خودمان نفتمان به فروش برود و ارز گرفته و صرف مصالح کشور کنیم. ما از حیث فروش مضایقه ای نداریم لیکن نه مثل فروشی که الان انجام می گیرد».(۱)

«...مسئله نفت تنها مسئله قیمت آن نیست که هم اکنون غیر عادلانه است. مسئله این است که باید به نفت نقش بایسته و حساب شده در اقتصاد کشورها و به طریق اولی در کشورهای نفت خیز داد و به اقتصاد کشور قابلیت رشد واقعی بخشید و نه رشد کاذب. ما سیاست نفتی خود را بر این اساس تنظیم خواهیم کرد. در این صورت است که می توانیم به عنوان طرف مساوی درباره قیمت نفت و فراورده های آن و قیمت کالاهایی که می خریم به آنچه عدل است عمل نماییم».(۲)

صنایع

اشاره

صنایع

زیر فصل ها

(ایجاد صنعت مستقل

(لزوم ایجاد صنایع بنیادین

(ایجاد صنعت مستقل

(ایجاد صنعت مستقل

«در خصوص صنعتی کردن مملکت، کاملاً با این امر موافقیم ولی ما خواستار یک صنعت ملی و مستقل هستیم که در اقتصاد مملکت ادغام شده و همراه با کشاورزی در خدمت مردم قرار گیرد، نه یک صنعت وابسته به خارج بر اساس مونتاژ؛ نظیر صنعتی که فعلاً در ایران مستقر ساخته اند. سیاست شاه از لحاظ صنعتی و کشاورزی، مملکت ما را به نفع قدرت های استعماری به صورت یک جامعه مصرفی درآورده است».(۳)

۱- همان، ج ۳، ص ۸۹.

۲- همان، صص ۱۵۹ و ۱۶۰.

۳- همان، ج ۲، ص ۴۴.

«ما برای صنعتی شدن کشور تلاش می کنیم و لکن نه صنعت مونتاژ که هم کشور را هر چه بیشتر به اجانب وابسته کرده است و هم اکثریت فقیر و محروم را در خدمت مشتی ثروت اندوز متجاوز قرار داده است».(۱)

(لزوم ایجاد صنایع بنیادین

(لزوم ایجاد صنایع بنیادین

«سیاست صنعی رژیم شاه توسعه صنایع مصرفی و مونتاژ و وابسته کردن صنایع به صنایع اجنبی است. سیاست صنعتی دولت جمهوری آینده بر اساس ایجاد صنایع بنیادی و مادر خواهد بود به طوری که هرگونه وابستگی از بین برود با ایجاد صنایع بنیادی مادر توسعه کالاهای مصرفی صنعتی نیز به شکلی توأم با آن پیشرفت می کند که منافع مصرف کنندگان ایران را مقدم بر هرچیز حفظ خواهد کرد».(۲)

تجارت، خدمات و بازرگانی

اشاره

تجارت، خدمات و بازرگانی

زیر فصل ها

(نقش و اهمیت بازار

(تلاش برای تأمین مسکن مناسب

(نقش و اهمیت بازار

(نقش و اهمیت بازار

«بازار در طول تاریخ، بازارهای تمام کشور و خصوصاً بازار تهران یک بازوی قوی ای از برای اسلام و از برای کشور بوده است و ان شاء اللّٰه خواهد بود. اگر تمام شما یادتان نیست بعض از سالمندان یادشان است که رژیم سابق ــ شاید زمان رضا شاه بود ــ اینها در صدد برآمدند که اصل بازار نباشد در ایران. از این مجتمع زیر سقف می ترسیدند. از مجتمعاتی که حصار داشت و زیر سقف بود و مجمع مؤمنین و متدینین و جوان های متعهد بود می ترسیدند. از مساجد که محل اجتماع همین بازاریان بود و از خود بازار که مجمع ملت بود خوف داشتند. و همیشه بازار دنباله مقاصد اسلامی و

۱- همان، ج ۳، ص ۹۲.

۲- همان، ج ۳، ص ۱۵۷.

برای پیشرفت اسلام و برای پیشرفت اقتصاد اسلامی یک بازوی ستبر قدرتمندی بوده است و الآن هم همین طور است. منتها سابق، دولت های رژیم سابق و خود رژیم سابق چون با مردم نبود و مردم هم با او نبودند، شاید جرئت نکرد یک دفعه محمدرضا تو بازار بیاید. اما اکنون این طور نیست، برای اینکه دولت و بازار، رئیس جمهور و بازاری ها اینها برادر هستند و از خود این مردم هستند. این طور نیست که در آن رده های باصطلاح خودشان بالا باشند و به حسب واقع منحط باشند که مردم آنها را نپذیرند. در طول تاریخ هر مشکلی که پیدا می شد برای اسلام و برای علمای بزرگ اسلام کافی بود که نصف روز بازار برای یک همچو امری بسته بشود و مشکل حل بشود. یک پشتوانه عظیمی است بازار برای اسلام، و بازاری ها باید با کمال دقت این مسئله را حفظ کنند».(۱)

(تلاش برای تأمین مسکن مناسب

(تلاش برای تأمین مسکن مناسب

«در رژیم منفور پهلوی مسئله مسکن یکی از مصیبت بارترین مشکلات اجتماعی مردم ما بود. بسیاری از مردم در اسارت تهیه یک قطعه زمین و داشتن یک لانه بودند، و چه بسا تمام عمرشان را زیر بار بانک ها و سودجویان و غارتگران به سر می بردند تا بتوانند پناهگاهی را برای خود و فرزندانشان دست و پا کنند. قشر عظیمی از مستضعفان جامعه هم به کلی از داشتن خانه محروم بودند و در زوایای بیغوله ها و اتاقک های تنگ و تاریک و خرابه ها به سر می بردند؛ و چه بسا قسمت مهمی از درآمد ناچیزشان را بایستی برای اجاره آن بپردازند؛ و این میراث شوم برای ملت ما باقی مانده و اکنون جامعه ما با چنین مصیبتی دست به گریبان است. نظام اسلام چنین

۱- همان، ج ۱۳، ص ۲۷۹.

ظلم و تبعیضی را تحمل نخواهد کرد؛ و این از حداقل [حقوق] هر فرد است که باید مسکن داشته باشد.مشکل زمین باید حل شود و همه بندگان محروم خدا باید از این موهبت الهی استفاده کنند.همه محرومان باید خانه داشته باشند. هیچ کسی در هیچ گوشه مملکت نباید از داشتن خانه محروم باشد. بر دولت اسلامی است که برای این مسئله مهم چاره ای بیندیشد، و بر همه مردم است که در این مورد همکاری کنند».(۱)

بانک و امور پولی

اشاره

بانک و امور پولی

زیر فصل ها

(ضرورت تحول در سیستم بانکی

(لزوم از بین رفتن بانک غیر اسلامی

(تلاش بر ای ایجاد سیستم بانک اسلامی

(ضرورت تاسیس بانک بی بهره

(وام دهی بانک ها به کشاورزان

(اهمیت اصلاح سیستم بانکی کشور

(ربا بدترین نوع استثمار

(ضرورت تحول در سیستم بانکی

(ضرورت تحول در سیستم بانکی

«سیستم بانکداری به این وضعی که الآن در ایران هست، این وضعْ وضع طاغوتی است. ربا در اسلام حرام است؛ در قرآن اعلام به حرمت شده است: کسی که ربا بخورد، ربا بگیرد- در اسلام، در قرآن گفته شده است که جنگ با خدا می کند! این سیستم باید متحول بشود. سیستم بانکی باید عوض بشود. و ما امیدواریم که با همت همه کارمندان و کارگران این طور مسائل حل بشود».(۲)

(لزوم از بین رفتن بانک غیر اسلامی

(لزوم از بین رفتن بانک غیر اسلامی

«بانـک هـا که بر مبنای بهره برداری و بر مبنای خلاف و فساد است اینها از بین برونـد یا بهره ها از بین برونـد که همه اسـلامی بشوند، اگر اسلامی شدند آنها هم بمانند و الا بالاخره باید برچیده بشوند اگر اسلامی نشوند».(۳)

(تلاش بر ای ایجاد سیستم بانک اسلامی

ص:۹۸

۱- همان، ج ۵، ص ۲۷۴.

۲- همان، ص ۲۸۰.

۳- همان، ج ۶، ص ۲۲۲.

(تلاش بر ای ایجاد سیستم بانک اسلامی

«بانک اسلامی که مبنایش بر این باشد که بهره در کار نباشد و ربا در کار نباشد، این یک خدمت بزرگی است به جامعه و به اسلام، هر دو که امید است که احتیاج مردم از سایر بانک ها به واسطه این بانک سلب بشود و مردم توجه بکنند به این بانک که اسلام است مبنایش، اسلام است، اسلامی است و مبنایش بر این است که استثمار نکند مردم را، بهره برداری از انسان بی خودی نکند».(۱)

(ضرورت تاسیس بانک بی بهره

(ضرورت تاسیس بانک بی بهره

«راجع به بهره بانکی ما بانک هایی که بی بهره باشد باید تأسیس کنیم. ما بهره ها را جایز نمی دانیم».(۲)

(وام دهی بانک ها به کشاورزان

(وام دهی بانک ها به کشاورزان

«بانک های اسلامی به کشاورزان به منظور ادامه کشاورزی قرض الحسنه بدهند و مسلمانان در این امر حیاتی با این بانک ها تشریک مساعی نمایند».(۳)

(اهمیت اصلاح سیستم بانکی کشور

(اهمیت اصلاح سیستم بانکی کشور

«مسئله بانک از مسائل مهمی است که چنانچه ربا از بانک حذف نشود، مشمول آیه شریفه و روایات کثیره می شویم که آیه شریفه می فرماید کسانی که ربا می خورند اینها اعلام جنگ با خدا و پیغمبر می کنند. این تعبیر در کم جایی واقع شده است که اعلان جنگ است بین کسانی که می خواهند ربا بخورند با خدا و پیغمبر. روایات بسیار ما داریم که هیچ جای شبهه در این

۱- همان.
۲- همان، ج ۴، ص ۳۸.
۳- همان، ج ۴، ص ۲۳۶.

روایات نیست که در بعضی از آنها تعبیری شده است که شاید برای هیچ چیز نشده است... و اگر چنانچه ربا در یک کشوری مثل کشور ما خدای نخواسته، باز در بانکش، در تجارتش، در بین مردمش باشد، ما نمی توانیم بگوییم که ما جمهوریمان جمهوری اسلامی است، محتوای جمهوری، اسلامی است. از این جهت باید کارشناسان، علما در این مسئله بسیار فعالیت کنند، دقت کنند که ما را از این گرفتاری نجات بدهند، و ملت هم باید توجه بکنند به اینکه مواجه هستند با یک همچو چیزی که قرآن کریم می فرماید: «فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِه» اعلام جنگ بکنید با خدا. و اگر چنانچه بانکداری به آن معنایی که در جاهای دیگر هست رواج پیدا بکند، مردم از صنعت و کار و سایر چیزها بازمی مانند، می نشینند توی خانه شان و پولشان برایشان کار می کند و حال آنکه پول نباید کار بکند.

پس اصلاح بانک هم یکی از امور بسیار مهم است، چنانچه اصلاح اقتصاد و مالیات و امثال ذلک هم بسیار اهمیت دارد».(۱)

(ربا بدترین نوع استثمار

(ربا بدترین نوع استثمار

«اصل بهره از پول یک امری است بسیار خلاف انصاف و خلاف انسانیت که یک پولی آنجا گذاشته اند، بعد آن پول نه کاری، نه چیزی، یک چیزی در آورند. بدترین انواع استثمار همین رباست که در مقابل هیچ، خود پول که هست و در مقابل هیچ، این بزاید، بهره بردارد. در اسلام، این البته به هر صورتش حرام است حتی این فرارهایی که بعضی ها جایز می دانند، این فرارها هم صحیح نیست. فرار از ربا هم صحیح نیست. یک راه هایی گفته شده است، لکن آنها هم صحیح نیست بهره برداری از این نقود و از پول به

۱- همان، ج ۱۸، صص ۲۸۱ و ۲۸۲.

هیچ وجه در اسلام جایز نیست. از جهتی که یک همچو بانک اسلامی که مبنایش بر این باشد که بهره در کار نباشد و ربا در کار نباشد، این یک خدمت بزرگی است به جامعه و به اسلام، هر دو، که امید است که احتیاج مردم از سایر بانک ها به واسطه این بانک سلب بشود و مردم توجه بکنند به این بانک که اسلامی است، مبنایش اسلام است، اسلامی است و مبنایش بر این است که استثمار نکند مردم را، بهره برداری از انسان بی خودی نکند».(۱)

ص:۱۰۱

۱- همان، ج ۶، ص ۲۲۲.

فصل سوم: راهکارهای پیشرفت و تحقق جهاد اقتصادی

اشاره۱۰۱

فصل سوم: راهکارهای پیشرفت و تحقق جهاد اقتصادی

همـان گونه که دست یابی بر هرهـدفی نیاز به تهیه ابزارها و فراهم ساختن شـرایط و بسترهای مناسبی دارد پیشـرفت در عرصـه های اقتصادی و انجام جهاد اقتصادی در جامعه نیز نیازمند انجام برخی کارها و ایجاد بعضی آمادگی ها و شرایط است که اگر مسئولین و آحاد مردم در این کار به صورت هماهنگ و منسجم و با جدیت و مصمم عمل کنند بدون تردید در کمترین زمان لازم به نتیجه خواهند رسید. حضرت امام خمینی رحمه الله در رهنمودهای خود به راهکارهای تحقق اهداف انقلاب اسلامی و از آن جمله پیروزی در نبرد اقتصادی تصریح دارند که به بعضی از آنها اشاره می شود:

۱. ایمان و توکل به خدا و امید به یاری او

اشاره

۱. ایمان و توکل به خدا و امید به یاری او

حضـرت امام رحمه الله در تمامی کارها توکل بر خدا و توجه به امدادهای غیبی و امید به عنایات الهی را اصل می دانند و همه موفقیت ها را ناشـی از این عامل مهم می داننـد و تأکیـد می کننـد که در تمام مراحل و در انجام همه کارها و پیش آمـدها از توکل به خدا و طلب یاری از حق نباید غفلت شود:

(توصیه اتکال به خدا

ص:۱۰۳

(توصیه اتکال به خدا

«من معتقـدم که شـما و همه کسانی که به کاری اشـتغال داریـد باید دو جهت را مراعات کنید، یکی اتکا به خدا و تلاش برای کسب رضایت او در جهت قطع هرگونه وابسـتگی این مملکت به اجانب است؛ چون برای جمهوری اسـلامی ایران عیب اسـت که دسـتش پیش دیگران دراز باشد و دوم اینکه هیچ گاه از کارها مأیوس نشوید؛ چون همه چیز یک دفعه درست نمی شود و کارهای بزرگ به تدریج صورت می گیرد و این بستگی به اراده انسان دارد و وقتی انسان اراده کرد به پیش می رود».(۱)

«عمده این است که شـما دو جهت را در نظر بگیرید که من کراراً عرض کردم: یکی اعتماد به خدای تبارک و تعالی که وقتی برای او بخواهید کار بکنید به شـما کمک می کند، راه را برای شـما باز می کند، در هر رشـته که هستید راه های هدایت را به شمـا الهـام می کنـد و یکی اتکـال به نفس، اعتمـاد به خودتان.... لازم است که با این دو خصـیصه، اتکال به خـدای تبارک و تعالی، اطمینان به نفس، با این دو خصـیصه به پیش بروید و بعد از مدت کوتاهی خواهید دید که راه های سـعادت بر شـما باز می شـود و قـدرت هـای بزرگ طمعشـان قطع می شـود و ان شـاء الله این کشـور یـک کشور نمونه می شود برای کشورهـای دیگری که آنها هم گرفتار آن تبلیغات گسترده ابرقدرت ها هستند که نمی گذارند آنها هم رشد بکنند».(۲)

(اتکال به خدا رمز پیروزی

(اتکال به خدا رمز پیروزی

«رمز پیروزی ما ... اتکال به خدای تبارک و تعالی و قوت ایمان بود... این

۱- صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۱۷۷.

۲- همان، ج ۱۸، صص ۱۴۶ و ۱۴۷.

رمز پیروزی هرجا پیدا بشود پیروز خواهند شد... ملت عزیز... با اتکال به خدای تبارک و تعالی... توجه به معنویت، توجه به خدای تبارک و تعالی کنند تا پیروز شوند».(۱)

«شما گمان نکنید که اتکا به ماورای خدا برای ما بتواند یک کارگشایی بکند، اتکا به خدا کنید. اگر ما یک روزی اتکای خودمان را از خدا برداشتیم و روی نفت گذاشتیم یا روی سلاح گذاشتیم بدانید که آن روز روزی است که ما روبه شکست خواهیم رفت».(۲)

«به شما می گویم از هیچ کس نترسید الا خدا و به هیچ کس امید نبندید الا خدای تبارک و تعالی و اگر امید خودتان را به خدای تبارک و تعالی تمام کنید به این معنا که تام بشود این امید شما، اطمینان برای شما بیاورد این امید شما، من به شما اطمینان می دهم که آسیبی این مملکت نبیند. توجه به همین معنا داشته باشید همه ملت ما چه دولتی هایشان و چه غیر دولتی ها و چه نظامی ها، و چه غیر نظامی ها همه ملت ما امیدشان به خدای تبارک و تعالی که منبع قدرت است و منبع نور است، امید خودشان را به او ببندند و هیچ توطئه ای را از آن نترسند، کسی که پشتیبان او خداست از این توطئه هایی که شایعه اندازی می کنند... از اینها نترسید».(۳)

«اگر خیال کنید نمی توانید، بدانید که نخواهید توانست. به خودتان تزریق کنید که می توانید و بدانید که خواهید توانست... اگرما در روحمان ضعف باشد نمی توانیم کاری بکنیم. روح را قوی کنید، قلب خودتان را قوی کنید. به خدا منقطع بشوید. این همه ادعیه که وارد شده است همه را

۱- همان، ج ۵، صص ۲۴۱ و ۲۴۲.
۲- همان، ج ۲۰، ص ۷۷.
۳- همان.

دعوت کرده است به اینکه اتکال به خدا بکنید برای اینکه او مرکز قدرت است. این همه دعوت شده است که به کس دیگری غیر خدا متشبث نشوید برای اینکه به شما تزریق کنند قوت را که شما پشتوانه عظیم دارید او خداست. کسی که خدا را دارد از چه باید بترسد شمایی که برای خدا بخواهید کار بکنید از چه قدرتی می ترسید؟... هیچ وقت فکر نکنید نمی توانید. همیشه فکر کنید که می توانید، همیشه فکرکنید که خدا با شماست. همیشه فکر کنید که اسلام شرف شماست و این اسلام باید به دست شما تقویت شود».(۱)

«این اتکالی که به اسلام داشتید شما را پیروز کرد، پس دست از این وحدت کلمه بر ندارید و دست از اسلام بر ندارید. بواسطه اسلام است که ما می توانیم عدالت را در همه جامعه خودمان پخش کنیم.»(۲)

(اتکال به خدا لازمه استقلال

(اتکال به خدا لازمه استقلال

«اگر بخواهید به همه مشکلات پیروز شوید... و استقلال خودتان را همه جور، استقلال فرهنگی، استقلال اقتصادی، استقلال اجتماعی همه اینها را باید شما محکم نگه دارید و این در سایه این است که توجه به مکتب اسلام و اتکال به خدای بزرگ و با هم، هم پیمان شدن و همه قشرها برادر دانستن یکدیگر است».(۳)

(ایمان مبدأ همه خیرات و ترقیات

(ایمان مبدأ همه خیرات و ترقیات

«همه اینهایی که این بساط را، این فضاحت ها را در ایران درست کردند و

۱- همان، ج ۱۸، صص ۴۲۷ و ۴۲۸.

۲- همان، ج ۵، ص ۱۹۶.

۳- همان، ج ۱۷، ص ۲۳۸.

این گرفتاری ها را برای ملت ما درست کردند، برای این بود که ایمان در کار نبود. اگر ایمان در کار بود ممکن نبود که یک آدم یک قراردادهایی درست کند که حالا ـ دولت ما گرفتارش هستند... اگر ایمان داشتند همه چیز مملکت را به باد نمی دادند... ایمان نبوده است که این کارها را کردند. مبدأ همه خیرات و مبدأ همه ترقیات که برای یک مملکت هست، چه در جهت مادیت و چه در جهت معنویت این است که ایمان در کار باشد».(۱)

«اینکه شما با ابتکارات خود و اعتماد به خداوند کارهای مهمی انجام داده اید و دستگاه های پیچیده ای را به کار انداخته اید، موجب تقدیر و تشکر است. اتکال به نفس، بعد از اعتماد به خداوند منشأ خیرات است و اگر کشور ما را آرام بگذارند مردم همه امور را اصلاح می کنند».(۲)

(حل مشکلات پیچیده در سایه ایمان به خدا و معنویت

(حل مشکلات پیچیده در سایه ایمان به خدا و معنویت

«اگر ایمان به خدا و عمل برای خدا در فعالیت های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و سایر شئون زندگی بشر وارد شود، پیچیده ترین مشکلات امروزی جهان به آسانی حل می شود. امروز دنیا، هم در این بن بست گرفتار شده است و هم نمی خواهد به نوع هدایت انبیا تسلیم شود، ولی سرانجام چاره ای جز تسلیم ندارد».(۳)

«مردمی می توانند مملکت و ملت خودشان را نجات بدهند که معنویت داشته باشند».(۴)

«روی حساب مادیگری نمی شد صحیح باشد که یک ملتی که هیچ

۱- همان، ج ۶، ص ۲۵۱.

۲- همان، ج ۱۷، ص ۶۵.

۳- همان، ج ۴، ص ۱۹۰.

۴- همان، ج ۶، ص ۲۶۱.

نداشت و دست تهی بود، در مقابل این قدرت های بزرگ جلو رفت و با قدرت ایمان این سد را شکست».(۱)

(ایمان منشا خیرات و برکات

(ایمان منشا خیرات و برکات

«بایـد شـما و مـا دست به دست هم بـدهیم برای قشـر آتیه که اینها مقـدرات مملکت دسـتشان است، ایمان ایجاد کنیم. شـما از دانشـگاه، مؤمن بیرون دهیـد، ما از مـدرسه ها مؤمن بیرون بدهیم نه عالم، عالم تنها فایده ندارد، البته مؤمن تنها هم مؤثر خیلی نیست.... عـالم وقتی مؤمن شـد، عـالم وقتی متقی شـد آن است که منشـأ خیرات و برکات است... بنابراین یک بار سـنگینی به عهده ما و شماست».(۲)

(حفظ انقلاب در گرو توجه به معنویات

(حفظ انقلاب در گرو توجه به معنویات

«مادامی که این ملت، این حالی که الان دارند که توجه به معنویات تا یک حدودی و این جوان های ما توجه به معنویات دارد و این تحول عظیم پیـدا شـده است در آنها که شـهادت را با جان و دل می خرنـد، مادامی که این محفوظ است، این جمهوری اسـلامی محفوظ است و هیچ کس نمی تواند به او تعدی کند. آن روزی که زرق و برق دنیا پیدا بشود و شـیطان در بین ما راه پیـدا کنـد و راهنمـای مـا شـیطان باشـد، آن روز است که ابرقـدرت هـا می تواننـد در مـا تـأثیر کننـد و کشـور مـا را به تبـاهی بکشند».(۳)

(اتکال به خدا راه برون رفت از محاصره اقتصادی

(اتکال به خدا راه برون رفت از محاصره اقتصادی

«از حصر اقتصادی هم ابدا خوفی نداشته باشید، برای اینکه ملت های دیگر

۱- همان، ج ۶، ص ۱۴۹.

۲- همان، ج ۶، ص ۲۵۱.

۳- همان، ج ۱۷، ص ۲۱۹.

و دولت های دیگر تابع امریکا نیستند، در دنیا به روی ما بسته نخواهد شد، ما خدا را داریم، در دنیا به روی ما بسته بشود، در رحمت خدا به روی ما باز است.

ما برای خدا می خواهیم اقدام کنیم، ما قیام کردیم برای خدای تبارک و تعالی، ما دیدیم که ظلم در این مملکت هست، ما دیدیم که چپاولگری در این مملکت هست، ما دیدیم که مستکبران، مستضعفان را دارند از بین می برند، قیام کردیم، ما برای خدا قیام کردیم در همه ممالک هم به روی ما بسته شود، در رحمت خدا به روی ما باز است و ما اتکال به رحمت خدا و اتکال به قدرت خدا می کنیم و شما قدرتمند باشید و به پیش بروید».(۱)

«نباید متأثر بشویم از اینکه ما را در تنگنای اقتصادی قرار دادند. تنگنای اقتصادی، هر کاری بکنند راجع به دنیاست، راجع به طبیعت است... ما نباید از این معنا اصلا آزرده بشویم، چرا آزرده بشویم؟ ما مأمور خدا هستیم».(۲)

۲. کار و کوشش و پرهیز از سستی و تزلزل

اشاره

۲. کار و کوشش و پرهیز از سستی و تزلزل

هیچ هدفی بدون تلاش و کار قابل تحقق نیست در این راستا حضرت امام رحمه الله ضمن تشویق به کار و تلاش، از مردم و مسئولان می خواهند که در انجام کارها انگیزه الهی داشته باشند و سعی کنند هرکاری را که انجام می دهند برای رضای خدا باشد. چرا که کار برای خدا هیچ گونه شکستی در پی نخواهد داشت و بدون تردید در تحقق بخشی به اهداف تاییدات الهی را نیز در پی خواهد آورد:

(جهادگونه کار کردن

ص:۱۰۹

۱- همان، ج ۱۱، ص ۶۰.

۲- همان، ج ۱۳، ص ۱۳۳.

(جهادگونه کار کردن

«ما در این عصر با اتکا به خدای تبارک و تعالی و استمداد از اسلام و قرآن کریم و ولی عصر[، باید خودمان کوشش کنیم و خودمان جهاد کنیم... جهاد در کارخانه ها و کارگری ها جهاد در کشاورزی ها».(۱)

«امروز شمایید که باید دامن به کمر بزنید و در رشد صنایع این کشور و در رشد تولید این کشور دامن به کمر بزنید و همت بگمارید و فعالیت بکنید. فعالیت شما امروز برای کشور اسلامی یک عبادت است. شما امروز همه تان با ایده اسلامی در حال عبادت هستید، چه در کارخانه ها و چه در مواردی که به صنعت مشغول هستید، و چه در کشاورزی هر کس هست و چه در سایر کارخانه ها که هست. وقتی انسان برای خلق خدا خدمت بکند و برای اینکه این خلق در طول تاریخ ستم دیدند، عقب نگه داشته شدند، نگذاشتند رشد معنوی بکنند، رشد مادی بکنند، وقتی با این ایده شما خدمت بکنید شما در خدمت اسلام هستید و شما مجاهد هستید در پشت جبهه ها. همان طوری که مجاهدین ما در جبهه ها مجاهدت می کنند، و عبادت خدا را در آنجا می کنند، شما هم در پشت جبهه ها هستید و عبادت خدای تبارک و تعالی را با همین کارهایتان انجام می دهید».(۲)

(ضرورت کار و تلاش همگانی

(ضرورت کار و تلاش همگانی

«باید همه دست به دست هم بدهید و این مملکت را اداره کنید و همه دست به دست هم بدهیم و این مملکت را اداره کنیم و همه دست به دست هم بدهیم و این مملکت را سالم بکنیم و این چرخ ها را به راه بیندازیم.

۱- همان، ج ۱۷، ص ۲۳۷.

۲- صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۱۹۱.

کارخانه ها باید به همت شما به راه بیفتد، وقتی که به راه بیفتد منفعتش هم مال مملکت خودتان و از آن خود شماست».(۱)

«در هر صورت همه قشرها الان موظفند که کوشش کنند برای حفظ آرامش و فعالیت بکنند، بیکار ننشینند، فعالیت بکنند، کار بکنند، تا اینکه مملکت خودشان را نجات بدهند».(۲)

«همه اقشار ملت امروز باید یک کاری انجام بدهند، بیکاری، کم کاری، به خلاف مسیر ملت است. امروز این کشور ما احتیاج به کار دارد، احتیاج دارد که همه قشر ها در هر کجا که هستند، مثلاً عمده کشاورزها کشاورزی را تقویت کنند که ما محتاج به دشمن هامان نباشیم در خوراکمان».(۳)

«ملت شریف ما اگر در این انقلاب بخواهد پیروز شود باید دست از آستین برآرد و به کار بپردازد. از متن دانشگاه ها تا بازارها و کارخانه ها و مزارع و باغستان ها تا آنجا که خودکفا شود و روی پای خود بایستد».(۴)

«همه باید برای هم کار کنند، همان طوری که آنها موظفند که کار کنند، شما هم موظفید که کار بکنید برای مردم. من هم موظفم کار بکنم. یک مملکتی است مال همه تان. مال یک دسته خاصی نیست که شما بگویید که این، منافعش را می برد پس چرا کار نمی کند. منافع مال همه است، مضارش هم مال همه است».(۵)

۱- همان، ج ۷، ص ۲۱۰.
۲- همان، ج ۱۰، ص ۷۱.
۳- همان، ج ۱۱، ص ۱۴۲
۴- همان، ج ۱۲، ص ۶۵.
۵- صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۱۰۱.

«مملکت شما احتیاج به کار دارد، مملکت خرابی است که محتاج به این است که ساخته بشود و ساختن مملکت به دست شماهاست. هر کس در هرجا هست اشتغال به کار پیدا کند و کار را خوب انجام بدهد».(۱)

(پرهیز از هرگونه اتلاف وقت

(پرهیز از هرگونه اتلاف وقت

«ایران امروز محتاج به کار است. حتی من این اجتماعاتی که در اینجا و در بیرون منزل می شود خیلی صحیح نمی دانم برای اینکه نباید اینها از کار دست بردارند وهمه اش باب تظاهر باشد، تظاهر البته در پیشرفت امور مملکت یک تقویت روحی می کند، لکن دائمی نباید باشد، باید کار بکنند مردم».(۲)

(عبادت بودن کار و تلاش

(عبادت بودن کار و تلاش

«این قرآن کریم که در بین ید مسلمین هست و از اول تا حالا یک کلمه، یک حرف در او زیاد و کم نشده است، این قرآن را وقتی که به عین تدبیر مشاهده بکنید می بینید که مسئله، مسئله این نیست که دعوت برای این بوده است که مردم توی خانه بنشینند و ذکر بگویند و با خدا خلوت کنند، او بوده است، لکن انحصار نبوده است. مساله، مساله دعوت به اجتماع، دعوت به سیاست، دعوت به مملکت داری و در عین حال که همه اینها عبادات است، عبادت جدای از سیاست و مصالح اجتماعی نبوده است. در اسلام تمام کارهایی که دعوت به آن شده است جنبه عبادی دارند. حتی در کارخانه ها کار کردن، در کشاورزی کار کردن و در مدارس تعلیم و تربیت

۱- همان، ص ۲۲۲.

۲- همان، ج ۱۱، ص ۲۰۴.

کردن، همه شان مصالح اسلامی است و جنبه عبادی دارد».(۱)

«امروز کشور محتاج به کار است... شما هم می خواهید که محتاج به اجانب نباشد، محتاج به دشمن هایتان نباشید باید کار بکنید....کار بکنید و برای خدا هم این کار را بکنید، یک نحو عبادتی است برای شما.... ما باید جدیت کنیم... باید کار کنیم تا خودکفا باشیم، بلکه ان شاءالله صادرات هم داشته باشیم. شما برادرها الان عبادتتان این است که کار بکنید، این عبادت است. همان طوری که فرض کنید آمدن به زیارت حضرت معصومه علیها السلام عبادتی است، کار کردن هم یک عبادتی است و شاید از بسیاری از مستحبات بالاتر باشد».(۲)

(کار برای خدا و با انگیزه الهی

(کار برای خدا و با انگیزه الهی

«ما می خواهیم کشورمان از هر جهت مستقل باشد پس باید برای رضای خدا و دنبال این کار باشیم تا نه تنها کشورمان بلکه تمام مردم جهان را مستقل کنیم».(۳)

«شما برای نجات این ملت کار کنید».(۴)

«دنبال این معنی باشیم که ما یک کاری که می کنیم برای خدا باشد...».(۵)

ما باید برای خدای کار بکنیم کسی که برای خدا کار می کند به هیچ وجه شکست نمی خورد.... ما باید فکر این معنا باشیم که خدمت بکنیم، خدمتی که برای ما سرمایه باشد برای آن جهان... پیروز شدن و فتح کردن و همه اینها اگر آن بعد معنوی اش نباشد همه اش شکست است. بلکه آنهایی که بیشتر در نظر مردم پیروزند شکسته ترند... ما باید فکری بکنیم که نصرت کنیم خدا را. ان تنصروا الله

۱- همان، ج ۱۸، ص ۲۷۵.

۲- همان، ج ۱۱، صص ۱۷۹ و ۱۸۰.

۳- همان، ج ۱۶، ص ۱۱۴.

۴- همان، ص ۱۲۴.

۵- همان، ج ۱۹، ص ۴۴۸.

ینصرکم... شما برای خدا کار کنید... برای خدا همه کارها را انجام بدهید».(۱)

(کار و تلاش ابزار پیشبرد نهضت

(کار و تلاش ابزار پیشبرد نهضت

«این نهضت را پیش ببرید، پیش بردن نهضت برای آن اشخاصی که در کارخانه ها کار می کنند این است که کار کنند، از کارشان ندزدند. آنهایی هم که در صحرا ها و در محل زراعت کار می کنند کار کنند... این نهضت باید این طور پیش برود. اگر شما توانستید که زراعت خودتان را و صنعت خودتان را و فرهنگ خودتان را و اینها را درست بکنید، این نهضت را تا یک حدودی پیش بردید».(۲)

(کار و کوشش عامل خودکفا شدن

(کار و کوشش عامل خودکفا شدن

«برادرها امروز روز کار است. هر کس در هر جا هست باید کار بکند. ما می خواهیم خودکفا باشیم، خودکفایی را با تبلیغات نمی شود کرد، با کار می شود کرد. رعیت باید کار بکند، کشاورز باید کشاورزی بکند، دامدارها باید دامداری بکنند و باغبان ها باید باغبانی بکنند و...».(۳)

(کار عامل استقلال و آزادی کشور

(کار عامل استقلال و آزادی کشور

«آنهایی که با این انقلاب راه دارند می روند، با این ملت راه دارند می روند، با این کشاورز و کارگر دارند راه می روند و می خواهند کشور را از قید و بند خارجی ها آزاد کنند، آزاد کردن هم به کار کردن است و کشاورزی کردن است و کار در کارخانه کردن است و کار در سایر جاها کردن».(۴)

(کار و کوشش اساس اقتصاد اسلامی

(کار و کوشش اساس اقتصاد اسلامی

۱- همان، صص ۲۰۱ و ۲۰۲.

۲- همان، ج ۱۲، ص ۱۷۵.

۳- همان، ج ۱۷، ص ۱۵۵.

۴- همان، ج ۱۲، ص ۱۹۴.

«در هر کشور، کارگر و کشاورزی اساس آن کشور هستند. اساس اقتصاد کشوری بسته به کار و کارگر و کشاورزی است، و مع الوصف این دو جلوه اقتصادی که اساس اقتصاد، کار آن دو گروه می باشد در زمان رژیم سابق شکست خورد.... شما کارگران محترم و کشاورزان محترم، شما برادران که اساس اقتصاد ایران دست شماست در سابق تحت نظارت طاغوت بودید و کارهای شما نادیده گرفته می شد، اما امروز ان شاءالله در رژیم اسلامی هستید و اسلام به کارگر و کشاورز بسیار اهمیت می دهد».(۱)

(قدردانی و تشویق به کار

(قدردانی و تشویق به کار

«بر دولت ها و دست اندرکاران است چه در نسل حاضر و چه در نسل های آینده که از متخصصین خود قدردانی کنند و آنان را با کمک های مادی و معنوی تشویق به کار نمایند و از ورود کالاهای مصرف ساز و خانه برانداز جلوگیری نمایند و به آنچه دارند بسازند تا خود همه چیز بسازند... .

که آنان چنانچه تجربه نشان داده جز تباهی شما و اغفالتان از سرنوشت کشورتان و چاپیدن ذخایر شما و به بند استعمار و ننگ وابستگی کشیدنتان و مصرفی نمودن ملت و کشورتان به چیز دیگر فکر نمی کنند».(۲)

(پرهیز از سستی و تزلزل

(پرهیز از سستی و تزلزل

«هر کاری را که انسان شروع می کند نمی شود که در همان روزهای اول هر کار را می خواهد انجام بگیرد... بعد از تصمیم هیچ به خودتان تزلزل و سستی راه ندهید. برای اینکه چنانچه انسان تصمیمی به یک امر گرفت ولی متزلزل باشد در اینکه آیا می تواند کار را آن چنان که می خواهد و آرزو دارد

۱- همان، ج ۷، ص ۲۰۹.

۲- صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۱۷.

عمل کند تصمیم گیری با این تزلزل نمی تواند کار را درست انجام بدهد. باید همان طور که شما تصمیم گرفتید جازم باشید [و] امیدوار باشید که این عمل را می توانید انجام دهید.

اگر بخواهید می توانید انجام بدهید... شما دیدید که کارهای بزرگی... در این کشور انجام گرفته است و تحول بزرگی پیدا شده است... این کار در عین حالی که بسیاری از این متفکرین و روشنفکرها احتمال اینکه بشود این کار انجام بگیرد، نمی دادند. مع ذلک چون ملت تصمیم گرفت و در تصمیمش جازم بود، متزلزل نبود، این کار انجام گرفت حال هم ان شاءالله باز مصمم باشد ملت، جازم باشد به اینکه به پیروزی نهایی می رسد، همین تصمیم و جازمیت او را به پیروزی خواهد رساند».(1)

(لزوم هماهنگی در کارها

(لزوم هماهنگی در کارها

«اینکه... در کارها هماهنگی وجود دارد کار بسیار خوب و صحیح است. زیرا تا امور آن گونه اجتماعی نباشد و همه افراد یک رویه و هدف را نداشته باشند، کارها پیش نمی رود... ما و ملت ما به یاری خداوند بنا داریم کاری بکنیم که آنها (امریکا) نتوانند مانع باشند و در این جهت لازم است افراد با علوم آشنا شوند... در هر صورت مسئولیت ما امروز زیاد است و باید خودمان مملکتمان را آباد کنیم و اگر این کار را نکنیم شکر خدا را به جای نیاورده ایم.»(2)

(مفید و سازنده بودن کارها

۱- صحیفه نور، ج ۱۴، صص ۶۰ و ۶۱.
۲- همان، ج ۱۷، ص ۱۰۱.

(مفید و سازنده بودن کارها

«هر گروهی که مشغول یک کاری هستند، این کار را خوب انجام بدهند، اختلال در کار پیدا نشود، کم کاری نباشد، اهمال کاری نباشد، اینها به سازش و ساختن ایران مضر است».(۱)

«همه قشرها وقتی آن کاری که دستشان هست خوب انجام بدهند یک مملکت خوب می شود... . این ملت وقتی همه شان دست به هم دادند، یعنی هر کدام در آن محلی که هست آنجا را خوب اداره بکند. باغبان باغ است باغ را خوب اداره بکند، کشاورز هم در صحرایی که هست کشاورزیش را خوب اداره کند».(۲)

«هر که در هرجا هست خوب کار کند، اسلامی کار کند، اتکایش به اسلام باشد».(۳)

«اگر همه اجزا این مملکت یا هر مملکت دیگری کاری که به آنها محول است خوب انجام بدهند مملکت آباد می شود.... امروز یک مملکتی است مال خودتان و همان طوری که هر نفری نسبت به عائله خودش موظف می داند اخلاقاً خودش را، شرعاً خودش را به اینکه اداره کند آن زندگی داخلی خودش را و از روی اخلاص عمل کند، الان مملکت از خود شما شده است و به منزله عائله شما هست. جمعیت مملکت باید با محبت و با اخلاص کار بکنید تا اینکه این آشفتگی ها ان شاءالله ترمیم بشود».(۴)

«باید همت کنید، برای ساختن یک کشوری که خرابه بود همت لازم دارد و مهم این است که افراد هر یک خودشان را مسئول بدانند هم مسئول

۱- همان، ج ۷، ص ۷۸.

۲- همان، ج ۷، ص ۱۴۹.

۳- همان، ج ۱۱، ص ۲۳۵.

۴- همان، ج۷، ص ۲۳۸

خودشان بداننـد هم مسئول کارهای دیگران. مسئول خودشان که کاری که به آنها محول می شود... خوب انجام بدهد و اگر چنانچه دید آن برادرش، آن رفیقش کارش را خوب انجام نمی دهد، مسئول او و هم هست باید او را هدایت کند».(۱)

(پرهیز از یأس و ناامیدی

(پرهیز از یأس و ناامیدی

«با اراده مصمم و فعالیت و پشتکار خود به رفع وابستگی ها قیام کنید و بدانید که نژادآریا و عرب از نژاد اروپا و امریکا و شوروی کم ندارد و اگر فردی خود را بیابد و یأس را از خود دور کند و چشمداشت به غیر خود نداشته باشد، در درازمدت قدرت همه کار و ساختن همه چیز را دارد و آنچه انسان های شبیه به اینان به آن رسیده اند، شما هم خواهید رسید به شرط اتکال به خداوند تعالی و اتکا به نفس و قطع وابستگی به دیگران و تحمل سختی ها برای رسیدن به زندگی شرافتمندانه و خارج شدن از تحت سلطه اجانب».(۲)

(نترسیدن از زیادی حجم کار

(نترسیدن از زیادی حجم کار

«هیچ گاه از حجم کار زیاد نترسید که کار هر قدر هم زیاد باشد در مقابل اراده انسان ناچیز است و اگر انسان بخواهد می تواند همه کارهای عظیم را با حجم هر قدر زیاد به انجام برساند».(۳)

(تناسب تحمل رنج ها با بزرگی هدف

۱- همان، ج ۱۰، ص ۱۶۰.

۲- همان، ج ۲۱، ص ۱۸۴.

۳- همان، ج ۱۷، ص ۱۱۰.

(تناسب تحمل رنج ها با بزرگی هدف

«به ملت شریف ایران وصیت می کنم که در جهان حجم تحمل زحمت ها و رنج ها و فداکاری ها و جان نثاری ها و محرومیت ها مناسب حجم بزرگی مقصود و ارزشمندی و علو رتبه آن است، آنچه شما ملت شریف و مجاهد برای آن به پا خاستید و دنبال می کنید و برای آن جان و مال نثار کرده و می کنید، والاترین و بالاترین و ارزشمندترین مقصدی است و مقصودی است که از صدر عالم در ازل و از پس این جهان تا ابد عرضه شده است و خواهد[شد] ... شما ای ملت مجاهد در زیر پرچمی می روید که در سراسر جهان مادی و معنوی در اهتزاز است بیابید آن را یا نیابید شما راهی را می روید که تنها راه تمام انبیاء و یکتا راه سعادت مطلق است. در این انگیزه است که همه اولیاء شهادت را در راه آن به آغوش می کشند و مرگ سرخ را احلی من العسل(شیرین تر از عسل) می دانند... .

وصیت من به همه آن است که با یاد خدای متعال به سوی خودشناسی و خودکفایی و استقلال با همه ابعادش به پیش، و بی تردید دست خدا با شما است اگر شما در خدمت او باشید و برای ترقی و تعالی کشور به روح تعاون ادامه دهید».(۱)

۳. حفظ وحدت و انسجام اسلامی

اشاره

۳. حفظ وحدت و انسجام اسلامی

یکی از توصیه های همیشگی حضرت امام خمینی رحمه الله حفظ وحدت و انسجام بین آحاد مردم و مسئولین نظام است. ایشان ضمن آنکه وحدت و یکپارچگی را رمز پیروزی انقلاب اسلامی معرفی می کنند، حفظ و تداوم آن را نیز مرهون این امر دانسته و بر آن تأکید می کنند. و همواره از تفرقه و

۱- صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۴۹.

اختلاف به عنوان سم مهلک یاد می نمایند چرا که سبب قطع عنایات الهی و ضرر مملکت و شکست اسلام و سیطره یابی دوباره دشمنان می شود:

(حفظ وحدت اجتماعی مایه آسیب نرسیدن به کشور

(حفظ وحدت اجتماعی مایه آسیب نرسیدن به کشور

آن روز آسیب خدای نخواسته به کشور ما و به ملت ما می رسد که این معنایی که در اول نهضت پیدا شد و سبب پیروزی شد، این معنا از بین برود یعنی به واسطه اختلافات و تشتتات و هواهای نفسانی طوری بشود که از آن معنای الهی که در بین ملت بود و موجب پیروزی شد تهی شود و در آن وقت دست رحمت الهی از سر این کشور خدای نخواسته برداشته بشود. کاری بکنید که این کلمه «ید الله مع الجماعه» از دستتان نرود و اگر جماعت ها باهم باشند و ایده اسلامی باشد دست خدا همراه شماست».(۱)

(وحدت کلمه رمز پیروزی و بقای انقلاب

(وحدت کلمه رمز پیروزی و بقای انقلاب

«بی تردید رمز بقای انقلاب اسلامی همان رمز پیروزی است و رمز پیروزی را ملت می داند و نسل های آینده در تاریخ خواهند خواند که دو رکن اصلی آن: انگیزه الهی... و اجتماع ملت در سراسر کشور با وحدت کلمه برای همان انگیزه و مقصد... در مقابل این انگیزه که رمز پیروزی و بقای آن است، فراموشی هدف و تفرقه و اختلاف است. بی جهت نیست که بوق های تبلیغاتی در سراسر جهان... تمام توان خود را صرف شایعه ها و دروغ های تفرقه افکن نموده اند. توصیه این جانب به مسلمین و خصوص ایرانیان به ویژه در عصر حاضر آن است که در مقابل این توطئه ها عکس العمل نشان داده به انسجام و وحدت خود به هر راه ممکن افزایش

۱- صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۱۸۷.

دهند و کفار و منافقان را مأیوس نمایند».(۱)

«تا مجتمع نشوید، تا دستتان را به هم ندهید، تا اخوت اسلامی را حفظ نکنید، نمی توانید در مقابل این قدرت ها بایستید».(۲)

«وقتی می توانیم در برابر همه دنیا بایستیم که نه به طرف «مغضوب علیهم» و نه به طرف «ضالین». به طرف صراط مستقیم عمل کنیم، ید واحده داشته باشیم، همه یک صدا، یک حلقوم و با هم مجتمع باشیم».(۳)

(حفظ وحدت، تکلیف شرعی

(حفظ وحدت، تکلیف شرعی

«... بر همه اقشار ملت در هر مکانی که هستیم واجب است، واجب الهی است که باهم پیوسته باشیم و با هم یکدست و یک دل و یک جهت برای ساختن این ایران... الان وقت سازندگی است که اهمیتش بیشتر از قدم اول است. امروز است که یک روز حساس است بر ملت ایران می گذرد بر کشور ما که باید همه باهم، هم صدا بدون هیچ اختلاف و بدون هیچ اغراض شخصیه قیام کنیم و این کشور را از سر و از نو بسازیم».(۴)

(محور وحدت حبل الله

(محور وحدت حبل الله

«دستور همان است که آیه شریفه [می فرماید]: «وَاعْتَصِمُواْ بِحَبْلِ اللّهِ جَمِیعًا وَلاَ». در آیه فقط امر به اجتماع نیست.... امر این است که با هم اعتصام به حبل الله بکنید. راه راه حق باشد و توجه به حق باشد و اعتصام به راه حق باشد. انبیاء نیامده اند که مردم را در امور با هم مجتمع کنند، انبیا آمده اند که همه آنها

۱- همان، ج ۲۱، ص ۴۰۴.

۲- همان، ج ۱۷، ص ۲۳۳.

۳- همان، ج ۱۹، ص ۱۹۴.

۴- همان، ج ۶، صص ۲۴۴ و ۲۴۵.

را در راه حق مجتمع کنند؛ یعنی این راهی است که از طبیعت شروع می شود و تا ماوراء الطبیعه... . اگر همه با هم مجتمع بشوند و این راه را بروند، دسته جمعی این راه را بروند این اداره امور دنیا را می کند و اداره امور آخرت را. هر دو را».(۱)

«شما آقایان که مردم را هدایت می کنید، همه را به وحدت کلمه دعوت کنید. خدای تبارک و تعالی امر فرموده است که «وَاعْتَصِمُواْ بِحَبْلِ اللّهِ» اجتماع کنید، لکن اجتماع با تشبث به حبل الله. هر اجتماعی مطلوب نیست «واعتصموا بحبل الله» مطلوب است. «اقرا بسم ربک». اسم رب همان ریسمانی است که همه باید به آن اعتصام کنیم. مردم را دعوت کنید به وحدت، دعوت کنید به این که گروه گروه نشوند».(۲)

(تقویت روحیه تعاون و همکاری

(تقویت روحیه تعاون و همکاری

«باید کار خوب شما را دیگران سرمشق قرار بدهند، کار بد دیگران را شما سرمشق قرار ندهید، اگر یک همچو روحیه ای در ملت پیدا شد و بحمدلله شده است، یک همچو مسائلی الان پیدا شده، یک همچو تعاونی الان در ملت ما هست و باید تقویت کرد این حس را.... این حس تعاونی است که اگر تقویت بشود این حس تعاون، به زودی این خرابی ها، اینها مرتب انشاء الله خواهد شد».(۳)

(سازندگی در گرو اتحاد

(سازندگی در گرو اتحاد

«صف های ما باید فشرده تر بشود. یک قشر نمی تواند این خرابی ها را ترمیم

۱- همان، ج ۸، ص ۱۵۵.

۲- همان، ج ۷، ص ۲۳۹.

۳- همان، ج ۱۱، ص ۲۴.

کنـد. همه بـا هم، تمام اقشار با هم به پیش. اگر چنانچه از این به بعـد سـستی بشود، خـدای نخواسـته این نهضت رو به سـستی برود، آنها در کمین اند و دشمن های ما دست بر نداشته اند».(۱)

(وحدت لازمه استقلال

(وحدت لازمه استقلال

«باید اتحادتان را حفظ کنید تا کشورتان اسـتقلال داشـته باشد تا شـریف باشـید. ما اگر سـر سـفره نان جوین داشـته باشیم بهتر اسـت تـا در پـارک هـای بزرگ زنـدگی کنیـم ولی از آنجـا دسـتمان بـه طرف دیگران دراز باشـد. شـرافت ایـن را اقتصـا می کند».(۲)

(اختلاف، سم قاتل ملت

(اختلاف، سم قاتل ملت

«تکلیف ما و تکلیف شـما این است که توجه بکنیم به این توطئه هایی که برای تفرقه است الآن؛ و آنها را خنثی کنیم. ... تحت تأثیر یک دست های خبیثی که الآن می خواهنـد این ملت را به هم بریزنـد و اسـتفاده کننـد و شـکست بدهند، تحت تأثیر اینها واقع نشویـد، از این اختلافات شخصـی و جزئی دست برداریـد. ... الآن این اختلافات بر خلاف رضای خـداست. این سمّ، قاتل برای ملت ماست. این تکلیف از من عرض کردن؛ و از شماها نمی دانم شنیدن یا نشنیدن».(۳)

«بر جمیع سـخنرانان، چه در محیط های باز و چه بسـته و تمام نویسـندگان، تکلیف حتمی شرعی است که حتی به طور اشاره و کنـایه، از گفتـار و نوشـته هـای اختلـف انگیز اجتنـاب نماینـد که امروز اختلاف برای امت اسـلامی، سم کشـنده است. و باید بدانند که ایجاد اختلاف در محیط حاضر،

۱- همان، ج ۵، ص ۱۶۵.

۲- همان، ج ۱۵، ص ۱۷۵.

۳- همان، ج ۸، ص ۴۶۸.

جز تبعیت از نفس اماره و شیطان درونی و خدمت به ابرقدرت ها خصوصاً امریکای جهان خوار، نیست. و از منکرات بزرگی است که شیطان به اسم اسلام، بر زبان ها و قلم ها جاری می کند و باید بدانند که انقلاب اسلامی تاب تحمل آن را ندارد و متخلف را مجازات خواهد کرد... سخنرانی های سالم و سازنده در محیط های سالم غیر متشنج، برای ایجاد وحدت و تفاهم و جلوگیری از اختلاف و تشنج، مفید و موجب رضای خداست».(۱)

(پرهیز از اختلاف به خاطر کمبودها

(پرهیز از اختلاف به خاطر کمبودها

«البته گرانی هست، کمبود هست، و بیشترین صدمه اش به کارمندان دولت می خورد، ولی باید تحمل کرد. اگر امروز گله هایمان به بازار، مجلس و دولت کشیده شود و این گله ها به اختلاف تبدیل گردد، همه مان مسئولیم».(۲)

(اختلاف موجب سلب عنایت الهی

(اختلاف موجب سلب عنایت الهی

«... با وحدت کلمه می توانند این جامعه را به سعادت خود برسانند. اختلاف کلمه شاید خدای نخواسته موجب این بشود که عنایت خاصه الهی خدا که بر شما سایه افکنده بود یک وقت خدای نخواسته برداشته بشود...».(۳)

(هشدار به احزاب و گروهها درباره اختلاف آفرینی ها

(هشدار به احزاب و گروهها درباره اختلاف آفرینی ها

«ای احزاب مختلف، ای گروه های مختلف! اگر شما برای کشور خودتان دلسوز هستید و برای ملتتان دلسوز هستید، باید بدانید که این ایجاد گروه های مختلف برای ملت سم قاتل است و کشور شما را باز به حال اول

۱- صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۲۵۴.

۲- همان، ج ۱۸، ص ۱۹۷.

۳- همان، ج ۶، صص ۱۹۰ و ۱۹۱.

خدای نخواسته برمی گرداند. ای اشخاصی که داد از ملیت می زنید، داد از دوستی با ملت می زنید، داد از دوستی با مستضعفین می زنید، این اظهار وجودها، این گروه گروه کردن ملت، موجب این می شود که ملت شما باز به حال اول برگردند. شما دارید رمز پیروزی ملت را از دست می دهید. شماها که حسن نیت دارید در تحت تأثیر شیاطینی که سوء نیت دارند واقع شده اید. خدای تبارک و تعالی می فرماید «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّه جَمیعاً وَ لَا تَفَرَّقُوا» امر به اجتماع و نهی از تفرق. شماها اجتماع مسلمین را به هم می زنید و موجب تفرقه می شوید. هواهای نفس را کنار بگذارید! با ملت در یک مسیر بروید. ... شما در این وقت، در وقتی که ما احتیاجمان به وحدت کلمه بیشتر است، موجب تفرق دارید می شوید. این خدمت به خلق است؟ این خدمت به کشور است؟ این گروه گروه شدن خدمت به انسانیت است؟ خدمت به مستضعفین است؟ یک قدری تأمل کنید. ... دست های خبیث اجانب در کار است که شما را ندانسته گروه گروه کند و مخالف با هم. آنهایی که می خواهند ما را بچاپند و ذخایر ما را ببرند و ما را به اسارت بکشند، مشاهده عینی کردند که دو چیز پیروزی برای ما آورده است و به این دو چیز حمله کردند: یکی ایمان، اسلام؛ یکی وحدت کلمه. با دست عمال خودشان این رمز پیروزی، که دارای دو جهت بود، به هر دو حمله کردند. در سطح وسیعی در ایران مشغول تفرقه افکندن شدند».(۱)

(دشمن در صدد ایجاد تفرقه

(دشمن در صدد ایجاد تفرقه

«شما الهی بشوید. وحدت پیدا بکنید. صفتان را واحد کنید. دشمن ها در

۱- همان، ج ۸، ص ۴۷۸.

کمین شما هستند، در کمین ملت ما هستند. دشمن ها حالا فهمیدند که وحدتی که در ایران پیدا شده است، آنها را شکست داد. الان بیشتر درصدد هستند برای اینکه چشیدند آن مزه ای را که وحدت داشت در بین ما. آنها عذاب او را چشیدند! الان درصدد ایند که شماها را متفرق کنند، از هم جدا کنند شما را خودتان را از هم جدا کنند، شما را از قشرهای دیگر جدا کنند».(۱)

«دشمن حمله نظامی نمی کند؛ زیرا می داند از حمله نظامی کاری ساخته نیست. آنها می خواستند از داخل خود ما ضربه ای بزنند، ولی دیدند نشد و نمی توانند، با این وجود دست از تبلیغات بر نداشتند، می خواهند به وسیله تبلیغات سوء، اتحاد ما را از بین ببرند. پس شما هر چه می توانید بیشتر هماهنگ شوید، همه یک هدف را دنبال کنید».(۲)

۴. رعایت احکام الهی و اجرای مقررات اسلامی

اشاره

۴. رعایت احکام الهی و اجرای مقررات اسلامی

حضرت امام رحمه الله تحقق تمام اهداف انقلاب اسلامی را در سایه پای بندی به احکام و مقررات اسلامی میسر می دانند و بر این اساس معتقدند که اگر قوانین و احکام الهی اسلام در جامعه پیاده و اجرا شود، زمینه دست یابی به یک اقتصاد مترقی فراهم خواهد شد.

(لزوم عمل به قانون اسلامی

(لزوم عمل به قانون اسلامی

«احکام اسلامی، اعم از قوانین اقتصادی و سیاسی و حقوقی تا روز قیامت باقی و لازم الاجراست. هیچ یک از احکام الهی نسخ نشده، از بین نرفته است».(۳)

ص:۱۲۶

۱- همان، ج ۵، ص ۱۶۶.
۲- همان، ج ۱۶، ص ۱۱۴.
۳- شئون و اختیارات ولی فقیه، ص ۲۳.

«ما موظفیم... همه طبق جمهوری اسلامی عمل کنیم. جمهوری اسلامی یعنی اینکه رژیم به احکام اسلامی و به خواست مردم عمل کند... مقصود این است که در حکومت اسلام، اسلام و قانون اسلام حکومت کند. اشخاص برای خودشان و به فکر خودشان حکومت نکنند. ما می خواهیم احکام اسلام جریان پیدا کند. احکام خدای تبارك و تعالی حکومت کند. در اسلام حکومت حکومت قانون است حتی حکومت رسول الله و حکومت امیرالمومنین حکومت قانون است؛ یعنی قانون خدا آنها را تعیین کرده است. آنها به حکم قانون واجب الاطاعه هستند. پس حکم از آن قانون خداست و قانون خدا حکومت می کند. در مملکت اسلامی باید قانون خدا حکومت کند و غیر قانون خدا هیچ حکومتی ندارد... هیچ حا در حکومت اسلامی نمی بینید که خودسری باشد، حتی رسول الله از خودشان رأیی نداشتند، رأی رأی قرآن بوده است، وحی بوده، هر چی می فرموده از وحی سرچشمه می گرفته است... همین طور که حکومت هایی که حکومت اسلامی هستند آنها تابع قانونند، داعی آنها قانون اسلامی است. حکومتشان حکومت الله...».(۱)

(خضوع در برابر احکام اسلام

(خضوع در برابر احکام اسلام

«وصیت من به مجلس و شورای نگهبان و دولت و رئیس جمهور و شورای قضایی، آن است که در مقابل احکام خداوند متعال خاضع بوده و تحت تاثیر تبلیغات بی محتوای قطب ظالم و چپاولگر سرمایه داری و قطب ملحد

۱- صحیفه نور، ج ۷، صص ۲۰۱ و ۲۰۲.

اشتراکی و کمونیستی واقع نشوند و به مالکیت و سرمایه های مشروع با حدود اسلام احترام بگذارند... . اسلام .... دستوراتی داده است که نظام اقتصادی اسلام را و نیز روابط اقتصادی در جامعه اسلامی را از روابط و نظام اقتصادی سرمایه داری امروز دنیا جدا می کند. و اگر این حدود و شرایط مراعات شود جامعه نه مشکلات و نابرابری های دنیای سرمایه داری امروز را پیدا می کند و نه دولت اسلامی به بهانه های مختلف هر گونه آزادی را از انسان ها سلب می کند.

در اینجا باید نظام اقتصاد اسلام را در مجموعه قوانین و مقررات در کلیه زمینه ها و شئون فردی و اجتماعی ملاحظه کرد....».(۱)

(توجه و عنایت به همه احکام خدا

(توجه و عنایت به همه احکام خدا

«... چون اسلام برای تربیت ماها آمده است تا تبعیت از آن نکنیم به همه ابعادش تربیت نمی شویم.... انسان معنویات دارد، مادیات دارد... شما باید عنایت کنید به همه احکام خدا. نمی شود یک مسلمانی بگوید که من مجاهداتش را قبول دارم و معنویاتش را قبول ندارم یا یک مسلمانی بگوید من معنویات اسلام را قبول دارم و مجاهدات اسلام را قبول ندارم. همه اش را باید ما قبول داشته باشیم. مسلمان این است که همه چیزهایی که نبی اکرم آورده است برایش، قبول کند و عمل کند».(۲)

(قوانین اسلام ضامن رشد و عظمت ملت ها

(قوانین اسلام ضامن رشد و عظمت ملت ها

«با کمال جد و عجز از ملت های مسلمان می خواهم که از ائمه اطهار و

۱- همان، ج ۱۷، ص ۱۶۲.

۲- همان، ج ۲، صص ۲۲۹ و ۲۳۰.

فرهنگ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی این بزرگ راهنمایان عالم بشریت به طور شایسته و به جان و دل و جان فشانی و نثار عزیزان پیروی کنند. از آن جمله دست از فقه سنتی که بیانگر مکتب رسالت و امامت است و ضامن رشد و عظمت ملت ها است چه احکام اولیه و چه ثانویه که دو مکتب فقه اسلامی است، ذره ای منحرف نشوند و به وسواس خناسان معاند با حق و مذهب گوش فرا ندهند و بدانند قدمی انحراف، مقدمه سقوط مذهب و احکام اسلامی و حکومت عدل الهی است».(۱)

) اجرای مقررات لازمه ترقی و پیشرفت

) اجرای مقررات لازمه ترقی و پیشرفت

«بدیهی است هر اندازه ملت و حکومت طبق موازین اسلامی و برای خدا عمل کنند تدریجاً نقایص خود را بیشتر برطرف می کنند و دائماً در کمال و ترقی بیشتری قرار خواهند گرفت و در مجموع جامعه به ارزش های خدایی بیشتر نزدیک می شود و این سیر نهایت ندارد».(۲)

) حاکمیت اسلام لازمه اقتصاد مستقل

) حاکمیت اسلام لازمه اقتصاد مستقل

«...پیاده کردن مقاصد اسلام در جهان، و خصوصاً برنامه های اقتصادی آن، و مقابله با اقتصاد بیمار سرمایه داری غرب و اشتراکی شرق بدون حاکمیت همه جانبه اسلام میسر نیست. و ریشه کن شدن آثار سوء و مخرب آن، چه بسا بعد از استقرار نظام عدل و حکومت اسلامی همچون جمهوری اسلامی ایران نیازمند به زمان باشد».(۳)

) فرهنگ اسلامی پیش نیاز استقلال

ص:۱۲۹

۱- همان، ج ۲۱، ص ۱۷۳.

۲- همان، ج ۴، ص ۱۹۱.

۳- همان، ج ۲۰، ص ۲۸.

(فرهنگ اسلامی پیش نیاز استقلال

«بی شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ در جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می دهد و با انحراف فرهنگ هر چند جامعه در بعد های اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد، ولی پوچ و پوک و میان تهی است. اگر فرهنگ جامعه ای وابسته و مرتزق از فرهنگ مخالف باشد ناچار دیگر ابعاد آن جامعه به مخالف گرایش پیدا می کند و بالاخره در آن مستهلک می شود و موجودیت خود را در تمام ابعاد از دست می دهد. استقلال و موجودیت هر جامعه از استقلال فرهنگ آن نشئت می گیرد».(۱)

(اجرای مقررات راه حل معضلات

(اجرای مقررات راه حل معضلات

«... هدف اساسی این است که ما چگونه می خواهیم اصول فقه را در عمل فرد و جامعه پیاده کنیم و بتوانیم برای معضلات جواب داشته باشیم و همه ترس استکبار از همین مسئله است که فقه و اجتهاد جنبه عینی و عملی پیدا کند و قدرت برخورد در مسلمانان به وجود آید».(۲)

(رفاه و آسایش در سایه احکام اسلام

(رفاه و آسایش در سایه احکام اسلام

«اگر شما یک حکومت عدلی بخواهید، یک حکومت انصافی بخواهید، بخواهید که در رفاه باشید، بخواهید که فقرای شما در رفاه باشند، بخواهید که اغنیا به شما ظلم نکنند، بخواهید که دولت ها به شما ظلم نکنند و ...اگر

ص:۱۳۰

۱- صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۲۴۳.

۲- صحیفه نور، ج ۲۱، صص ۹۸ و ۹۹.

یک همچو چیزی را بخواهید، رای بدهید به جمهوری اسلامی تا اینکه ان شاء الله اسلام و احکام اسلام پیاده بشود».(۱)

«احکام اسلام برای همه خوب است، احکام اسلام برای همه حتی اقلیت های مذهبی به قدری رفاه خواهد ایجاد کرد که اینها خوابش را نمی بینند».(۲)

«من امیدوارم که ... این مملکت به پیش برود و احکام اسلام در او جاری بشود و رفاه همه مسلمان ها و همه کسانی که در کشور اسلامی سکونت دارند حاصل بشود.(۳)

اسلام ان شاءالله در این محیط پیاده بشود و ما آن رفاهی که در اسلام و آن طمأنینه ای که در اسلام برای افراد حاصل خواهد شد، حاصل کنیم در این کشور».(۴)

«مقصد این است که اسلام، احکام اسلام، احکام جهانگیر اسلام زنده بشود و پیاده بشود و همه در رفاه باشند».(۵)

(تخلف از مقررات، خیانت به اسلام و محرومین

(تخلف از مقررات، خیانت به اسلام و محرومین

«در تمام این امور آنچه لازم است بدون مسامحه عمل شود و موافق بودن قوانین مربوط به امور و سایر امور کشور با قوانین مقدس اسلام است اعم از احکام اولیه و احکام ثانویه است. اگر جزئی انحراف خدای نخواسته در این مجلس از شرع اسلام پیدا شود سنت سیئه ای خواهد شد که دنبال آن

۱- همان، ج ۵، ص ۱۴۹.
۲- همان، ج ۱۱، ص ۲۳.
۳- همان، ج ۱۳، ص ۲۷.
۴- همان، ج ۱۴، ص ۱۸۳.
۵- همان، ج ۶، ص ۲۲.

سنت های سیئه دیگر خواهد آمد و وزر و گناه آن و گناه هر کس که به آن عمل کند به گردن آنان است... کسی گمان نکند که به نفع محرومین و خدمت به آنان اگر به طور غیر مشروع هم باشد مانع ندارد که این انحراف و خیانت به اسلام و جمهوری اسلامی، بلکه به محرومین است که از مال حرام و غضب و با ظلم به دیگران آنان را مبتلا به آتش جهنم کنند. اینجانب گمان ندارم که در کشوری که همه چیز خود را برای اسلام و اجرای قوانین اسلامی فدا کرده چنین مسائلی واقع شود....».(۱)

(اجرای مقررات اسلام تامین کننده عدالت

(اجرای مقررات اسلام تامین کننده عدالت

«دولت باید روی رویه اسلام باشد، روی رویه اسلام به همان دو معنا، به همان دو راهی که اسلام دارد، حفظ معنویات و تقویت معنویات مردم و اقامه عدل بینشان و نجات دادن مظلومان از دست ظالمان... اسلام برای این دو جهت آمده است و ما تابع اسلامیم و باید این دو جهت را حفظ کنیم. مقررات اسلام را به حد اعلای خودش، که اگر مقررات اسلامی به حدی اعلای خودش حفظ شود این دو مقصد که مقصد همه انبیاست تحقق پیدا می کند مقصد روحانیت مردم و مقصد عدل در بین جامعه».(۲)

«اسلام به قانون نظر آلی دارد، یعنی آن را آلت و وسیله تحقق عدالت در جامعه می داند، وسیله اصلاح اعتقادی و اخلاقی و تهذیب انسان می داند. قانون برای اجرا و برقرار شدن نظم عادلانه اجتماعی، به منظور پرورش انسان مهذب است».(۳)

(هشدار نسبت به تبلیغات منفی علیه مقررات اسلامی

ص:۱۳۲

۱- همان، ج ۱۹، ص ۶.

۲- همان، ج ۱۸، ص ۳۳.

۳- ولایت فقیه، حکومت اسلامی، ص۸۲.

(هشدار نسبت به تبلیغات منفی علیه مقررات اسلامی

«از توطئه های مهمی که در قرن اخیر خصوصاً در دهه های معاصر و به ویژه پس از پیروزی انقلاب، آشکارا به چشم می خورد تبلیغات دامنه دار با ابعاد مختلف برای مأیوس نمودن ملت ها و خصوص ملت فداکار ایران از اسلام است. گاهی ناشیانه و با صراحت به اینکه احکام اسلام که هزار و چهارصد سال قبل وضع شده است نمی تواند در عصر حاضر کشورها را اداره کند یا آنکه اسلام یک دین ارتجاعی است و با هر نوآوری و مظاهر تمدن مخالف است و در عصر حاضر نمی شود کشورها از تمدن جهانی و مظاهر آن کنار گیرند».(۱)

۵. توسعه مراکز علمی و تربیت نیروی انسانی صالح و کارآمد

اشاره

۵. توسعه مراکز علمی و تربیت نیروی انسانی صالح و کارآمد

در انجام هرکاری و در دست یابی به هر هدفی نیازمند افراد متخصص و کاردان و توانا هستیم. حضرت امام رحمه الله ضمن تأکید بر این اصل، سفارش موکد می کنند که در به کارگیری افراد به صالح و امین و دلسوز بودن آنها هم توجه شود. چرا که تحقق اهداف انقلاب اسلامی تنها با وجود افراد کارآمد میسر نیست. چه بسا افراد کاردانی که چون از تهذیب و تربیت لازم برخوردار نیستند، تحت تأثیر تهدید یا تطمیع دشمنان از مسیر درست منحرف شده و در نهایت موجب بروز مشکلاتی در روند انجام کارها و تحقق اهداف شوند.

(لزوم اصلاح مراکز تعلیم و تربیت

(لزوم اصلاح مراکز تعلیم و تربیت

«اصلاح و اداره مملکت با تعلیم و تربیت صحیح نسل آینده است».(۲)

«اگر آدم بسازیم مملکت ما نجات پیدا می کند. همیشه آدم ها هستند که

۱- وصیت نامه امام، ص ۹.

۲- صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۱۰۹.

مقدرات کشورها را در دست می گیرند».(۱)

«از امور بسیار بااهمیت و سرنوشت ساز مسئله مراکز تعلیم و تربیت از کودکستان ها تا دانشگاه ها است... . باید ملت غارت شده بدانند که در نیم قرن اخیر آنچه به اسلام و ایران ضربه مهلک زده است، قسمت عمده اش از دانشگاه ها بوده است. اگر دانشگاه ها و مراکز تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان و جوانان جریان داشتند، هرگز میهن ما در حلقوم انگلستان و پس از آن آمریکا و شوروی نمی رفت... اگر مجلس و دولت و قوه قضاییه و سایر ارگان ها از دانشگاه های اسلامی و ملی سرچشمه می گرفت، ملت ما امروز گرفتار مشکلات خانه برانداز نبود».(۲)

(تربیت انسان های شایسته وظیفه دانشگاه ها

(تربیت انسان های شایسته وظیفه دانشگاه ها

«دانشمندان باید به طور شایسته دانش خود را، دانش خودشان را به دانشجویان منتقل بکنند و دانشگاه که در رأس امور است و تقدیرات یک کشوری، مقدرات یک کشوری بسته به وجود آنهاست باید جدیت بکنند که روی خودشان را از غرب و شرق برگردانند و به صراط مستقیم، به سوی کعبه آمال، به سوی خدای تبارک و تعالی توجه کنند و جوانان را بسازند برای آتیه این کشور و من امیدوارم که همه ما موفق بشویم به خدمت».(۳)

«اگر بخواهید ملت شما نجات پیدا کند، در فرهنگ و در دانشگاه ها باید اصلاح فرهنگ صورت بگیرد. وظیفه است و لازم اینکه این مغزهایی که در طول پنجاه و چند سال حکومت و سلطه اجانب، غربزده شده اند، نجات بدهید...».(۴)

(راه خودکفایی تربیت افراد کاردان و متعهد

۱- صحیفه امام، ج ۷، ص ۴۲۷.

۲- صحیفه نور، ج ۲۱، ص۱۹۲.

۳- همان، ج ۱۷، ص ۱۵۵.

۴- صیحفه امام، ج ۱۰، ص ۳۵۶.

(راه خودکفایی تربیت افراد کاردان و متعهد

«مهم ترین عامل در کسب خودکفایی و بازسازی، توسعه مراکز علمی و تحقیقات و تمرکز و هدایت امکانات و تشویق کامل و همه جانبه مخترعین و مکتشفین و نیروهای متعهد و متخصصی است که شهامت مبارزه با جهل را دارند و از لاک نگرش انحصاری علم به غرب و شرق درآمده و نشان داده اند که می توانند کشور را روی پای خود نگه دارند. انشاء الله این استعدادها در پیچ و خم کوچه های اداره ها خسته و ناتوان نشوند».(۱)

«عامل اصلی وجود تعداد کافی از افرادی است که با روحیه سرشار از جوش و خروش برای تولید، و آماده و مصمم برای قبول خطر، به تولید و ارائه کالای جدید بپردازند و به این اکتفا نکنند که راه گذشتگان را ادامه داده اند. و حتی اگر لازم شد با آن دسته از افرادی که مخالف تغییراتند، مبارزه کنند».(۲)

(لزوم زنده نگه داشتن روحیه استقلال خواهی و خودکفایی در جوانان

(لزوم زنده نگه داشتن روحیه استقلال خواهی و خودکفایی در جوانان

«من در این جا به جوانان عزیز کشورمان، به این سرمایه ها و ذخیره های عظیم الهی، و به این گل های معطر و نوشکفته جهان اسلام سفارش می کنم که قدر و قیمت لحظات شیرین زندگی خود را بدانید و خودتان را برای یک مبارزه علمی و عملی بزرگ تا رسیدن به اهداف عالی انقلاب اسلامی آماده کنید. و من به همه مسئولین و دست اندرکاران سفارش می کنم که به هر شکل ممکن وسایل ارتقای اخلاقی و اعتقادی و علمی و هنری جوانان را فراهم سازید و آنان را تا مرز رسیدن به بهترین ارزش ها و نوآوری ها همراهی کنید و روح

۱- صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۳۸.

۲- مقالات اولین کنگره بررسی اندیشه های اقتصادی امام خمینی=، ص ۱۸۹.

استقلال و خودکفایی را در آنان زنده نگه دارید... ان شاء الله در شرایط بهتر زمینه کافی برای رشد استعداد و تحقیقات را در همه امور فراهم می سازیم. مبارزه علمی برای جوانان ، زنده کردن روح جستجو و کشف واقعیت ها و حقیقت هاست...».(۱)

(انسان سازی مقصد اسلام و انبیا

(انسان سازی مقصد اسلام و انبیا

«مقصد اسلام و مقصد همه انبیا این است که آدم ها را تربیت کنند، صورت های آدمی را، آدم معنوی و واقعی کنند. مهم در نظر انبیاء این است که انسان درست بشود، اگر انسان تربیت شد، همه مسائل حل است. یک مملکتی که دارای انسان مهذب است، تمام مطالبش حل است. انسان آگاه مهذب، همه ابعاد سعادت را برای کشور تأمین می کند. انسانی که ایمان به خدای تبارک و تعالی دارد، انسانی که متعهد است، انسانی که مهذب است دست ظالم را کوتاه می کند».(۲)

«جوان هایتان را تربیت کنید به یک تربیتی که فعال باشد...دانشگاه باید عالم درست کند، دانشگاه باید اشخاصی را درست کند که مملکت خودش را اداره کند از حیث علمیت، اداره کند از حیث فرهنگ...».(۳)

«از حالا باید شروع بکنیم برای انسان سازی.... متفکرین ما فکر بکنند، نقشه بکشند تا اینکه باز یک انسان هایی ما درست بکنیم، بعد از چند سال بتوانیم که درست این مملکت را اداره کنیم».(۴)

«اگر این فرهنگ یک فرهنگ مستقلی باشد، در بین اینها تربیت می شوند یک

۱- صحیفه نور، ج ۲۰، صص ۲۴۱ و ۲۴۲.

۲- همان، ج ۷، صص ۱۵ و ۱۶.

۳- همان، ج ۱۱، صص ۱۹۷ و ۱۹۸.

۴- همان، ج ۵، ص ۲۷۲.

جوان هایی و یک رجالی، اگر اینها تربیت بشوند و لامحاله مقدرات مملکت دست اینها می افتد، باز هم مانع می شود اینکه اینها برسند به آمال خودشان...».(۱)

(تربیت انسان های مستقل و خودباور

(تربیت انسان های مستقل و خودباور

«اول چیزی که بر ملت لازم است و بر دانشگاه ها لازم است و بر دانشکده ها لازم است و بر همه ملت لازم است این است که این مغزی که حالا شده است یک مغز اروپایی یا یک مغز شرقی، این مغز را بردارند یک مغز انسان خودمانی، انسان ایرانی ــ اسلامی... جایش بنشانیم تا از این وابستگی فرهنگی و وابستگی فکری بیرون بیاییم. اگر ما از وابستگی فکری بیرون بیاییم، همه وابستگی ها تمام می شود. این که ما وابسته شدیم، در اقتصاد وابسته هستیم، در فرهنگ وابسته هستیم، در همه چیز وابسته هستیم مبدأ این همین است که در فکر وابسته هستیم».(۲)

«نگذاشتند که ما این استعدادهایی که داریم و جوان های ما استعداد هایی که دارند رشد کنند، از همه اطراف ما را وابسته کردند .... و تا این وابستگی فکری هست ما نمی توانیم استقلال پیدا کنیم، هیچ نحو استقلالی حاصل نمی شود الا اینکه ما خودمان را بشناسیم».(۳)

(مجهز شدن جوانان به سلاح علم و دین

(مجهز شدن جوانان به سلاح علم و دین

«باید چه طبقه جوان و روحانی و دانشگاهی، با کمال جدیت به تحصیل علم

۱- همان، ج ۲، ص ۱۶۳.

۲- همان، ج ۹، ص ۱۷۴.

۳- همان، ص ۲۵۶.

هر یک در محیط خود ادامه دهند. این زمزمه بسیار ناراحت کننده که اخیراً بین بعضی جوانان شایع شده که درس خواندن چه فایده ای دارد، مطلبی است انحرافی و مطمئناً یا از روی جهالت و بی خبری است و یا با سوء نیت و از القائات طاغوتی شیطانی است... اگر دانشگاه ها خالی از مردانی دانشمند و متخصص شوند، اجانب منفعت طلب چون سرطان در تمام کشور ریشه دوانده و زمام امور اقتصادی و علمی ما را به دست می گیرند و سرپرستی می کنند. باید جوانان ما با این فکر غلط استثماری مبارزه کنند و بهترین و موثرترین راه مبارزه با اجنبی، مجهز شدن به سلاح علم دین و دنیاست و خالی کردن این سنگر و دعوت به خلع این سلاح، خیانت به اسلام و مملکت اسلامی است».(۱)

(ضرورت توسعه و اصلاح مراکز آموزشی و دانشگاه ها

(ضرورت توسعه و اصلاح مراکز آموزشی و دانشگاه ها

«اکنون که با تأییدات خداوند متعال و عنایت و دعای حضرت بقیه الله روحی لمقدمه الفداء دانشگاه ها و مدارس عالی کشور کار خود را در سطح وسیعی شروع کرده اند و حرکت سازندگی با تمام ابعادش در کشور اسلامی روبه گسترش است و مغزهای متعهد و متخصص به فعالیت های پر ارج خود ادامه می دهند، با اخراج کارشناسان خائن اجنبی و فرار کارشناسان غرب و شرق زده که کشور را وابسته به خارج در تمام ابعاد نموده بودند، نیاز مبرم به متخصصان متعهد و اسلام شناسان متخصص و مغزهای متفکر وطن خواه و نیروهای فعال ماهر و اساتید و مربیان و معلمان معتقد به اسلام و استقلال کشور در تمام کشور محسوس و در علوم دانشگاهی و فرهنگ مترقی محسوس تر می باشد و ضرورت توسعه و اصلاح مراکز

۱- همان، ج ۲، صص ۲۰ و ۲۱.

آموزشی و انقلاب فرهنگی به معنای واقعی هر روز روشن تر می گردد».(۱)

«آنکه ما اصرار داریم به این که دانشگاه که مغز متفکر یک ملت است باید از وابستگی های به شرق و غرب کنار برود و نمی شود که کنار برود الا ـ اینکه فرم اسلامی را پیدا کند... ما می خواهیم متخصصینی در دانشگاه تربیت بشوند که برای ملت خودشان باشند نه برای کشاندن دانشگاه به طرف شرق یا به طرف غرب.... ما می خواهیم این علم و صنعت و همه چیزها در خدمت ملت باشد، نه در خدمت اجانب. تخصصی که در خدمت اجانب است ضررش از همه چیزها بالاتر است... آن علم، علم مضر است، آن علمی است که برای ملت ها هلاکت می آورد... ما می خواهیم یک دانشگاهی داشته باشیم در خدمت خود ملت، در خدمت خود ایران، نه دانشگاهی داشته باشیم که در شعار این باشد که ما می خواهیم که ایران متمدن آباد داشته باشیم و رو به دروازه تمدن برویم و وقتی که واقعیتش را دیدیم و دیدید از همه جهات وابسته بودیم. ما با دانشگاهی که ما را وابسته به خارج بکند، هر خارجی می خواهد باشد، ما با آن دانشگاه از اساس مخالفیم. ما دانشگاهی می خواهیم که ما را از وابستگی ها بیرون بیاورد، ما را مستقل بکند، تمام کشور ما را مستقل کند و از وابستگی ها خارج کند... ما اساتید دانشگاهی را می خواهیم که آن اساتید بتوانند مغزهای جوانان ما را مستقل بار بیاورند...».(۲)

(اسلام دین تخصص و علم

(اسلام دین تخصص و علم

«ما متخصص می خواهیم و اسلام با تخصص موافق است و اسلام در رأس

۱- همان، ج۱۹، صص ۸۰.

۲- همان، ج ۱۴، صص ۲۳۳ و ۲۳۵.

ادیانی است که از علم و تخصص تمجید کرده و مردم را دعوت کرده است، حتی دعوت کرده است که هر جا یافتید علم را، حتی از هر کافری یافتید، آن را بگیرید، اما باید بگیرید و در خدمت اسلام و کشور باشد، نه علم را بگیرید و بر ضد کشور خودتان استعمال کنید... ما با تخصص هیچ مخالفتی نداریم و آن چیزی که ما با آن مخالفیم وابستگی مغزهای جوانان ما به خارج، شرق و غرب است».(۱)

«شما سعی کنید از متخصصین متدین و متعهد استفاده کنید. ما بارها گفته ایم که ما متخصص می خواهیم، ولی متخصص متعهد، ولی دشمنان فریاد زدند که اینها با تخصص مخالفند. البته که متخصص منحرف از هر کسی خطرناک تر است».(۲)

(تخصص و تعهد دو شاخصه نیروهای کارآمد

(تخصص و تعهد دو شاخصه نیروهای کارآمد

«اگر شما تخصصی پیدا می کنید باید آن بعد زهد و تعهد را در نظر داشته باشید، زیرا متخصص بدون تعهد اگر برای رژیمی ضرر نداشته باشد، نفعی هم ندارد».(۳)

۶. حفظ آرامش، نظم و امنیت اقتصادی

اشاره

۶. حفظ آرامش، نظم و امنیت اقتصادی

لازمه ایجاد تحول اساسی در عرصه فعالیت های اقتصادی فراهم کردن بسترهای پیشرفت اقتصادی است. از جمله اموری که به عنوان پیش شرط در برداشتن گام های پیشرفت اقتصادی ضروری است همانا ایجاد نظم و

۱- همان، ج ۱۴، صص ۲۳۳ و ۲۳۵.

۲- همان، ج ۱۵، ص ۱۹۲.

۳- همان، ج ۱۷، ص ۲۴۱.

آرامش در محیط های کاری و امنیت اقتصادی در اذهان کارآفرینان و سرمایه گذاران است. حضرت امام رحمه الله در مجموعه رهنمودهایشان بارها به این مسئله اشاره می کنند.

(همه چیز در سایه آرامش

(همه چیز در سایه آرامش

«اگر آرامش نباشد کشاورزی نخواهد بود، اگر آرامش نباشد صنعت نخواهد راه افتاد، اگر آرامش نباشد اصلاحاتی که باید بشود و برای مستضعفین عمل بشود، نخواهد بود».(۱)

ما الان مبتلا هستیم به گرفتاری های زیاد، به خرابی های زیاد که باید با دست قدرتمند تمام «طبقات...رفع بشود، کوشش کنید که آرامش پیدا بشود در کشورتان. دنباله های رژیم با اسم های مختلف می خواهند آرامش نگذارند تحقق پیدا کند چون می بینند با آرامش ملت به حقوق خود می رسد و دست آنها کوتاه می شود».(۲)

(حفظ آرامش و مراعات نظم در هر جا وظیفه ملی

(حفظ آرامش و مراعات نظم در هر جا وظیفه ملی

«تمام سراسر کشور، آنهایی که مشغول یک کار تولیدی هستند، اینها تمام، امروز هر کاری بکنند برای کشور خودشان و برای ملت خودشان است و باید با کمال فداکاری کارها را انجام بدهند و حفظ نظم را در همه جا بکنند».(۳)

«یک مطلب مهمی که باید کارگران کارخانه ها، کارگران معادن و همه کارگران در هر جا که

۱- همان، ج ۱۴، ص ۱۸۲.
۲- همان، ج ۶، ص ۱۹۰.
۳- همان، ج ۱۴، ص ۳۷.

هستند و کارمندان در هر جای کشور هستند، توجه به آن بکنند و آن این است که نظم را در هر جا که هست مراعات کنند».(۱)

«آن چیزی که برای ما مهم است آرامش است در همه جا در سطح کشور، در بین کشاورزان، در بین کارخانه ها، در بین صاحبان صنایع».(۲)

«در هر صورت همه قشرها الان موظفند که کوشش کنند برای حفظ آرامش و فعالیت کنند، بی کار ننشینند، فعالیت بکنند، کار بکنند، تا این که مملکت خودشان را نجات بدهند».(۳)

(سلب آرامش، خیانت به جمهوری اسلامی

(سلب آرامش، خیانت به جمهوری اسلامی

«کسانی که می خواهند.... یک جنجالی بپا کنند، آنها را نپذیرند و از تبلیغات سوء آنها بر حذر باشند. امروز هر دعوت به بی کاری و کم کاری و هر دعوت به اعتصاب، خیانت به این کشور است و خیانت به جمهوری اسلامی. امروز مثل دیروز نیست که دعوت می شدید شما به اعتصاب...امروز عکس آن روز است. دعوت به اعتصاب، دعوت به کم کاری، دعوت به جنجال، دعوت به کارهای مخالف اسلام، به ضرر خود شما و به ضرر کشور شماست. پس شما باید بیدار باشید و همه کارکنان و کارمندان در هر جای از کشور هستند باید بیدار باشند که دعوت های به اعتصاب را، دعوت های به کم کاری و بی کاری را، دعوت های به جنجال و امور خلاف نظم را نپذیرند، کنار بزنند آن اشخاصی را که می خواهند شما برای ملتتان کار نکنید. این یک امر کلی است برای شما».(۴)

(پیروزی نهضت نیازمند حفظ آرامش

ص:۱۴۲

۱- همان، ج ۱۴، ص ۳۶.

۲- همان، ص ۱۸۴.

۳- همان، ج ۱۰، ص ۷۱.

۴- همان، ج ۱۴، ص ۳۷.

(پیروزی نهضت نیازمند حفظ آرامش

«ما الان در ایران احتیاج به آرامش داریم. اگر ما بخواهیم که این نهضت پیروز بشود، باید ما آرامش این مملکت را حفظ کنیم. باید همه قشرها متوجه باشند که آرامش را حفظ بکنند. نباید به جان هم بیفتند و باید همه دلشان را یکی کنند».(۱)

(آرامش لازمه سرمایه گذاری

(آرامش لازمه سرمایه گذاری

«... مردم باید در خانه هایشان مطمئن باشند، در زندگی شان، کسب و تجارتشان اطمینان داشته باشند. دولت اسلامی موظف است مردم را مطمئن نماید در همه چیز، در سرمایه هایشان، در کسب و کارشان. دولت حق ندارد به آنها تعدی نماید و اگر کسی تعدی کرد تأدیب خواهد شد. واز آن طرف هم اگر کسانی که مخالف اسلام هستند بخواهند تجاهر به فسق نمایند، آنها هم تادیب خواهند شد... تا در داخل ملت یک کرم زدگی پیدا نشود خارجی ها نمی توانند کاری انجام دهند و بحمدلله امروز ما از داخل اطمینان داریم و با این اطمینان باید به مردم خدمت کنیم و دیگر نباید بگوییم حال انقلاب است، نه. دیگر حال آرامش است. حال خدمت به مردم و جامعه است. حال خدمت به اسلام است. حال این است که مردم مطمئن باشند و نسبت به همه چیزشان اطمینان داشته باشند، سرمایه هایشان را به کار انداخته و نسبت به آن اطمینان داشته باشند. باید کاسب نسبت به کسبش و اداری نسبت به اداره اش اطمینان داشته باشد. دیگر هیچ کس از آمدن به وطن خود نترسد. بیایند و بفهمند که در اینجا مسئله نیست. با کمال آرامش مشغول به کار شوند و نترسند از این که یک وقت سرمایه هایشان را

۱- همان، ج ۱۲، ص ۲۰۹.

می گیرند. خیر ما بر آن نیستیم که سرمایه مردم گرفته شود. سرمایه مردم مال خودشان است، آن را به کار بیندازند و کسب بکنند وکشور را اداره و تقویت بکنند. دولت هم پشتیبان آنهاست و باید باشد».(۱)

۷. تهیه طرح و برنامه مناسب

اشاره

۷. تهیه طرح و برنامه مناسب

یکی از شرط های تحقق پیشرفت در هر زمینه ای برخورداری از طرح و برنامه مناسب و منسجم است. چرا که بدون طرح و برنامه هیچ کاری به سامان نمی رسد. در جریان برنامه ریزی نقشه راهی که باید طی شود تدوین می گردد و نیازها و زمان انجام هر یک از امور مشخص شده و اولویت بندی ها انجام می گیرد و مشکلات احتمالی که ممکن است در حین انجام کار پیش آید از قبل پیش بینی شده و برای حل و برطرف کردن آنها چاره اندیشی می شود. یکی از توصیه هایی که حضرت امام رحمه الله به ویژه برای مسئولین بخش های گوناگون دارند توجه به تهیه برنامه و داشتن طرح برای کارها است.

(اهمیت برنامه ریزی در مسائل کشور

(اهمیت برنامه ریزی در مسائل کشور

«و یک کلمه هم با این گروه هایی که در برنامه هستند، عرض می کنم. مسئله برنامه از مهمات یک کشور است. و چنانچه بدون برنامه، یک کشوری بخواهد اداره بشود، نمی شود اداره بشود، باید برنامه باشد. برنامه ریزی ها را باید با کمال دقت، اشخاصی که تخصص دارند، اشخاصی که توجه به مسائل سیاسی و مسائل اجتماعی و مسائل اسلامی دارند، اینها باید با کمال دقت بررسی کنند و متحداً با هم برنامه ریزی کنند و برای کشور راه برنامه ریزی، راهی باز می کند برای پیشبرد مقاصد کشور».(۲)

۱- همان، ج ۱۷، صص ۱۱۸ و ۱۱۹.

۲- همان، ج ۱۷، ص ۹۶.

«ما باید برای پیشبرد اهداف و منافع ملت محروم ایران برنامه ریزی کنیم. ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش نماییم».(۱)

(ضرورت اصلاح برنامه ها و طرح های نامناسب

(ضرورت اصلاح برنامه ها و طرح های نامناسب

برنامه ها، برنامه های سابق نباشد و یک تحول در برنامه ها پیدا بشود و کوشش کنید که برنامه هایی که برای عقب نگه داشتن ما بوده است این برنامه ها تغییر کند؛ البته در موقعش ما کوشش می کنیم؛ اما شما الان باید کوشش بکنید. برنامه هایی که دیگران برای ما درست کردند ما نباید زیر بار آن برویم. ما باید تغییرش بدهیم. تحول می خواهد».(۲)

«برنامه ریزی در جهت رفاه متناسب با وضع عامه مردم توأم با حفظ شعایر و ارزش های کامل اسلامی و پرهیز از تنگ نظری ها و افراط گرایی ها و نیز مبارزه با فرهنگ مصرفی که بزرگ ترین آفت یک جامعه انقلابی است و تشویق به تولیدات داخلی و برنامه ریزی در جهت توسعه صادرات و گسترش مبادی صدور کالا و خروج از تکیه به صادرات نفت و نیز آزادی واردات و صادرات و به طور کلی تجارت بر اساس قانون و با نظارت دولت در نوع و قیمت[باید انجام گیرد]».(۳)

(ضرورت تهیه طرح های سازنده و متناسب با منافع محرومان

(ضرورت تهیه طرح های سازنده و متناسب با منافع محرومان

ص:۱۴۵

۱- همان، ج ۲۰، ص ۲۳۵.

۲- همان، ج ۶، ص ۲۵۲.

۳- همان، ج ۲۱، ص۴۹.

«ارائه طرح ها و اصولاً- تبیین جهت گیری اقتصاد اسلام در راستای حفظ منافع محرومین و گسترش مشارکت عمومی آنان و مبارزه اسلام با زراندوزان، بزرگ ترین هدیه و بشارت آزادی انسان از اسارت فقر و تهی دستی به شمار می رود».(۱)

«این بر عهده علمای اسلام و محققین و کارشناسان اسلامی است که برای جای گزین کردن سیستم ناصحیح اقتصاد حاکم بر جهان اسلام، طرح ها و برنامه های سازنده و دربرگیرنده منافع محرومین و پا برهنه ها را ارائه دهند؛ و جهان مستضعفین و مسلمین را از تنگنا و فقر معیشت به در آورند».(۲)

(مجلس و تهیه طرح های راه گشای اسلامی

(مجلس و تهیه طرح های راه گشای اسلامی

«مجموعه خواسته ها و انتظارات اسلامی مردم از مجلس، رفع گرفتاری ها و محرومیت ها و دگرگونی در نظام پر پیچ و خم اداری کشور، از انتظارات به حقی است که باید آنها را جدی گرفت. و نمایندگان محترم مجلس قبل از پرداختن به لوایح و تبصره ها و مواد غیر ضروری به فکر مسائل اصلی و کلیدی کشور باشند و بر اساس اسلام عزیز در کمیسیون ها با طرح قوانین و لوایح به سمتی حرکت کنند که مشکلات اساسی کشور مرتفع و سیاست های زیر بنایی کشور در امور فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی و سیاسی در راستای کمک به محرومین و رفع استضعاف، مدون و به مورد

ص:۱۴۶

۱- همان ، ج ۲۰، ص ۱۲۸.

۲- همان.

اجرا درآید».(۱)

(لزوم نظارت بر برنامه ها توسط متخصصان

(لزوم نظارت بر برنامه ها توسط متخصصان

«اینکه روحانیون در شورای اقتصاد و برنامه ها نظارت می کنند، از باب این است که آنها به امور شرعی توجه دارند و نظارت آنها باعث می شود که طرحی که شما می دهید و برای تصویب به مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان می رود، رد نشود و در نتیجه، کارها آسان شود و شما در برنامه هایتان معطل نمانید».(۲)

«لکن یک نکته را عرض کنم و آن اینکه اگر برنامه ریزی را بدون نظارت روحانیون بکنند _ یعنی، متخصصینی که از روحانیون هستند _ این موجب این می شود که برنامه را که ریختید ببرید مجلس، مجلس رد کند؛ آنها قبول کردند، ببرید در کمیسیونی که تخصص در این امر دارند، آنها رد کنند. از اینجا بگذرد، ببرید در شورای نگهبان، آنجا رد کنند. این اسباب این می شود که کارها معطل بماند. شما در این اجتماعاتی که می خواهید بکنید، روحانیونی که در این امر تخصص دارند، آنها را دعوت کنید که نظارت کنند که یک وقت _ خدای نخواسته _ بر خلاف اسلام چیزی واقع نشود، که اگر بر خلاف اسلام واقع بشود، جز اینکه شما زحمتتان هدر رفته است، کاری نکرده اید؛ برای اینکه بالاخره وقتی رسید به شورای نگهبان، شورای نگهبان رد می کند. آن وقت شما مدت ها زحمت کشیده اید زحمتتان از بین رفته است، دوباره از سر باید شروع کنید. این را از اول یک کسی که تخصص داشته باشد در امور اسلامی و بینایی و توجه به مسائل کشور و به گرفتاری هایی که امروز ما در کشور داریم، توجه

۱- همان، ص ۲۱۴.

۲- همان، ج ۱۷، ص ۵۰.

به این مسائل روی هم رفته داشته باشد، آن هم حاضر باشد و با شما کمک کند و نظارت کند تا اینکه مسائل مطابق ارزش های اسلامی باشد. وقتی مطابق شد، دیگر آسان می شود؛ مجلس که برود مجلس قبول می کند و شورای نگهبان هم که برود، شورای نگهبان هم قبول می کند. این اسباب تند شدن کار می شود. آن طور، اسباب این می شود که کارها [به] تعویق بیفتد. و درحالی که برنامه لازم داریم و محتاج است کشور ما به برنامه، چندین ماهی دست به دست برود، از این کانال رد بشود، آن کانال رد کنند تا آخر هم به نتیجه نرسد. و اما اگر متخصصین در اصل برنامه ریزی، متخصصین در امور اسلامی، اینها با هم مجتمع بشوند و برنامه را درست بکنند که مطابق ارزش های اسلامی باشد، آن وقت دیگر به زودی کار تمام می شود و بهتر هم خواهد شد».(۱)

۸. تحمل سختی ها و صبر بر ناملایمات

اشاره

۸. تحمل سختی ها و صبر بر ناملایمات

اغلب انسان ، در مسیر تمامی هدف هایی که دارد کم و بیش با برخی ناملایمات و سختی ها روبه روست که چگونگی مواجهه او با این امور در کم و کیف دستیابی به هدف هایش بسیار مؤثر است. چرا که اگر وی با صبر و تحمل با این پیش آمدها برخورد کرده و با استفاده از راه های معقول و منطقی نسبت به برطر ف کردن آنها اقدام کند، زمینه تحقق اهدافش را فراهم کرده است وگرنه چه بسا در اثر شتاب زدگی به گونه ای رفتار کند که برای همیشه از دستیابی به اهدافش محروم گردد. با توجه به این واقعیت است که حضرت امام رحمه الله در جریان تعقیب اهداف مهم انقلاب اسلامی مردم و مسئولین را به صبر و بردباری در برابر سختی ها و مشکلات فرا می خوانند.

(اقتضای خردمندی تحمل مشکلات

ص:۱۴۸

۱- همان، ج ۱۷، ص ۹۶.

(اقتضای خردمندی تحمل مشکلات

«عقل اقتضا می کند که ما الان مشکلات را تحمل کنیم، مردم مشکلات را تحمل کنند، مشکلات کمتر است از مشکلات ما تا زمان رسول الله. و آن مشکلات زمان رسول الله، آن مسئولیت رسول الله بدتر از این مسئولیتی است که ما داشتیم.... الان این طوری است که ما باید تحمل کنیم، مملکت ما دشمن دارد، یعنی دشمن ، دشمن ایران است، دشمن اسلام است... ما باید امروز تحمل کنیم، صبر باید بکنیم. «فاستقم کما امرت و من تاب معکم» این چیزی بود که پیغمبر اکرم گفت: «شیبتنی سوره هود» من به واسطه این، آن هم به خاطر این که «ومن تاب معک» بود برای اینکه می دید نمی تواند استقامت کند، ما باید استقامت کنیم، باید حفظ کنیم، باید صبر کنیم».(۱)

(پایداری و استقامت رمز پیروزی

(پایداری و استقامت رمز پیروزی

«در قرآن کریم یک آیه در دو سوره وارد شده است که ....در یک سوره وارد شده است «واستقم کما امرت» به رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید که استقامت داشته باش در آن اموری که مأموری... در این دنیا کسانی که برای شرافت خودشان، برای شرافت اهل ملت شان برای شرافت اسلام اموری را انجام می دهند کارهایی را انجام می دهند، اگر در دنبالش استقامت داشته باشند، پابرجا باشند، آنها را حوادث نلرزاند، اینها به مقاصد می رسند. برای این که استقامت یک امر مهمی است ... تعلیمی که خدای تبارک و تعالی به مسلمین داده است این است که باید در مأموریت های خودتان استقامت

ص:۱۴۹

۱- همان، ج ۱۸، صص ۱۸۴ و ۱۸۵.

داشته باشید، پایداری داشته باشید».(۱)

(دعوت به صبر و استقامت در برابر ناملایمات و کمبودها

(دعوت به صبر و استقامت در برابر ناملایمات و کمبودها

«حال انقلاب آشفتگی دارد، بعد از انقلاب آشفتگی دارد، این آشفتگی ها را همه باید تحمل بکنند، شما در حد خودتان تحمل بکنید، کارگر در حد خودش تحمل بکند».(۲)

«امروز بحمدالله همه چیز صحیح است، دولت دارد زحمت می کشد، کمبود هست اما کمبودی که اینجا هست همه جای دنیا هست، با این همه فشاری که به این ملت هست وبه این دولت هست و با این هم کارشکنی هایی که از همه جا نسبت به ایران هست مع ذلک ایران سرپای خودش ایستاده است و با قدرت پیش می رود و مسائل را حل می کند و ملت بدانند که باید صبر کنند در مسائل مشکل و کمک کنند. بخواهید عزیز باشید، بخواهید زیردست نباشید، بخواهید یک امریکایی نیاید به شما حکومت کند و بخواهید عزت خودتان را و اسلام را حفظ کنید، باید یک مقدار از آن زحمت هایی که پیغمبر اسلام تحمل کرد شما هم تحمل کنید. یک مقدار از آن زحمت هایی که علی بن ابیطالب سلام الله علیه تحمل کرد شما هم تحمل کنید. شما هم شیعه او و امت او هستید. کمک کنید به این دولت و کمک کنید به این کشور و به این اسلامی که در کشور شما پای مبارکش را گذاشت».(۳)

«شما کارگران محترم و کشاورزان محترم، شما برادران که اساس اقتصاد

۱- همان، ج ۱۳، صص ۴۶۲ و ۴۶۳.

۲- همان، ج ۶، ص ۱۳۰.

۳- همان، ج ۱۸، ص ۳۸.

ایران دست شماست در سابق تحت نظارت طاغوت بودید و کارهای شما نادیده گرفته می شد، اما امروز ان شاءالله در رژیم اسلامی هستید و اسلام به کارگر و کشاورز بسیار اهمیت می دهد، دولت در فکر شماست، ما دعاگوی شما و در فکر شما هستیم لکن خرابی ها به اندازه ای است که به این زودی ترمیم نمی شود. گرفتاری ها به اندازه ای است که به این زودی از چنگال آن نمی توانیم خود را نجات دهیم. قدری صبر لازم دارد. شما که پنجاه سال تحت فشار طاغوت صبر کردید، اینک هم مقداری باید صبر کنید...».(۱)

(هدف عالی نیازمند صبر انقلابی

(هدف عالی نیازمند صبر انقلابی

«هدف بزرگ، دارای اشکالات و گرفتاری های بزرگ نیز هست. طبقات محروم و زجرکشیده انقلاب به اندازه پیامبران عظیم الشأن و پیغمبر بزرگ اسلام در طول زندگی خصوصاً سیزده سال قبل از هجرت رنج و زحمت متحمل نشده اند ولی چون هدف بزرگ بود با روی گشاده ، تحمل کردند و هدف انقلاب ما همان هدف پیامبر عظیم الشأن است. با صبر و تحمل انقلابی به پیش تا گسترش عدل الهی و اسلام عزیز».(۲)

(نهراسیدن از مشکلات و کمبودها

(نهراسیدن از مشکلات و کمبودها

«با تمام این مشکلات این همه کار شده است. البته کمبودهایی هست و گرانی هم بسیار است و مردم از این ها ناراحتند ولی در کجا این کمبودها و گرانی ها نیست.... در ایران هم گرانی و کمبود هست ولی باید به خاطر اسلام مقاومت کرد. البته مردمی که در جنگ جوان می دهند، در مقابل این

۱- همان، ج ۷، ص ۲۰۹.

۲- همان، ج ۱۶، ص ۴۷.

مشکلات که ناراحت نمی شوند، آنهایی که در جبهه ها هستند از مشکلات نمی هراسند و مقاومت می کنند. کسانی که می جنگند و مبارزه می کنند در مقابل کمبودها صبر می کنند ولی آن عده ای که در کنار نشسته اند، آن عده ای که عیاشی می کردند و جلوی عیاشی هایشان گرفته شده ناراحتند. آنها هستند که دولت را تضعیف می کنند و دائم می گویند کمبود هست، اینها هستند که مشغول تضعیف دولت هستند».(۱)

«از نقص ها و کمبودها که لازمه هر انقلابی است و در انقلاب شما به برکت اسلامی و مردمی بودن از همه کمتر است، به خود سستی راه ندهید».(۲)

(تحمل مشکلات با انگیزه الهی

(تحمل مشکلات با انگیزه الهی

«مردم عزیز ایران که حقا چهره منور تاریخ بزرگ اسلام در زمان معاصرند باید سعی کنند که سختی ها و فشارها را برای خدا پذیرا گردند تا مسئولان بالای کشور به وظیفه اساسی شان که نشر اسلام در جهان است برسند و از آنان بخواهند که تنها برادری و صمیمیت را در چهارچوب مصلحت اسلام و مسلمین در نظر بگیرند. چه کسی است که نداند مردم عزیز ما در سختی هستند و گرانی و کمبود بر طبقه مستضعف فشار می آورد، ولی هیچ کس هم نیست که نداند پشت کردن به فرهنگ دنیای دون امروز و پایه ریزی فرهنگی جدید بر مبنای اسلام در جهان و برخورد قاطع اسلامی با امریکا و ... فشار و سختی و شهادت و گرسنگی را به دنبال دارد و مردم ما این راه را خود انتخاب کرده اند و بهای آن را هم خواهند پرداخت و بر این امر هم افتخار

۱- همان، ج ۱۷، ص ۲۶۳.

۲- همان، ج ۱۹، ص ۱۱۰.

می کنند».(1)

«اینها ریشه هایی است که دنبال هر انقلابی هست و باید تحمل کرد و تحمل در این امر هم برای خداست. همان طوری که رسول صلی الله علیه و آله آن قدر تحمل کرد در مکه و آن قدر رنج کشید...آن همه رنج که اصحاب ایشان بردند، آن همه رنج که لشکر ایشان برد، این حال برای ما این قدرها تا حالا حاصل نشده است.... ما باید آن را الگوی خودمان قرار بدهیم. مایی که خودمان را امت پیغمبر اکرم می دانیم و شیعه ائمه معصومین می دانیم، باید ببینیم که آنها در مدت زندگی شان برای اسلام تحمل چه ناروایی ها، چه گرفتاری ها تحمل کرده اند».(2)

(تحمل سختی ها، لازمه انقلابی بودن

(تحمل سختی ها، لازمه انقلابی بودن

«هیچ انقلابی تا به حال صورت نگرفته است که دو سه سال این قدر نتیجه داده باشد بر حسب قواعدی که در دنیا هست بعد از هر انقلابی هزاران گرفتاری و مشکلات و قحطی پیش می آید ولی بحمدالله در ایران این قضایا نیست و ملت ما هم برای شکم قیام نکرده اند. و شما باید به مردم گوش زد کنید که لازمه انقلابی بودن، تحمل سختی هاست و اگرچه ما خسارت زیاد دیده ایم لکن این خسارت ها آیا به آن همه عظمت های انقلابی نمی ارزد؟»(3)

(عزت ره آورد صبر و تحمل

(عزت ره آورد صبر و تحمل

«می دانید که انقلاب ها کمبود دارد، انقلاب ها زحمت دارد، بخواهید آدم باشید باید زحمت بکشید، بخواهید ارزش انسانی خودتان را حفظ کنید

1- صحیفه نور، ج 21، ص 108.

2- همان، ج 14، ص 200.

3- همان، ج 17، ص 54.

زحمت دارد.... می خواهید سرفراز در دنیا باشید این زحمت دارد، بی خود نمی شود... اگر بخواهید از تحت سلطه همه بیرون بروید و خودتان باشید این ارزش دارد، یک ارزش انسانی است، یک شرافت انسانی است. این زحمت دارد، این گرانی دارد، این کمبود دارد، این جهاد دارد، این دفاع دارد، این شهادت دارد، این برای ارزش انسانی است.

آنهایی که نشسته اند کنار و می خوابند و می خورند و زندگی حیوانی دارند و نق می زنند به این کشور، آنها یک قدر توجه کنند، از خواب بیدار بشوند. آنهایی که هی نق می زنند که اینجاش چه جوری است، آنجاش چه جوری است، این ها نمی فهمند که ما در چه حالی هستیم الان. ما در حال جنگیم. ما در حال محاصره اقتصادی هستیم.... باید بفهمید که وضعیت ما امروز این است و این وضعیت مشکلات دارد. این وضعیت به این زودی درست نمی شود، لکن می شود صبر کرد».(۱)

«خودتان را مهیا کنید برای ساختن کشورتان و ارزش دارد که ما یک ده سال، پانزده سال زحمت بکشیم و رنج ببریم و کشورمان مستقل بشود».(۲)

(تحمل کمبودها برای حفظ شرف و آبرو تا پای جان

(تحمل کمبودها برای حفظ شرف و آبرو تا پای جان

«ملت ما ... که نشان داده اند، تحمل تمام کمبودها را برای حفظ شرف و آبروی خویش خواهند نمود».(۳)

«امریکای جهان خوار باید بداند که ملت عزیز و خمینی تا نابودی کامل منافعش او را راحت نخواهند گذاشت و تا قطع هر دو دست آن به مبارزه

۱- همان، ج ۲۱، ص ۵۶.
۲- همان، ج ۱۴، ص ۸۹.
۳- همان، ص ۲۶۶.

خدایی خود ادامه خواهند داد. ملت ما همان گونه که نشان داده اند، تحمل تمام کمبودها را برای حفظ شرف و آبروی خویش خواهد نمود. ملت مقاوم ما از روز اول مبارزه می دانست که با تمام قدرت ها و ابرقدرت ها دست به گریبان است و باید بداند که تمام ایادی داخلی و خارجی قدرت ها و ابر قدرت ها خصوصاً امریکای جنایت کار برای شکست ما از تمام امکاناتش استفاده خواهد نمود ولی چاره چیست که کوه مصیبت ها در مقابل حیثیت اسلامی ایرانی ما چون کاهی است و مردم باید خود را آماده این درگیری حسینی تا پیروزی کامل بنمایند که مرگ سرخ به مراتب بهتر از زندگی سیاه است و ما امروز به انتظار شهادت نشسته ایم تا فردا فرزندانمان در مقابل کفر جهانی با سرافرازی بایستند و بار مسئولیت استقلال واقعی را در تمامی ابعادش به دوش کشند و با افتخار پیام رهایی مستضعفین را در جهان سر دهند».(۱)

(تحمل مشکلات لازمه استقلال

(تحمل مشکلات لازمه استقلال

«تا ارتباطتان را از دنیا قطع نکنید، این ارتباطی که شما را به انزوای حقیقی می کشد، نمی توانید خودتان اهل صنعت بشوید و نمی توانید مملکت تان صنعتی بشود، نمی توانید مستقل باشید و نمی توانید آزاد باشید. این انزوا از نعمت های بزرگ خداست....یک چند سال باید سختی را تحمل کنیم ــ سختی هم خیلی نیست ــ تحمل کنیم تا بتوانیم خودمان سرپای خودمان بایستیم و آدم باشیم».(۲)

(صبر و تحمل ابزار حفظ انقلاب و اهداف بزرگ آن

(صبر و تحمل ابزار حفظ انقلاب و اهداف بزرگ آن

۱- همان، ج ۱۴، ص ۲۶۶.

۲- همان، ج ۱۳، ص ۱۴۸.

«شما ملت عزیز بزرگوار، همه چیز خودتان را برای رضای خداوند تعالی در طبق اخلاص نهادید و این مائده بزرگ آسمانی را به دست آوردید. نگهداری این متاع محتاج به صبر و کوشش است. شیاطینی که شاید اکثر آنها از قشر مرفه وابسته به رژیم سابق باشند با شایعه ها و دروغ ها و فریب ها می خواهند شما را سست کنند و این متاع را که با خون شهدا و جوانان عزیز به دست آوردید از شما سلب کنند و با اسم کمبود بنزین و نفت و قند و شکر و از این قبیل، شما را نسبت به حکومت جمهوری اسلامی دلسرد کنند و ضربه آخر خود را بزنند. در صورتی که این قبیل شایعه و فریب ضربه ای است به شرافت انسانی شما. این کوردلان گمان کرده اند که شما، جوانان و عزیزان خود را در راه نفت و بنزین داده اید و به اسلام و میهن عزیز خود برای پر کردن شکم خود خدمت می کنید. اینان را که دشمن عزت و شرافت شما هستند از خود برانید و مجال ندهید که توطئه های آنان به ثمر برسد. شما به صدر اسلام و مجاهدت پیغمبر عظیم الشأن و یاران بزرگوار او نظر کنید که با چه زحمات و کمبودهایی مواجه بودند و چگونه با نثار جان و خون اسلام را به ثمر رساندند و با پیروی از آن بزرگواران اسلام را تقویت کنید...».(۱)

(حفظ ثمره انقلاب در گرو صبر و استقامت

(حفظ ثمره انقلاب در گرو صبر و استقامت

«امروز دنیا اعمال ما و شما را زیر ذره بین گذاشته است تا ببینند چکاره ایم و چقدر توان مقابله با مشکلات را داریم. امروز پدر پیر شما خمینی از تمامی شما کارگران و صنعتگران و متخصصان می خواهد که با تمام قدرت مواظب باشید که دوباره مردم ما گرفتار ابرقدرت ها و قدرت ها نشوند، مشکلات پس از جنگ یکی پس از دیگری رخ می نمایاند و نظام نوپای ما ان شاءالله

۱- همان، ج ۱۴، ص ۶۳.

در مقابل آنها چون کوه ایستاده است و مردم عزیز زیر فشار چرخ های زندگی و اقتصادی همان گونه که تا به حال برای خدا و دین او مقاومت کرده اند، بعد از این نیز با تمام توان استقامت می کنند والا همه زحمات این سالیان پردرد و اضطراب و افتخار از بین خواهد رفت. هشیاری مردم در وضع فعلی یکی از عوامل پیروزی آنان بر باطل است و مردم تصور نکنند ایادی نفوذی استکبار و امریکا دست از شیطنت برداشته اند، در هرجا و در هر مقوله ای احتمال حضور و کارشکنی آنان هست، باید با دقت مراقب بود که نکند دستی در کار باشد که تبلیغ کند جنگ تمام شد و وضع کشور فرق نکرد».(۱)

(استقامت در برابر محاصره اقتصادی

(استقامت در برابر محاصره اقتصادی

«ما نه از اقدام نظامی می ترسیم و نه از محاصره اقتصادی».(۲)

«حال دیگر چسبیده اند به اینکه « ما ... محاصره اقتصادی می کنیم» بسیارخوب محاصره اقتصادی بکنید ببینیم چه می کنید، اینها حرف است».(۳)

«جنگ ها کمبودی دارد، جنگ ها شهادت دارد، جنگ ها خوف دارد برای بسیاری، جنگ ها گرسنگی دارد، جنگ ها گرانی دارد، جنگ ها خرابی دارد و همه چیزهایی که لوازم جنگ است، خصوصاً جنگی که در ایران پیش آمده است و خصوصاً نهضتی که ایران کرده است که موجب این شده است که قدرت های بزرگ در مقابل او دست به یک توطئه ها زده اند و می زنند که محاصره اقتصادی یکی از آنهاست، جنگ این معانی را دارد و شما که

۱- همان، ج ۲۱، ص ۱۰۸.

۲- همان، ج ۱۰، ص ۱۸۳.

۳- همان، ج ۱۱، ص ۴۷.

می خواهیـد کشور خودتان را نجات بدهیـد، شـمایی که قیام کردیـد و قریب صدهزار کشـته دادید و قریب بیشتر از صد هزار، بیشتر از صدهزار معلول داشتید تا پیروز شدید و به اینجا رسـیدید، باید اسـتقامت داشته باشید، پایداری داشته باشید. این متاعی که گیر شـما افتاده است در دنیا نظیر ندارد، دیگران به این متاع نرسـیدند، آزادی که شـما پیدا کردید دیگران به آن نرسیدند. این آزادی حفظش و نگهـداریش، این اسـتقلال حفظ و نگهـداریش زحمت دارد. خداونـد می فرماید: اسـتقامت کنید، پایدار باشید، از این که بنزین کم است نباید بلرزید... .

ملت بایـد توجه کنـد به این مسایل، اشخاصـی که تبلیغات سوء می کننـد و از کمبود به گوش شـما می خواننـد این اشـخاص، اشخاصـی هسـتند که می خواهنـد این پیروزی را از دست شـما بگیرند، می خواهند اسـتقامت را از دست شـما بگیرند. امر دائر است یا حرف مفسـدین را بشـنوید یا حرف خـدای تبارك و تعالی که می فرمایـد: « فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَن تَابَ مَعَكَ » همه مأموریم، همه مأمور هستیم که استقامت کنیم و پایدار باشیم... از گرانی نترسید، از کمبود نترسید».(1)

«امریکا خیال نکنـد که ... با حصـر اقتصادی می تواند کاری بکند، ملتی که روزه می گیرد، ملتی که شـهادت را قبول کرده از این چیزها دیگر نمی ترسد».(2)

۹. مشارکت مردم

اشاره

۹. مشارکت مردم

ص:۱۵۸

۱- همان، ج ۱۳، صص ۲۴۰ و ۲۴۱.

۲- همان، ج ۱۲، ص ۱۵۵.

موضوع مشارکت مردم در اقتصاد هر چند در تمام نظام های اقتصادی مطرح است، اصولاً مردم و دولت دو نیروی عمده و مؤثر در اقتصاد همه کشورها می باشند بدون مشارکت آنها اقتصاد معنی ندارد. با این همه کم و کیف مشارکت هر یک از آنها در هر یک از نظام ها با نظام دیگر فرق می کند. در مجموعه رهنمودهای حضرت امام رحمه الله به موضوع مشارکت مردم بسیار تأکید شده است. ولی در این که مراد ایشان از مردم و یا بخش های خصوصی چه کسانی هستند و حوزه فعالیت و نقش آفرینی آنها تا کجاست و حدود آن چه مقدار است جای دقت و تأمل دارد.

(ضرورت پشتیبانی از همکاری مردم

(ضرورت پشتیبانی از همکاری مردم

«بدون پشتیبانی نمی شود کار کرد و پشتیبانی هم به این نیست که مردم الله اکبر بگویند. این پشتیبانی نیست. پشتیبانی این است که مردم همکاری کنند. همکاری این است که در تجارت همکاری کنند. شما مجال به آنها بدهید همکاری کنند. در این طور امور که مردم ازشان کار بر می آید. معنی پشتیبانی این است که خود آنها عمل بکنند. اگر این طور عمل بشود هم سرمایه هایی که ممکن است نیاورده باشند وارد می شود در بازار، و هم در بانک ها، هم مردم کمک کار می شوند و مطمئن می شوند و هم اشخاصی که خیال می کنند جمهوری اسلامی نمی خواهد برای مردم کار کند، می فهمند که کار می کند».(۱)

(هشدار نسبت به کنار نشستن مردم

(هشدار نسبت به کنار نشستن مردم

«امروز مسئولیت به عهده ملت است. ملت اگر کنار بنشینند، اشخاص مؤمن، اشخاص متعهد کنار بنشینند، و اشخاصی که نقشه کشیده اند برای این

ص:۱۵۹

۱- مقالات اولین کنگره بررسی اندیشه های اقتصادی امام خمینی=، ص ۱۸۰.

مملکت از چپ و راست، آنها وارد بشونـد در مجلس، تمام مسـئولیت به عهـده ملت است. هر قدمی که برضد اسـلام بردارند، در نامه اعمال ملت نوشـته می شود. هر کاری که انجام بدهند مسـئولیتش متوجه ملت است. امروز سرنوشت اسلام و سرنوشت مسـلمین در ایران و سـرنوشت کشور ما به دست ملت است. و اگر مسامحه کننـد در این امر، اهمال کنند، نروند و رأی ندهند، مسئولیت متوجه خود آنهاست عیناً. و اگر بروند و در تشخیص مسامحه کنند و اشخاص متعهد مسلم، کسانی که برای کشور و برای اهـالی کشور ارج قائل هسـتند، کسانی که نمی خواهنـد زمام امور کشور ما به دست چپ بیفتـد یا به دست راست بیفتـد، این اشـخاص را چنانچه تعیین کننـد، به تکلیف خودشان عمل کرده انـد. و چنانچه مسامحه در این امر کنند و آنها پیش ببرند، آنهـایی که می خواهنـد ما را به زنجیر چپ و راست بپیوندنـد و ما را اسـیر کننـد در دست قـدرت های بزرگ، اگر آنها پیش ببرند و شما ساکت باشید، تمام مسئولیت متوجه شماست. امروز مسئولیت بزرگی به عهده همه ماست....».(۱)

(تجربه مشروطیت و نتیجه کناره گیری مردم

(تجربه مشروطیت و نتیجه کناره گیری مردم

«اگر مؤمنین کنار بروند، آنهایی که متعهد به اسلام هستند کنار بروند و اینها بیایند و قبضه

۱- صحیفه نور، ج ۱۲، صص ۶ و ۷.

کننـد، مثل صـدر مشـروطه که رفتنـد کنار اشخاصـی که متعهـد بودنـد، و قبضه کردند مشـروطه را آنهایی که متعهد به اسـلام نبودند. اسلام را به آنجا کشاندند که همه دیدید.

اگر در صدر مشروطه علما آمده بودند در میدان، مؤمنین آمده بودند، روشن فکرهای متعهد آمده بودند و مسلمان های متعهد آمـده بودنـد و قبضـه کرده بودنـد مجلس را، و نگذاشـته بودنـد که دیگران بیاینـد مجلس را بگیرنـد، مـا به این روزگـار نمی رسـیدیم. مـا مملکتمـان خراب نمی شـد. مـا عزتمـان از بین نمی رفت. لکن شـیاطینی که در آن وقت بودنـد، بیـخ گوش اینها خوانده اند که شـما در سیاست داخل نشوید. سیاست است این. شما را به سیاست چه و آنها باور کردند که خیرخواهند. امروز هم همین مسائل ممکن است در یک قشرهایی پیش بیاید، که بگویند ما چه کار داریم به این کارها. این کارها مال اشخاصی است که خودشان می کنند. باید همه بدانند که همه تان مسئولید».(۱)

(اصلاحات در گرو مشارکت عمومی

(اصلاحات در گرو مشارکت عمومی

«اساس کار یک جمهوری اسـلامی، تأمین اسـتقلال مملکت و آزادی ملت ها و مبارزه با فساد و فحشا و تنظیم و تـدوین قوانین است که در همه زمینه هـای اقتصـادی، سیاسـی، اجتماعی و فرهنگی با توجه به معیارهای اسـلامی، اصـلاحات لازم را به عمل آورد که این اصـلاحات بـا مشـارکت کامل همه مردم خواهـد بود و هـدفش قبل از هر چیز از بین بردن فقر و اصـلاح شـرایط زندگی برای اکثریت قاطع مردم ماست».(۲)

(آسیب نادیده گرفتن مردم

(آسیب نادیده گرفتن مردم

«دولت چنانچه کرارا تذکر داده ام، بی شرکت ملت و توسعه بخش های خصوصی جوشیده از طبقات محروم مردم و همکاری با طبقات مختلف مردم با شکست مواجه خواهد شد. کشاندن امور به سوی مالکیت دولت و

۱- همان، ج ۱۲، صص ۶ و ۷.

۲- همان، ج ۴، ص ۶.

کنار گذاشتن ملت، بیماری مهلکی است که باید از آن احتراز شود».(۱)

(مشارکت عمومی برای سازندگی

(مشارکت عمومی برای سازندگی

«بر همه اقشار ملت در هر مقامی که هستیم واجب است، واجب الهی است که باهم پیوسته باشیم و باهم یک دست و یک دل و یک جهت برای ساختن ایران خراب... الان وقت سازندگی است.... امروز است که یک روز حساسی است که بر ملت ایران می گذرد.(۲)

اخوت اسلامی اقتضای این را می کند که در این جهت اجتماعی همه با هم کمک کنند و این کشوری که از خودشان هست، همه آباد کنند آن را پاک سازی کنند آن را و بسازند آن را.(۳)

تنها با استقرار حکومت عدل اسلامی مورد تأیید و پشتیبانی مردم و با شرکت فعالانه همه ملت است که می توان خرابی های عظیم فرهنگی و اقتصادی و کشاورزی را که رژیم فاسد شاه به وجود آورده است جبران نموده و نوسازی مملکت را به نفع طبقات زحمتکش و مستضعف آغاز نمود».(۴)

(مشارکت عمومی مردم راه ساختن ایران اسلامی

(مشارکت عمومی مردم راه ساختن ایران اسلامی

«همان طوری که برای برانداختن این نسل از این زمین همه شرکت کردید و اگر همه نبودید نمی شد، برای ساختن ایران که الان کار بسیار مشکلی است، همه باید کمک بکنید، همه باید باهم دست به هم بدهید، و با هم کار بکنید و هیچ این طور نیست که من بگویم که من مقدم، تو مقدم این حرف ها نیست اصلاً، باهم صف واحد، بنیان مرصوص، همه باهم باشیم تا

۱- همان، ج ۱۹، ص ۱۰۸.
۲- همان، ج ۹، ص ۲۵۴.
۳- همان، ج ۱۳، ص ۲۴.
۴- همان، ج ۴، صص ۲۰۷ و ۲۰۸.

بتوانیم کار را به انجام برسانیم».(۱)

«اینک ما باید ایران را بسازیم، از نو بسازیم ولی مشکلات دارد، مشکلات فقط با دولت رفع نمی شود، مشکلات با یک قشر یـا دو قشـر از ملت رفع نمی شود، همه ملت بایـد دست به هم دهنـد و هرکس در هر شـغل، مقام و مکانی که هست، دست به دست ملت بدهد و باهم این بنای جدید را به پایان برسانیم».(۲)

(آبادی ایران در گرو همکاری همه ملت

(آبادی ایران در گرو همکاری همه ملت

«آشـفتگی مملکت مـا و از هم ریختگی مملکت مـا طوری نیست که بتوان بـا یکی دو سـال و یـا مـدت قلیـل جبران کرد. این محتـاج به این است که همه ملت ایران دست به هم بدهنـد و باهم این خرابه را آباد کننـد. ننشـینند که دولت آباد کنـد، دولت نمی توانـد آباد کنـد، ننشـینند که روحانیت آباد کنـد، روحانیت تنها نمی تواند آباد کند، همه باهم، همه باهم از کشاورزی و کارگر تا صانع و ملا، تا روحانی و دانشـگاهی، تا اداری و ارتش، همه باهم، همه باهم بایـد کمک کنند... با همت عظیم ملت بزرگ ایران این خرابه از سر آباد شود».(۳)

«کسـی نمی تواند ایران را به تنهایی، قشری نمی تواند به تنهایی این خرابه را آباد کند. دولت نمی تواند، روحانیت نمی تواند، بازاری نمی توانـد، دهقان نمی تواند، کارگر، کارمند نمی توانند، لکن همه می توانند، همه باهـم « یدالله مع الجماعه» جماعت ها وقتی که باهم شدند کارها انجام می گیرد. دیدید که

۱- همان،ج ۵، ص ۵۳.

۲- همان، ص۷۵.

۳- همان، ج ۵، ص ۱۲۶.

با وحدت کلمه و اجتماع و اتکال به خدا این سد بزرگ را شکستید، الان هم باید هم با اتکال به خدا و وحدت کلمه این خرابه ها را باید آباد کنید».(۱)

«الان که شما این سد را به همت خودتان و به برکت اسلام شکستید، پشت این سد یک خرابه است... این خرابه را چه کسی باید آباد کند؟ این خرابه را دولت می تواند تنها؟ نه، دولت همچو بودجه ای ندارد، نمی تواند. ملت هر قشرش می تواند؟ نه، اما همت ملت، همه باهم، اجتماع باهم و همه اتکای به خدا، اتکای به قرآن کریم، همه باهم باید قیام کنیم، همه باهم تشریک مساعی بکنیم تا این خرابه را آبادش کنیم».(۲)

(بازسازی اقتصاد با مشارکت عمومی

(بازسازی اقتصاد با مشارکت عمومی

«اگر چنانچه بخواهیم ما این اقتصاد را به حال اول برگردانیم، سال های طولانی با همت همه مردم، نه یک دولت این کار را می تواند بکند و نه یک قشر از اقشار مردم این کار را می توانند بکنند، تا تمام مردم دست به دست هم ندهند نمی توانند این به هم ریختگی اقتصاد را از بین ببرند».(۳)

«مملکتی که الان دست شما افتاده است... این باید ساخته بشود نه اینکه خیال کنید که یک قشری بتواند، نه یعنی نه حکومت می تواند این کار را بکند، نه بازرگان می تواند این کار را بکند، نه کشاورز می تواند، همه باید دست به دست هم بدهید، جامعه ملی انسانی ایران... دست به دست هم بدهند و این وظیفه ملی را انجام بدهند که مملکت خودشان را از این

۱- همان، ج ۶، ص ۹۲.

۲- همان، ج ۶، ص ۹۷.

۳- همان، ج ۴، ص ۲۸۳.

انهدامی که دارد پیدا می کند، نجات بدهند».(۱)

«الان مملکت ما همه چیزهایش خراب است.... اقتصاد ما را خراب کردند، زراعت الان ما نداریم، نفت ما را به هدر دادند و به عوض او یک آهن پاره هایی به نفع خود آنها آوردند برای ما. ما باید از سر یک مملکتی را از سر بسازیم و این نه دولت همچو کاری می تواند بکند نه بعضی اقشار ملت، همه باهم دست به هم بدهند، اگر ان شاءالله همه دست به هم دادند این مملکت از این آشفتگی خارج می شود.»(۲)

۱۰. خودباوری و خوداتکایی

اشاره

۱۰. خودباوری و خوداتکایی

یکی از موانع پیشرفت در عرصه های اقتصادی فقدان روحیه خودباوری و خوداتکایی است. حضرت امام خمینی رحمه الله به خوبی دریافته بودند که خودباختگی و وابستگی فکری مسلمانان سرمنشأ همه بدبختی ها و از جمله عقب ماندگی های اقتصادی آنهاست لذا از خودباوری و خوداتکایی به عنوان مهم ترین عامل رهایی از گرفتاری ها و دستیابی به عزت و پیشرفت یاد می کنند.

(خودباوری شرط استقلال

(خودباوری شرط استقلال

«ما تا بنای بر این نگذاریم که خودمان هم یک آدمی هستیم برای خودمان می توانیم کار کنیم، ...ما نمی توانیم استقلال پیدا کنیم. تا این ملت بنای بر این نگذارد که ما باید همه چیز از خودمان باشد، ما باید قطع رابطه اقتصادی، رابطه فرهنگی از خارج بکنیم، فرهنگ از خود ما باید باشد اقتصاد هم از خود ما باید باشد، تا این بنا در توده ها نباشد و تا این مغزی

۱- همان، ج۵ ، صص ۳۹ و ۴۰.

۲- همان، ج ۵، ص ۴۵.

که انگلی است و استعماری است عوض نشود و باورمان نیاید که ما هم آدم هستیم، نمی توانیم استقلال پیدا کنیم. ما باید کاری کنیم که خودمان را، همه قشرهای ملت و همه جوانان ما باورشان بیاید که ما هم آدمیم. تبلیغات چنان کرده است که ما را از آدم بودن بیرون کرده است، باورمان آمده است که آنها هر چه هست، هستند. اگر بخواهیم این مملکت ما یک مملکت مستقلی باشد، محتاج به غیر نباشد، باید آن کشاورزش و آن کارگرش و آن کارمندش و همه قشرها بنای بر این بگذارند که ما خودمان یک موجودی هستیم، یک آدمی هستیم، مملکتمان هم یک مملکتی است، همه چیز هم دارد، یک مملکت غنی است».(۱)

«مهم این است که ایرانی ها بفهمند که خودشان می توانند کار بکنند، در طول این زمان این معنا را همچو کرده بودند که ایرانی ها چیزی نیستند و باید همه، همه چیز را بروند از خارج بیاورند. از اروپا بیاورند از امریکا بیاورند، این شد که اسباب این شد که مغزهای ایرانی به کار نیفتاد و نگذاشتند به کار بیفتد. ایران افرادش، مردمش از سایر افراد کمتر نیستند بلکه از بسیاری بالاترند. لکن نگذاشتند استعدادها به کار بیفتد. باید استعدادها را به کار بیندازند و دولت و ملت تأیید کنند از این کسانی که اختراع و ابداع می کنند تا ان شاءالله ایران خودش همه چیز را بسازد و مستقل بشود».(۲)

«اگر این معنا را ما توجه به آن بکنیم و بفهمیم که ما باید خودمان برای

ص:۱۶۶

۱- همان، ج ۱۰، صص ۲۷۷ و ۲۷۸.
۲- صحیفه نور، ج۱۳، ص ۱۹۸.

خودمان وسایل زندگی را فراهم کنیم، خودمان برای خودمان کار بکنیم، اگر دستمان را از شرق و غرب کوتاه کنیم و خودمان مشغول فعالیت بشویم، یاد بگیریم لکن بعد از یاد گرفتن، خودمان کار بکنیم، ... اگر ما به این معنا توجه کنیم و بیدار بشویم، دنبال بیداری اراده پیش می آید که ما بخواهیم که خودمان وسائل زندگی اجتماعی خودمان را فراهم کنیم با کوشش خودمان، باید کارهای خودمان را انجام دهیم، مدتی می گذرد و ما خودمان صنعتگر خواهیم شد».(۱)

«تا اینها آن محتوای خودشان را پیدا نکنند و نشوند یک موجود شرقی و خودشان را نشناسند نمی توانند مستقل باشند. شما هر چه هم زحمت بکشید، تا دانشگاه ما آن مغز غربیش را کنار نگذارد و یک مغز شرقی پیدا نکند نمی تواند مستقل باشد...

تا ما از آن غرب زدگی در نیاییم و مغزمان را عوض نکنیم و خودمان را نشناسیم نمی توانیم مستقل باشیم، نمی توانیم هیچ داشته باشیم.

فکر این معنا که «ما خودمان نمی توانیم» را از سر بیرون کنید که «ما می توانیم» و شما برادران، عزیزان، وقتی که اراده کنید برای خودکفایی، قدرت این مطلب را دارید. عمده این است که شما به بازوان قدرتمند خودتان اتکال کنید و قشر کشاورز هم به بازوان قدرتمند خودش اتکال کند و با اتکال به خدای تبارک و تعالی و پشتیبانی صاحب این کشور امام زمان[این مقصد را به آخر برسانید و خواهید رسانید».(۲)

(خودباوری نخستین گام رهایی از وابستگی

ص:۱۶۷

۱- همان، ج ۱۳، ص ۲۸۴.

۲- ۴همان، ج ۱۴، ص۲۱۲.

(خودباوری نخستین گام رهایی از وابستگی

«مهم این است که ما بفهمیم که دیگران چیزی به ما نمی دهند ما خودمان باید تهیه کنیم... . عمده این است که ما باور کنیم که خودمان می توانیم. اول هر چیزی باور است که ما می توانیم این کار را انجام دهیم. وقتی این باور آمد، اراده می کنیم. وقتی این اراده در یک ملتی پیدا شد، همه به کار می ایستند، دنبال کار می روند. در هر صورت این باور را باید از گوش و مغز خودمان بیرون کنیم و کسانی که گوینده هستند، کسانی که نویسنده هستند و فرض کنید در ادارات هستند و اطلاعاتی دارند، این مطلب را به مردم باور بیاورند».(۱)

«اگر افکار یک ملتی وابستگی به قدرت بزرگی داشته باشد، تمام چیزهای آن ملت، وابستگی پیدا می کند. عمده این است که افکار شما آزاد بشود، افکار شما از وابستگی به قدرت های بزرگ آزاد بشود. اگر افکار شما آزاد شد و باورتان آمد که ما می توانیم که صنعتمند و صنعتکار باشیم، خواهید بود. اگر افکارتان و باورتان این باشد که ما می توانیم مستقل باشیم و وابسته به غیر نباشیم، خواهید توانست.

اگر کشاورزان ما باورشان این باشد که ما می توانیم در کشاورزی به جایی برسیم که صادر کنیم و وابسته به غیر نباشیم بلکه دیگران به ما محتاج باشند، می توانند. اگر شماهایی که در صنعت هستید و در پرسنل صنعتی کار می کنید در ارتش، این باور را داشته باشید و به تجربه این باور را امروز دارید که می توانید صناع باشید و می توانید کارهای ابتکاری بکنید، خواهید

۱- همان، صص ۷۸ و ۷۹.

توانست.... من امیدوارم.... ما بتوانیم کارهای خودمان را انجام بدهیم، خود ما بتوانیم کشور خودمان را به استقلال تام، بدون وابستگی در هیچ امری از امور به غیر، بتوانیم اداره بکنیم. باورمان بیاید که ما هم مثل سایر موجودات عالم می توانیم کارهایی انجام بدهیم. با این باورمان ان شاءالله به پیش برویم».(۱)

«شما چنانچه باورتان آمده باشد که نمی توانید صنعت درست بکنید و نمی توانید صنایع بزرگ و کوچک را و چیزهایی که احتیاج به غرب بوده است خودتان آنها را درست بکنید، تا این باور هست، نمی توانید که انجام بدهید. اول باید خودتان را درست کنید؛ اول باید باورتان بیاید که ما هم انسانیم، ما هم قدرت تفکر داریم، ما هم قدرت صنعت داریم. این قدرت در همه افراد بشر بالقوه هست. اگر این باور برای شما پیدا شد [موفق خواهید بود]. با این تجربه ای که در این دو سال شماها کردید، دیدید که آن حر ف هایی که گفته می شده است تبلیغات بوده است و مسائل آن طور نبوده است. این تبلیغات بوده است که در مقابل قدرت های بزرگ نمی شود نفس کشید و باید تسلیم قدرت های بزرگ شد».(۲)

(خروج از غرب زدگی شرط استقلال

(خروج از غرب زدگی شرط استقلال

«تا اینها آن محتوای خودشان را پیدا نکنند و نشوند یک موجود شرقی و خودشان را نشناسند نمی توانند مستقل باشند. شما هر چه هم زحمت بکشید، تا دانشگاه ما آن مغز غربی اش را کنار نگذارد و یک مغز شرقی پیدا نکند نمی تواند مستقل باشد... تا ما از آن غرب زدگی در نیاییم و مغزمان را عوض

۱- همان، ج ۱۴، صص ۱۹۴ و ۱۹۵.
۲- همان، ج ۱۴،ص ۱۹۴.

نکنیم و خودمان را نشناسیم نمی توانیم مستقل باشیم، نمی توانیم هیچ داشته باشیم».(۱)

«تا این ملت از این غرب زدگی بیرون نیاید استقلال پیدا نمی کند. تا این نویسنده های ما کتاب هایشان به این وضع است که هر مطلبی که مال خودمان هست وقتی بخواهند بیان بکنند استشهاد به قول فلان خارجی می کنند، فلان غربی می کنند، تا از این وابستگی شماها در نیائید استقلال پیدا نمی کنید... تا از این تقلید بیرون نیایید، نمی توانید آدم باشید و نمی توانید مستقل باشید. اگر بخواهید مستقل باشید، اگر بخواهید شما را به اینکه یک ملتی هستید بشناسید و بشوید یک ملت، از این تقلید غرب باید دست بردارید، تا در این تقلید هستید، آرزوی استقلال نکنید. تا این نویسنده های ما، نویسندگان ما، همه حرف هایشان غربی است، این را دست از آن برندارید، امید نداشته باشند که ملتشان مستقل بشود».(۲)

«متشبث بشوید به اسلام، متحول کنید خودتان را، اول باید، نقطه اول این است که خود انسان متحول بشود، خود انسان از غرب زدگی بیرون بیاید. باید حتماً ما وزارت خانه هایمان آن طور تشریفات داشته باشد که هرکسی تویش برود خیال کند که در یک جایی غیر از ایران است، یک جای دیگری است، یک بساط دیگری است؟!».(۳)

(بیداری، قدم اول خودباوری

(بیداری، قدم اول خودباوری

«توجه به یک نکته و تذکر او لازم است ملتی که بخواهد سرپای خود بایستد و اداره کشور خودش را خودش بکند، لازم است که اول بیدار

۱- همان، ج ۹، ص ۱۲.

۲- همان، ج ۹، ص ۶۱.

۳- همان، ج ۵، ص ۵۱.

بشود، در سیر الی الله هم اهل معرفت گفته اند که یقظه، بیداری اول منزل است، در طول تاریخ، در این سده های آخر، کوشش شده است که ملت های جهان سوم خواب باشد، غافل باشند و توجهشان به شخصیت خودشان نباشد و شخصیت خودشان را اصلاً وابسته به غیر بدانند».(۱)

(وابستگی فکری مانع استقلال

(وابستگی فکری مانع استقلال

«از آن طرف تبلیغ کردند که شما هیچ ندارید، خودتان چیزی نیستید، از آن طرف هم نگذاشتند که ما این استعداد هایی که داریم و جوان های ما استعدادهایی که دارند رشد کنند. از همه اطراف ما را وابسته کردند و تا این وابستگی فکری هست در ما که همه نظرمان به این است که همه چیزمان را از غرب باید بیاوریم و هر وقت هم که هر چیزی پیدا می کنیم غرب باید این را معالجه بکند، تا این وابستگی هست ما نمی توانیم استقلال پیدا کنیم، هیچ نحو استقلالی حاصل نمی شود الا اینکه ما خودمان را بشناسیم. ما خودمان هم فرهنگ داریم، خودمان همه چیز داریم و احتیاج به غرب در این امور نداریم و آنی که به ما می دهند، آن نیست که واقعیت رشدآوری باشد، آن است که ما را می خواهند در یک حدی نگه دارند».(۲)

«ما تا تمام حیثیت خودمان را نفهمیم، نفهمیم که چی بودیم، ما در تاریخ چه بوده و چه هستیم، چه داریم. تا اینها را نفهمیم استقلال نمی توانیم پیدا بکنیم. تا فکر شما مستقل نباشد، کشور شما مستقل نمی شود، بروید دنبال اینکه فکرتان را مستقل کنید. دانشگاه ها بروند دنبال اینکه جوان های ما را مستقل به بار بیاورند. تربیت کنند که بفهمند خودشان یک فرهنگ دارند، یک فرهنگ

۱- همان، ج ۱۳، ص ۲۸۷.

۲- همان، ج ۹، ص ۲۵۸.

بزرگ دارند، بفهمند که فرهنگ از اینجا صادر شده است به خارج، بفهمند که ما هم یک چیزی در عالم هستیم و ما خودمان می خواهیم خودمان را اداره کنیم».(۱)

(استقلال فکری شرط اول استقلال

(استقلال فکری شرط اول استقلال

«ما تا نفهمیم این مسائل را، توجه نکنیم به این مسائل و خودمان را نیابیم، این گمشده را پیدا نکنیم این مغزی که گم شده است و به جای او یک مغز دیگری نشسته عوضش نکنیم نمی توانیم مستقل بشویم. استقلال مغزی شرط اول استقلال است. استقلال فکری شرط اول استقلال است که ما فکرهایمان را عوض کنیم، از این انگل بودن خودمان را درآوریم. باید ما اگر بخواهیم، اگر همه، همه ملت ادراک این معنا را کرده باشند که همه چیز ما را اینها برده اند و ما آنها را بیرون کرده ایم، باید خودمان خودمان را نگه داریم، اگر این نشود، بعدها باز همان مسائل کم کم با تدریج (حوصله آنها زیاد است) با تدریج همین مسائل سابق تحمیل بر ما می شود».(۲)

«ما باید سال های طولانی زحمت و مشقت بکشیم تا از فطرت ثانی خود متحول شویم و خود را بیابیم و روی پای خویش بایستیم و مستقل گردیم و دیگر احتیاجی به شرق و غرب نداشته باشیم و باید از همان بچه ها شروع کنیم و تنها مقصدمان تحول انسان غربی به انسان اسلامی باشد. اگر این مهم را انجام دادیم، مطمئن باشید که هیچ کس و هیچ قدرتی نمی تواند به ما ضربه بزنند. تنها آنها می توانند از داخل خود ما به ما ضربه بزنند. در داخل فردی را درست کنند (کما اینکه می بینید درست کرده اند) و بعد توسط آن

۱- همان، ج ۱۰، ص ۷۶.

۲- همان، ج ۱۰، ص ۲۷۸.

هرچه می خواهند انجام می دهند».(۱)

(طولانی بودن راه خودباوری

(طولانی بودن راه خودباوری

«ما تا بخواهیم این کارکن های هر جا را، کارمنـدهای هر جا را، تا بخواهیم که به آنها بفهمانیم که ما نبایـد همه چیزمان تقلید از غرب باشـد، این طولانـی است. اینها گمان می کننـد که وقتی که در رادیو تلویزیون مثلا امریکا یک جوری بود، انگلسـتان یـک طوری بود، مـا هم بایـد از آنهـا تقلیـد بکنیم، هر چه آنها کردنـد، ما بکنیم. چنانچه این یک مسئله ای است که تقریباً ما مواجه با آن هستیم و در همه جا که گمان می کننـد که بایـد فرم ممالک ما هم، فرم آنجا باشد. تا ما بخواهیم این فرم را تغییر بدهیم و بفهمانیم به همه قشـرها که نباید این طور باشد و ما خودمان باید در افکارمان، در آرائمان مسـتقل باشـیم، این طولانی است».(۲)

(تبلیغات قدرت ها مانع خودباوری

(تبلیغات قدرت ها مانع خودباوری

«اساس همه شکست ها و پیروزی ها از خود آدم شروع می شود. انسان اساس پیروزی است و اساس شکست است. باور انسان اساس تمام امور است. غربیان و در سابق انگلسـتان و بعد از او امریکا و سایر کشورهای قدرتمند دنبال این بودند که با تبلیغات دامنه دار خودشان به ممالک ضـعیف بباورانـد که ناتوان انـد، بباورانند که اینها نمی توانند هیچ کاری انجام بدهند؛ اینها باید در صـنعت، در نظـام، در اداره کشورهـا، دسـتشان بـه طرف قـدرت هـای بزرگ از شـرق و غرب دراز باشـد. آنهـایی کـه می خواستند مخازن این کشورهای ضعیف را ببرند، نقشه های درست فکر کرده آنها این بود که

۱- همان، ج ۱۵، ص ۱۹۲.

۲- همان، ج ۱۰، ص ۱۲.

مردم این کشور را، ملت این کشورها را، باورشان بیاورند که خودشان ناتوانند؛ ناتوانی را به خورد کشورهای مستضعف بدهند و خود مردم باور [کنند] که ما نمی توانیم صنعتی را خودمان ایجاد کنیم و نمی توانیم لشکری را خودمان اداره کنیم و نمی توانیم اداره مملکت خودمان را بکنیم. این باور که به وسیله تبلیغات غرب زدگان در این ممالک پیاده شد، این کشورها را به تباهی و عقب ماندگی کشاند. هر کاری را که انسان باورش این است که ضعیف است نسبت به آن کار، نمی تواند آن کار را انجام بدهد. هر قدر، قدرت ارتشی زیاد باشد، لکن قدرت روحی نداشته باشد و باورش آمده باشد که در مقابل فلان قدرت و فلان قدرت نمی تواند ایستادگی کند، این ارتش محکوم به شکست است و هر کشوری که اعتقادش این باشد که نمی تواند خودش صنعتی را ایجاد کند این ملت محکوم به این است که تا آخر نتواند و این اساس نقشه هایی بوده است که برای ملل ضعیف دنیا قدرت های بزرگ کشیده اند و قلم فرسایانی که در راه آنها قلم فرسایی می کردند و غرب زدگانی که وابسته به آنها بودند، این مطلب را به طور وسیع تبلیغ کردند، به طوری که این ممالک باورشان آمده بود که هیچ کاری از آنها ساخته نیست و هیچ امری از امور کشوری و لشکری و صنعت و سایر اموری که در تمدن بشر دخالت دارد از عهده اینها ساخته نیست و باید از غرب و از قدرت های بزرگ اینها تبعیت کنند، لشکرشان مستشار لازم دارد و کشورشان مدبّر. این باور مادامی که در کشورهای جهان و کشورهای مستضعف هست، برای خاطر همین باور تا آخر مبتلا و وابسته هستند».(۱)

(شست و شوی مغزی جوانان مانع خودباوری

ص:۱۷۴

۱- صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۳۰۷.

(شست و شوی مغزی جوانان مانع خودباوری

«آن قـدر تبلیغات کردند از غرب، از جلو رفتن به طرف غرب، آن قدر تبلیغات کردند که جوان های ما را در دانشگاه ، غربی بار آوردنـد. از همان دانشگاه روی تعلیماتی که بعضـی از اساتیـدی – را – که از خود آنها بودند تبلیغات کردند، جوری که جوان هـای مـا جوان هـایی شدنـد که به درد آنهـا می خوردنـد، نه به درد کشور. مغزهای اینها را شـست شو کردنـد، به جای مغزهای انسانی ایرانی، غربی گذاشـتند به طوری که اعتقاد بچه ها و جوانان ما این شد و حالا هم شاید خیلی شان این باشد که باید همه چیز ما غربی باشد. به طوری تبلیغات کردند که الان هم همین طور است».(۱)

(سلب اعتماد جوانان هدف دشمنان

(سلب اعتماد جوانان هدف دشمنان

«تبلیغـات دامنه داری برای ترقیاتی که در غرب هست که جوان های ما را غرب زده کننـد، اعتماد به کشور خودشان را از آنها بگیرند، اینها دیگر اتکال به خودشان نداشـته باشـند، هر صحبتی که می شود صحبت از غرب پیش بیاید، ...جوری تربت کنند این ملت را که خودش را ببازد و خودش را از دست بدهد».(۲)

(خودباوری، اساس انقلاب ملت ایران

(خودباوری، اساس انقلاب ملت ایران

«شـما در این مدتی که انقلاب کردید و قیام کردید خودتان باورتان آمد و به دولت های مستضعف و ملت های مستضعف هم باوراندید که می شود در مقابل امریکای جهان خوار و شوروی جهان خوار ایسـتادگی کرد. شـما دو سال است که قیام مردانه کردید و در مقابل آنها ایستادید و دست همه آنها را از کشور خودتان قطع کردید و دیدید که یک مطلبی است امکان دارد و

۱- صحیفه نور، ج ۷، ص ۸۲.

۲- همان، ج ۸ ، ص ۲۲.

شما خودتان می توانید در عین حالی که قدرت نظامیتان مثل آنها نیست و قدرت صنعتیتان مثل آنها نیست، لکن می توانید ایستادگی کنید. و یک ملت وقتی که یک مطلب را باور کرد که می تواند انجام بدهد، انجام خواهد داد. اساس، باور این دو مطلب است؛ باور ضعف و سستی و ناتوانی و باور قدرت و قوه و توانایی. اگر ملت این باور را داشته باشد که ما می توانیم در مقابل قدرت های بزرگ بایستیم، این باور اسباب این می شود که توانایی پیدا می کنند و در مقابل قدرت های بزرگ ایستادگی می کنند». (۱)

«این پیروزی که شما به دست آوردید، و برای اینکه باورتان آمده بود که می توانید، باورتان آمده بود که امریکا نمی تواند به شما تحمیل بکند. این باور اسباب این شد که آن کار بزرگ معجزه آسا را شماها انجام دادید و اگر چنانچه شما ملاحظه می کنید که در این دو سال در کشور ما صنعت های زیادی که آنها انجام می دادند خودشان انجام می دهند و باورتان باشد که خود ما هم می توانیم صنعتی داشته باشیم و می توانیم ابتکاری داشته باشیم. همین باور توانایی، شما را توانا می کند. اساس این باور است که آنها از ما گرفته بودند، آنها ما را از همه چیز نهی کرده بودند به طوری که افکار ما، باورهای ما همه وابستگی داشت». (۲)

از دقت در این راهکارها که در رهنمودهای حضرت امام رحمه الله آمده است چند نکته معلوم می شود:

۱.رعایت این ده راهکار در پیشبرد هر هدفی اعم از اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی ضامن تحقق آن است. بدون تردید در آغاز فریضه عزت

۱- صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۳۰۸.

۲- صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۱۹۴.

آفرین جهاد اقتصادی هم اگر مردم و مسئولین این رهنمودها را به نحو احسن مدنظر داشته باشند و در تمام فعالیت های اقتصاد از آنها تبعیت کنند، تمام موانع را می توانند از پیش پای خود برداشته و بر سختی ها و ناملایمات پیروز شده و همه امکانات و بسترهای لازم را برای انجام موفقیت آمیز جهاد اقتصادی فراهم نمایند.

۲. اگر در پیگیری موضوع جهاد اقتصادی این ده راهکار به صورت شایسته مورد توجه واقع شود تأثیرپذیری از طرح های غیر اسلامی که در نهایت به تعارض با اهداف نظام اسلامی در عرصه های انسان سازی و حاکمیت بخشی به احکام و ارزش های الهی منتهی می گردد، به کلی منتفی می شود و از این رهگذر جامعه اسلامی از عوارض ناشی از طرح های مادی گرایانه مکاتب اقتصادی حاکم بر عصر حاضر در حوزه نظام لیبرال سرمایه داری و سوسیالیستی به ظهور رسیده است، در امان خواهد بود.

در حقیقت حضرت امام رحمه الله با تأکید بر ایمان و اتکای به خداوند و رعایت احکام اسلامی یه منشأ نابسامانی های ایجاد شده در نظام سکولار اقتصادی حاکم بر جوامع جهانی اشاره می کنند و هشدار می دهند که نادیده گرفتن قدرت لایزال الهی و احکام و قوانین فطری مبتنی بر حقایق عالم در نهایت به همان وضعی در عرصه اقتصاد منجر خواهد شد که هم اکنون در جوامع جهانی شاهد آن هستیم که یک جلوه آن تبدیل شدن جهان به دو قطب فقیر و غنی است.

۳. موضوع دیگری که در این راهکارها بسیار حائز اهمیت است مطابقت این راهکارها با نیازهای کنونی جامعه اسلامی ماست. چرا که به موازات برداشتن گام های رشد در عرصه های مختلف اجتماعی از جمله

پیشرفت اقتصادی، دشمنان امت اسلامی در صدد برآمده اند که از تمام ترفندها برای به شکست کشاندن ملت ایران استفاده کنند. در این راهکارها چگونگی مبارزه کارآمد با این توطئه ها به صورت شفاف بیان شده است. حضرت امام رحمه الله با تأکید بر اموری چون حفظ وحدت و همدلی، تحمل سختی ها و شکیبایی در برابر ناملایمات، حفظ آرامش و نظم، خودباوری و امید، راه خنثی سازی همه نقشه های شوم دشمنان را نشان می دهند و در نهایت از راه تأکید بر ضرورت تهیه طرح و برنامه و تربیت و بکارگیری نیروهای کارآمد و صالح و اهتمام به کار و تلاش و مشارکت تنگاتنگ مردم و مسئولین رمز پیشرفت و پیروزی در جهاد اقتصادی را می آموزند.

فصل چهارم: وظایف مردم، مسئولین و رسانه ها در جهاد اقتصادی

اشاره

ص:۱۷۸

فصل چهارم: وظایف مردم، مسئولین و رسانه ها در جهاد اقتصادی

گرچه در بخش مربوط به راهکارها بسیاری از دیدگاه ها و رهنمودهای حضرت امام رحمه الله در زمینه وظایف اقشار مختلف جامعه اسلامی آمده است، لکن در این بخش قسمتی دیگر از رهنمودهای ایشان در خصوص مسئولیت مسئولین و مردم و رسانه ها ارائه می شود که محور اصلی این رهنمودها، بسترسازی و کمک به انجام کارهای مربوط به پیشرفت در عرصه های گوناگون از جمله فعالیت های اقتصادی است که تحقق مجموعه این خواسته ها، موفقیت در عرصه جهاد اقتصادی را نیز در پی خواهد داشت.

نقش مردم در جهاد اقتصادی

اشاره

نقش مردم در جهاد اقتصادی

در منظومه اندیشه های سیاسی امام رحمه الله نقش مردم در حکومت و جامعه از جایگاه والایی برخوردار است. وی در توصیف رابطه ملّت و حکومت همکاری مردم و وحدت و قدرت آنان را یک اصل اساسی دانسته از یکسو تاکید دارد که همه تلاشها و خدمت دولتها میبایست صرف عظمت و کرامت ملّت گردد و حکومت و کارگزارانش باید خود را خدمت گزار مردم

ص:۱۷۹

بدانند از سوی دیگر در تبیین تقش مردم در نظام اسلامی از آنان به عنوان تکیه گاه اصلی حکومت یاد می کنند و ضرورت همکاری مردم در اداره کشور را وظیفه الهی آنان توصیف می نمایند خدمت به دولت را خدمت به خداوند می دانند چرا که هدف از تشکیل حکومت اسلامی اجرای احکام و مقررات الهی است در این امر همکاری همگانی مردم در حل مشکلات دولت و نظارت بر سلامت انجام کارها از جمله تکالیف الهی مردم به حساب می آید. در این راستا حضرت امام رحمه الله هیچ کاری را بدون همراهی مردم نتیجه بخش نمی دانند لذا همیشه به مسئولین تأکید می کنند که اگر می خواهند در کاری موفق شوند حتماً مردم را با خود همراه کنند تا این کار محقق نشود اقدام به هر کاری محکوم به شکست است و بر این اساس است که در تمام کارهای کلان به مسئولان دولت توصیه می کنند که زمینه همکاری و مشارکت مردم را در انجام این امور فراهم سازند تا به هدفی که مورد نظرشان است بتوانند دست یابند. از طرف دیگر به مردم هم سفارش می کنند مبادا در انجام کارها و پیشبرد اهداف، مسئولین را تنها بگذارند چرا که موفقیت مسئولین در گرو همراهی مردم است.

۱.مشارکت و همکاری

۱.مشارکت و همکاری

(ضرورت مشارکت ملت

«همه ملت موظفند که در کارها به هر قدری که می توانند تشریک مساعی کنند.

هیچ کاری در این کشور نمی شود به خوبی انجام بگیرد الا با تشریک مساعی. اگر بخواهد ملت ایران بنشینند تا دولت کاری را انجام بدهد، این امری

ص:۱۸۰

است که نخواهد شد و اگر دولت بنشیند که ملت کاری را انجام بدهد، آن هم نخواهد شد. امروز ملت و دولتی در کار نیست، همه ملتند و همه دولت».(۱)

«از ملت عظیم الشأن خواهانم که به طور فعال در صحنه حاضر، و از کمک به دولت خدمتگزار و جبهه ها و پشت جبهه ها دریغ ننمایند. مسئله دفاع از اسلام و کشور اسلامی و اموال و نوامیس مسلمین از واجبات کفایی است. و همه ما، به حسب امکاناتی که در اختیار داریم، لازم است احتیاجات جبهه ها و پشت جبهه ها را، که آن نیز کمک به دفاع است، برآورده نماییم. و این جانب با تشکر از ملت بزرگوار ایران، که انقلاب را با حضور خود و فداکاری های بی دریغ به ثمر رسانده و به پیش می برند. می خواهم که به حضور فعال خود ادامه دهند؛ و در این حضور رضای خداوند تعالی را جلب نمایند. و امیدوارم که حق تعالی با عنایات خود نسبت به این ملت معظّم، همه را از مجاهدین فی سبیل اللّه محسوب، و در اجر مجاهدان صدر اسلام در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله ، شریک فرماید».(۲)

(غیرممکن بودن سازندگی بدون مشارکت مردم

«همین شما هستید که باید با دولت همکاری بکنید. دولت تنها نمی تواند که این جنگ را اداره کند.شما ملتید که در صحنه حاضرید و همین شما هستید که باید با دولت همکاری بکنید. دولت تنها نمی تواند که این جنگ را اداره کند. شما ملت هستید که می توانید دنبال او باشید و از پشت جبهه ها کمک کنید و باید بکنید. کشور خودتان است، کشور اسلامی است، اسلام در خطر است، وقتی این طور است همه ما باید و موظفیم که کمک کنیم به آنها؛ هر

۱- صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۶۹.
۲- همان، ج ۱۸، ص ۲۲۹.

کس به انـدازه ای که می توانـد کمک بکند به آنها. آوارگانی که از جنگ آمده اند در جاهای دیگر زندگی می کنند، شـما بنشـینید بگوییـد دولت همه کار را بکنـد، یا هلال احمر همه کار را بکنـد، نمی توانند بکنند همه کارها را. کار آسانی نیست، شما هم باید کمک بکنید همه باید کمک بکنند و ان شاء اللّه، می کنند». (۱)

«باید شماها توجه داشته باشید که نگاه نکنید هی به اینکه اداره چه می کند، دولت چه می کند. آنها مشغولند منتها نمی توانند آن قدری که ایران احتیاج دارد آنها عمل کنند، ایران مال خود شـماست و خود شـما باید او را بسازید و اگر همه ملت در این امر سازندگی همت نکنند، کارها زمین می ماند». (۲)

«من از همه ملت ایران تقاضا دارم که به همان طور که از اول در میدان مبارزه با کفر همه حاضـر بودید و در صحنه این مبارزه همه حاضر بودید، باز هم ادامه بدهید، که ادامه این نهضت برای اسلام است و اسلام عزیز این حق را به همه ما دارد که در راه او هر جان فشانی که می توانیم و هر اقدامی که می توانیم بکنیم». (۳)

(حضور در تمامی صحنه ها و دلیل آن

«علمای بلاد، ائمه جمعه و جماعات، مبلغین، مردم را دعوت کننـد به حضور در صـحنه. تا کنون هرچه برکات به این جمهوری اسـلامی رسـیده است و هرچه پیروزی نائل این ملت مظلوم- که در طول تاریـخ مظلوم بود- عاید شده است، از حضور ملت و همه قشرهاست [که] در صحنه اند و از اینکه جمهوری اسلامی را از خود می دانند، چنانچه از خودشان است. اسلام

۱- همان، ج ۱۷، ص ۹۴.
۲- همان، ج ۱۷، ص ۲۶۲.
۳- همان، ج ۱۵، ص۹۱.

اختصاص به شخصی دون شخصی ندارد. اسلام، اسلام همه است و جمهوری اسلامی خدمتگزار به همه است و مال همه است.

من عرض می کنم که هم علما این مطلب را همیشه به مردم گوشزد کنند و هم مبلغین گوشزد کنند که این حضور شما در صحنه و پشتیبانی شما از جمهوری اسلامی و از مجلس و از دولت و از قوه قضائیه و از ارتش و از سپاه پاسداران و همه، این رمز پیروزی است که عاید شما شده است و به شکرانه نعمت پیروزی، مردم را دعوت کنید به اینکه در صحنه باشند و مردم دنبال این باشند که مشکلاتی که برای دولت یا برای مجلس یا برای ارتش پیش می آید، ننشینند و نگاه کنند و ناظر باشند؛ در صحنه باشند و فعالیت کنند. به فعالیت شماهاست که این جمهوری زنده مانده است و ان شاءاللّٰه، با فعالیت های شما هم زنده و شکوفا خواهد بود.(۱)

مردم را در صحنه حاضر نگه دارید که آنچه انقلاب و ایران را حفظ کرده حضور مردم در صحنه است. در تمام دنیا مردمی به خوبی مردم ایران پیدا نمی شود. امروز مردم پشتیبان انقلاب اسلامی و دولت هستند. پشتیبانی مردم از دولت به خاطر این است که دولت را اسلامی می دانند و می دانند که طرف داری از دولت، طرف داری از اسلام است؛ تنها به این خاطر است که از دولت پشتیبانی می کنند، این پشتیبانی را باید حفظ کنید».(۲)

۲.پشتیبانی از دولت

۲.پشتیبانی از دولت

«ملت وظیفه دارد که در جمهوری اسلامی پشتیبانی از دولت ها بکند که به

۱- همان، ج ۱۱، ص ۲۱۶.

۲- همان ج ۱۴، ص ۴۲.

خدمت ملت هستند.(۱)

از اموری که لازم است عرض کنم، این است که شما می دانید و ذکر هم کردید مکرر که دولت بدون پشتیبانی مردم نمی تواند کار انجام بدهد. یعنی آن دولت هایی که می توانستند بدون پشتیبانی مردم کارشان را انجام بدهند که برای مردم نمی خواستند کار کنند، آنها می خواستند برای ارباب های خودشان کار کنند و روی آن مبنا مجهز برای آن جهت بودند».(۲)

«این باری که الان به دوش دولت هست نمی تواند به تنهایی این بار را بردارد. این یک مسئله واضحی است، اگر پشتیبانی این ملت نباشد، اگر پشتیبانی همه قشرها نباشد، همه به هم می خورد و هیچ کاری نمی شود کرد».(۳)

«من از شما خواستارم که به دولت کمک کنید، به ژاندارمری کمک کنید و فقط این نباشد که منتظر باشید دولت همه کارها را بکند؛ دولت نمی تواند همه کارها را انجام بدهد. شماها باید پشتیبانی کنید، هم از ارتش، هم از ژاندارمری و هم از قوای انتظامی و کلانتری ها؛ و همه با هم جلو مفسده جویان را بگیرید. این مفسده جویان می خواهند باز شما را به حال اول برگردانند و زیر ستم های سابق قرار بدهند و ذخایر شما را ببرند».(۴)

«تاکنون نظام جمهوری اسلامی به عنایت پروردگار از هیچ دولت و ملتی تقاضای کمک نکرده است و با پشتیبانی ملت و همت جوانان عزیز تمام چرخ های اقتصادی و نظامی به طور شایسته در مسیر اسلام در حرکت است».(۵)

(ملت پشتوانه حکومت

ص:۱۸۴

۱- همان، ج ۵، ص ۲۳۷.
۲- همان ، ج ۱۹، ص ۳۵.
۳- همان، ج۱۷، ص ۲۲۲.
۴- همان، ج ۵، ص ۲۸۲.
۵- همان، ج ۱۷، ص ۲۲۵.

«پشتوانه یک حکومتی ملت است، اگر یک ملتی پشتوانه حکومتی نباشد این حکومت نمی تواند درست بشود. این نمی تواند برقرار باشد».(۱)

«سران همه با هم مجتمع باشند، ایراد نگیرند به هم [که] آن به او و او به آن اشکال کند، در یک همچو موردی، در یک همچو موقعی که ما داریم، کارها همه اصلاح می شود. امیدوارم که خداوند هدایت کند همه ما را و همه شما را و همه ملت ما را و ان شاءاللّه تعالی، پیروز باشید و شما همه برای خدا ان شاءاللّه، عمل کنید. همه تان با هم باشید. پشت و پناه هم باشید، ملت خوب است، ملت یک ملت روشنی است، یک ملت خوبی است.

شماها هم همه با هم مجتمع بشوید. دولت و ملت، ارکان دولت، رئیس جمهورش، نخست وزیرش، مجلسش، همه اینها با هم مجتمع باشند در یک همچو موقع خطیری که همه گرفتار هستید. اگر پیروز بشوند، نه نخست وزیری باقی می ماند و نه رئیس جمهوری باقی می ماند و نه مجلسی باقی می ماند و نه روحانی باقی می ماند و نه بازاری. باید با هم باشید تا اینکه کار را پیش ببرید».(۲)

۳.نظارت بر دولت و مجلس

۳.نظارت بر دولت و مجلس

«باید همه زن ها و همه مردها در مسائل اجتماعی، در مسائل سیاسی وارد باشند و ناظر باشند. هم به مجلس ناظر باشند، هم به کارهای دولت ناظر باشند، اظهار نظر بکنند.

ملت باید الآن همه شان ناظر امور باشند، اظهار نظر بکنند در مسائل

۱- همان، ج ۱۱، ص ۱۳۰.

۲- همان، ج ۱۳، ص۱۷۳.

سیاسی، در مسائل اجتماعی، در مسائلی که عمل می کند دولت، استفاده بکنند، اگر یک کار خلاف دیدند».(۱)

«ما اگر نظارت نکنیم؛ یعنی، ملت اگر نظارت نکنند در امور دولت و مجلس و همه چیز، اگر کنار بروند، بسپارند دست اینها و بروند مشغول کارهایشان بشوند، ممکن است یک وقت به تباهی بکشد. ما باید ناظر باشیم به امور مردم. ما باید، ملت باید ناظر باشد به اموری که در دولت می گذرد، اموری که ــ فرض کنید که ــ در مجلس می گذرد. نظارت! توجه داشته باشد به اینها».(۲)

«کُلُّکُم رَاعٍ» همه باید مراعات کنید، همه تان «راعی» هستید، همه مردم، و همه هم مسئول هستند؛ یعنی همه باید همان طوری که یک شبانی یک گله ای را می برد و «رَعْی» می کند و می چراند و به جاهای خوب باید ببرد، مسئول این است که این را به جاهای خوب و به علف چراهای خوب ببرد و به آب های خوب، و مسئول است پیش صاحبان او و به اینکه چرا نبردی؟ همه ما آن حال را داریم، مسئولیم در مقابل خدا و در مقابل وجدان. و همه مان باید مراعات بکنیم؛ یعنی نه اینکه مراعات خودمان را؛ من مراعات همه شما را بکنم؛ شما هم هر یک مراعات همه را. یک همچو برنامه است که همه را وادار کرده که به همه «چرا» بگوییم، همه را. به هر فردی، لازم کرده به اینکه امر به معروف کند.»(۳)

(لزوم نظارت بر اسلامی بودن کارها

ص:۱۸۶

۱- همان، ج ۱۳، ص ۷۰.
۲- همان، ج ۱۵، ص ۶.
۳- همان، ج ۹، ص ۱۹۸.

«این یک سفارش عمومی است که پیش من اهمیت دارد و باید عرض بکنم به همه، به همه قشرهای ملت باید عرض بکنم با کمال دقت توجه کنید که یک قدم خلاف اسلام نباشد، یک قدم. با کمال دقت ملاحظه کنید که کمیته هایی که در تحت کفالت شماست اشخاصی توی آن نباشند که خلاف اسلام عمل می کنند. با کمال دقت ملاحظه کنید کسانی که به عنوان اسلام، به عنوان مسلمین، به عنوان چه، معممین کذا، اینها یک قدم خلاف برندارند که خدای نخواسته چهره اسلام را بر خلاف آن طوری که هست قبیح نشان بدهند. این در نظر من از همه چیزها اهمیتش بیشتر است و مسئولیتش هم بیشتر. همه ما مسئولیم که این کار را انجام بدهیم؛ یعنی آن طورکه، آن قدری که، قدرت داریم این کار را انجام بدهیم که گمان نشود که اسلام هم مثل سایر حکومت های دیگر هست و تا حالا دستشان چیزی نبوده؛ حالا که دستشان آمده، همانند که بودند و همانند که هستند.

این مسئله مهم است. و آقایان توجه کنند همه و همه ملت موظفند که نظارت کنند بر این امور. نظارت کنند اگر من یک پایم را کنار گذاشتم، کج گذاشتم، ملت موظف است که بگویند پایت را کج گذاشتی، خودت را حفظ کن. مسئله، مسئله مهم است. همه ملت موظفند به اینکه نظارت داشته باشند در همه کارهایی که الآن مربوط به اسلام است. اگر دیدند که یک کمیته خدای نخواسته بر خلاف مقررات اسلام دارد عمل می کند، بازاری باید اعتراض کند؛ عرض بکنم که کشاورز باید اعتراض کند؛ معممین و علما باید اعتراض کنند. اعتراض کنند تا این کج را راست کنند. اگر دیدند یک معمم بر خلاف موازین اسلام، خدای نخواسته، می خواهد

عمل بکند، همه موظفند که جلویش را بگیرند که امروز غیر روزهای دیگر است».(۱)

نقش دولت در جهاد اقتصادی

اشاره

نقش دولت در جهاد اقتصادی

همانگونه که در تبیین جایگاه مردم دراندیشه سیاسی امام رحمه الله گفته شد در نظام اسلامی رابطه دولت و مردم با اینکه یک رابطه دو جانبه است ولی در کل دولت با عنوان خدمت گزار مردم وظیفه دارد در حد توان نسبت به حل مشکلات آنان اهتمام ورزد، ایشان تصریح دارد که در نظام اسلامی حکومت برای مردم است نه مردم برای حکومت، لذا باید حکومت غمخوار و پشتیبان مردم باشد و در اشاره به نوع تعامل حکومت با مردم از تعبیر ارزشمند رابطه برادری استفاده کرده می فرمایند برادری و اخوّت مبنای تعامل دولت و مردم است و در جای دیگر از تعبیر محبّت از بالا ـ و اطاعت از پایین به عنوان شیوه درست ارتباط آندو یاد می کنند و در اشاره به اهداف حکومت اسلامی اصولی را مورد تاکید قرار می دهند که نتیجه و ره آورد همه آنها از یک نگاه در برآوردن نیازهای همه جانبه مادّی و معنوی مردم خلاصه می گردد. وی در اشاره به اهداف حکومت اسلامی از جمله به این امور تصریح دارد؛ ۱. تربیت انسان برای سعادت ابدی. ۲. الهی کردن امور جامعه. ۳. اجرای عدالت. ۴. هدایت مردم در مسیر اهداف الهی.

بر این اساس دولت به عنوان مدیریت کلان جامعه تا زمینه ها را فراهم نکند هیچ یک از اهداف نظام تحقق پیدا نمی کند. در عرصه فعالیت های اقتصادی هم تا دولت با تمام توان به میدان نیاید امکان پیشرفت قابل توجه

۱- همان، ج ۷، ص ۳۳.

نخواهد بود. از آنجا که دولت از توانمندی های عظیمی برخوردار است وظیفه دارد از راه تهیه طرح های مبتنی بر واقعیات راهکارهای پیشرفت اقتصادی و موانع موجود را شناسایی نموده و ابزارهای لازم را تهیه کند و همچنین با تشویق مردم و مشارکت دادن آنها در عرصه هایی که نیاز به حضور مردم است، بستر را برای رشد اقتصادی فراهم سازد و با اخلال گران برخورد قاطع نماید. حضرت امام رحمه الله در این باره توصیه های فراوانی دارند از جمله آنهاست:

۱. برنامه ریزی مناسب

۱. برنامه ریزی مناسب

«ما باید برای پیشبرد اهداف و منافع ملت محروم ایران برنامه ریزی کنیم. ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش نماییم».(۱)

«برنامه ریزی در جهت رفاه متناسب با وضع عامه مردم توأم با حفظ شعایر و ارزش های کامل اسلامی و پرهیز از تنگ نظری ها و افراط گرایی ها و نیز مبارزه با فرهنگ مصرفی که بزرگ ترین آفت یک جامعه انقلابی است و تشویق به تولیدات داخلی و برنامه ریزی در جهت توسعه صادرات و گسترش مبادی صدور کالا و خروج از تکیه به صادرات نفت و نیز آزادی واردات و صادرات و به طور کلی تجارت بر اساس قانون و با نظارت دولت در نوع و قیمت».(۲)

«برنامه ها، برنامه های سابق نباشد و یک تحول در برنامه ها پیدا بشود و

۱- همان، ج ۲۰، ص ۲۳۵.
۲- همان، ج ۲۱، ص ۴۹.

کوشش کنید که برنامه هایی که برای عقب نگه داشتن ما بوده است این برنامه ها تغییر کند؛ البته در موقعش ما کوشش می کنیم؛ اما شما الآن باید کوشش بکنید. برنامه هایی که دیگران برای ما درست کردند ما نباید زیر بار آن برویم. ما باید تغییرش بدهیم. تحول می خواهد».(۱)

(طراحی برنامه ها توسط متخصصان

«یک کلمه هم با این گروه هایی که در برنامه هستند، عرض می کنم. مسئله برنامه از مهمات یک کشور است. و چنانچه بدون برنامه، یک کشوری بخواهد اداره بشود، نمی شود اداره بشود، باید برنامه باشد. برنامه ریزی ها را باید با کمال دقت، اشخاصی که تخصص دارند، اشخاصی که توجه به مسائل سیاسی و مسائل اجتماعی و مسائل اسلامی دارند، اینها باید با کمال دقت بررسی کنند و متحداً با هم برنامه ریزی کنند و برای کشور راه برنامه ریزی، راهی باز می کند برای پیشبرد مقاصد کشور.»(۲)

۲. مشارکت دادن مردم در امور اقتصادی

۲. مشارکت دادن مردم در امور اقتصادی

«شما که می خواهید برای همه خدمت کنید، برای چهل میلیون جمعیت، یک دولت محدود نمی تواند کار بکند، باید چهل میلیون جمعیت را در صحنه نگه دارد و نگه داری به این است که شما بازار را می خواهید نگه دارید، بازار را شریک کنید در کارها، بازار را کنار نگذارید. یعنی کارهایی که از بازار نمی آید و معلوم است که نمی تواند بازار انجام بدهد، آن کارها را دولت انجام بدهد. کارهایی که از بازار می آید، جلویش را

۱- همان، ج ۶، ص ۲۵۲.

۲- همان، ج ۱۷، ص ۹۶.

نگیرید، یعنی مشروع هم نیست. آزادی مردم نباید سلب بشود....

اما راجع به تجارت، راجع به صنعت، راجع به اینها، اگر مردم را شریک خودتان نکنید موفق نخواهید شد.... مثل این است که بخواهیم چیز را کشاورزی را ما خود دولت خوب بکند خوب! کشاورزی که نمی تواند دولت کشاورزی بکند، کشاورزی را دولت باید تأیید بکند تا کشاورزها کشاورزی کنند».(۱)

«دولت چنانچه کراراً تذکر داده ام بی شرکت ملت و توسعه بخشهای خصوصی جوشیده از طبقات محروم مردم و همکاری با طبقات مختلف مردم با شکست مواجه خواهد شد. کشاندن امور به سوی مالکیت دولت و کنار گذاشتن ملت، بیماری مهلکی است که باید از آن احتراز شود و در این موضوع گزارش های مختلفی می رسد و هیئت دولت موظف است این امر را به طور همگانی گزارش دهد و کیفیت عمل را در اختیار عموم گذارد و این امر را جدی تلقی کند. و تذکر این نکته مهم است که دخالت دادن کسانی که در امور تجارت واردند، از بازاریان محرومیت کشیده و درد اسلام و انقلاب چشیده تا متخصصان وارد و مسلمان و متعهد از امور ضروری است. دولت و این دوستان باید دقیقاً توجه کنند که آزادی بخش خصوصی به صورتی باشد تا هرچه بهتر بشود به نفع مردم محروم و مستضعف کارکرد؛ نه چون گذشته تعدادی از خدا بی خبر در تمام امور تجاری و مالی مردم سلطه پیدا کنند».(۲)

(نکوهش کنار زدن مردم و دولتی کردن همه کارها

«همین طور شرکت دادن مردم را در امور، این را کراراً گفتم، شما هم

ص:۱۹۱

۱- همان، ج ۱۹، ص ۳۵.
۲- همان، ج ۱۹، ص ۱۰۸.

خودتان گفتید که یک کشوری را که بخواهید اداره بکنید، یک دولت تا شرکت مردم نباشد نمی شود اداره صحیح بشود. وقتی بنا شد که مردم شرکت کردند در کارها، شما شرکت دادید مردم را، آنهایی که الآن خدمت می کنند و سابق هم خدمت کردند به شما، به ما، به همه، به اسلام و شما را رساندند به اینجا، آنها را کنار نگذارید، رد نکنید، آنها را وارد کنید در کار. وقتی وارد کردید در کار و آنها دیدند که شما می خواهید همکاری کنید با آنها، آنها هم همکاری می کنند با شما. و بی همکاری امثال بازار، کارگرها ـ نمی دانم ـ زارعین، بدون این قشرهای مختلفی که هستند کار از پیش نمی رود، باید آنها هم وارد باشند در کار و کمک کنند. کارهایی که آنها می توانند انجام بدهند، انجام بدهند؛ مثلًا، بازرگانانی که می توانند کارهای بازرگانان متعهد، نه هر چیز، آنهایی که در صدد این اند که برای کشور خدمت بکنند، آنها را دستشان را باز بگذارید خدمت بکنند.

و دنبال این نباشید که هی هر چیزی را دولتی اش کنید. نه، دولتی در یک حدودی است، آن حدودی که معلوم است، قانون هم معین کرده و لیکن مردم را شرکت بدهید، بازار را شرکت بدهید. در کارخانه ها خیلی نظارت بکنید به اینکه هیچ اجحافی به کارگرها در آنجا نشود. کارمندان خودتان را، همه اینها را وقتی که با هم بکنید و محبت ببینند از شما، عمده این است که روح محبت از شما ببینند، وقتی دیدند شما محبت به آنها دارید، آنها هم به شما محبت پیدا می کنند، یک امر طبیعی است این معنا. و من امیدوارم که این امر متحقق بشود و ما شاهد این باشیم که بعد از یک چند ماهی رضایت همه قشرها را به دست آورده باشید. و من از خدای تبارک و تعالی می خواهم که همان طوری که شما

می خواهید خدمت بکنید، مردم هم همه به شما خدمت بکنند». (۱)

۳. حفظ پشتوانه مردمی توسط مسئولان

۳. حفظ پشتوانه مردمی توسط مسئولان

«شما باید کوشش کنید همه تان، هر کس در هر وزارتخانه هست باید کوشش کند که اجزای این وزارتخانه، افرادی که در آن وزارتخانه هست، وضع روحی اش جوری باشد که با مردم بسازد. مردم باز احساس نکنند که در این وزارتخانه هم وقتی ما بخواهیم کارمان را به وزیر بدهیم، باید یک مدتی دم در بایستیم و یک مدتی آن مأمور و آن مأمور و آن مأمور، تا برسانند ما را به آنجا، آنجا هم پشت در بایستیم. نه، این وضع اگر یک وقت ــ خدای نخواسته ــ دیدید دارد این طور می شود، بدانید که دارید رو به تباهی می روید، قدم دارید بر می دارید رو به تباهی. آن روزی شما قوی هستید که این بقال سر محله و آن مؤمن توی مسجد و آن کسی که در جاهای بزرگ و اعیان و اشراف ــ فرض کنید ــ هست، برای شما این طور نباشد که برای او یک کاری بکنید، برای این نکنید. اینها را مقدم بر آنها بدانید؛ اینهایی که شما را به وزارت رسانده اند ــ با اینکه وزارت الآن یک چیز مهمی نیست پیش شما ــ اینهایی که قدرتمندها را بیرون کردند، اینهایی که همه آن اشخاصی که مقدرات یک کشور در دستشان بود و ما را و شما را و همه کشور را به تباهی کشیده بودند، آنها را بیرون زدند، اینها را باید ما قدرشان را بدانیم؛ یعنی نگه شان داریم. برای خدا، برای اسلام، برای حیثیت خودتان، برای حیثیت کشورتان، باید این سر و پابرهنه ها را نگه شان دارید؛ اینهایی که بعد از همین که هر شهیدی شما پیدا می کنید، آن طور برایش

۱- همان، ج ۱۹، صص ۲۳۹ و ۲۴۰.

تظاهرات می کنند، آن طور برایش ــ عرض بکنم ــ به سر و سینه خودشان می زنند، که می بینید نشان می دهند. یک همچو ملتی را باید با همین وضع نگه داشت و این به دست امثال شماست که این طور باقی بماند. اگر یک وقت سر خورده بشوند از دولت و خیال کنند که دولت دارد برای خودش یک کارهایی انجام می دهد و برای ما نیست و چطور، آن وقت هست که شما هر کدامتان ــ خدای نخواسته ــ از بین بروید، یک کسی برایتان فاتحه نمی خواند. شما کاری بکنید که بعد از مردنتان هم این طور وضع مردم باشد با شما؛ بعد از شهادت هم ــ اگر نصیبتان شد ــ مردم با شما این جور باشند. پیش خدا، این ارزش دارد».(۱)

۴. گزینش نیروهای متعهد و متخصص

۴. گزینش نیروهای متعهد و متخصص

«دولت بدون گزینش اشخاص متعهد و متخصص در رشته های مختلفه موفق نخواهد شد و دولتمردان در گزینش همکاران به کاردانی و تعهد آنان و بهتر خدمت کردن آنها به کشور و در منافع ملت بودن آنان تکیه کنند تا در پیش حق تعالی و ملت رو سفید باشند و در امور موفق باشند، نه بر دوستی و آشنایی و حرف شنوی بی تفکر و تأمل که این رویّه موجب ناکامی در خدمت به کشور است. دوست خوب برای دست اندرکاران آن است که در پیشرفت امور محوله به آنان مؤثر باشد و در خدمت ملت باشد، نه در خدمت آنان، هر که و هرچه خواهد بود.

دولتمردان از دانشمندان و متخصصان متعهد استمداد کنند تا راز موفقیت را به دست آورند. دولتمردان با رویّه و فکر واحد برای رسیدن به آنچه

۱- همان، ج ۱۶، ص ۲۷۹.

صلاح اسلام و کشور است به پیش روند. و این سیاست صحیح اسلامی است. و خدای نخواسته در سیاست بازی های گروهی وارد نشوند که با ناکامی مواجه می شوند». (۱)

«استفاده از نیروهای عظیم مردمی در بازسازی وسازندگی و بها دادن به مؤمنین انقلاب خصوصاً جبهه رفته ها و توسعه حضور مردم در کشاورزی و صنعت و تجارت و بازسازی شهرهای تخریب شده و شکستن طلسم انحصار در تجارت داخل و خارج به افراد خاص متمکن و مرفه و بسط آن به توده های مردم و جامعه».(۲)

«شما باید کسانی را که برای کارها، خصوصاً برای مخابرات، انتخاب می کنید شناسایی کنید تا اینکه متعهد به اسلام باشند، نه با ادعا؛ زیرا الآن همه ادعای این را دارند که ما متعبد به اسلام هستیم. و بدانید که درعین حال که همه دنبال شناسایی اقشار مخالف، منافق و چپگرا هستند، مع ذلک، ممکن است کسانی باشند که با نفوذ خود بخواهند اوضاع را به هم بزنند و برای ملت و دولت غائله به بار بیاورند، و یا اسرار مملکت را بیرون برده و در مخابرات استراق سمع نمایند».(۳)

۵. نظارت و بازرسی

۵. نظارت و بازرسی

«دولت باید نظارت بکند... دولت نظارت کند در این که یک کالاهایی که بر خلاف مصلحت جمهوری اسلامی است، برخلاف شرع است، آنها را نیاورند. این نظارت است. همچو نیست که آزادشان کنید که فردا بازارهای

ص:۱۹۵

۱- همان، ج ۱۹، ص ۱۰۸.

۲- همان، ج ۲۱، ص ۳۶.

۳- همان، ج ۱۷، ص۱۶.

پر شود از آن لوکس ها و از آن بساطی که در سابق بود».(۱)

(تقدم مردم بر دولت در انجام کارها

«کارهایی که هم دولت می تواند انجام بدهد و هم مردم می توانند انجام بدهند، مردم را آزاد بگذارید که آنها بکنند، خودتان هم بکنید، جلوی مردم را نگیرید، فقط یک نظارتی بکنید که مبادا انحراف پیدا شود، مبادا یک وقتی کالاهایی بیاورند که مخالف با اسلام است، مخالف با صلاح جمهوری اسلامی است. این یک مسئله ای است که بسیار مهم است در نظر من».(۲)

۶. تشویق و قدردانی از متخصصین

۶. تشویق و قدردانی از متخصصین

«بر دولت ها و دست اندرکاران است چه در نسل حاضر و چه در نسل های آینده که از متخصصین خود قدردانی کنند و آنان را با کمک های مادی و معنوی تشویق به کار نمایند».(۳)

«امروز مردم از وضع دولت مطلعند و شما مردم را برای پشتیبانی از خود لازم دارید. دولت بدون پشتیبانی مردم نمی تواند کار بکند و هریک از ادارات و وزارتخانه ها باید این مسئله را مد نظر داشته باشند که برای خدا، مردم را راضی نگه دارند. و اگر شما تاریخ پنجاه سال سلطنت را ملاحظه کنید، آن وقت تکلیف خودتان را می دانید که با ملت بودن چیست و بدون ملت بودن چیست. همه ما باید برای خدمت به توده هایی که در طول تاریخ همیشه محروم بوده اند، کوشش کنیم. و دولت باید آنها را مقدم بدارد و

۱- همان، ج ۱۹، ص ۳۵.

۲- همان.

۳- همان، ج ۲۱، ص ۱۸۴.

مغزهایی را که مشغول به کارند تشویق بکند. و دولت باید این فرصت را، که در این کشور افرادی پیدا می شوند که خودشان می تواننـد کارها را انجام بدهنـد، غنیمت بشـمارد و به تدریـج، ان شاء اللّه، به آن جایی برسـند که ما دیگر به خارج احتیاجی نداشـته باشـیم. و مسلماً اینها تشویق می خواهند و شما باید به این فکر باشید که برای خدا کار کنید تا نتیجه کارتان تا ابد باقی بماند. و بدانید هر کاری که شـما انجام دهید و ملت از آن استفاده اسلامی و فرهنگی بکند، برای شما فایده دارد، اگر شما هم نباشید».(۱)

۷. تلاش برای جلب رضایت مردم

۷. تلاش برای جلب رضایت مردم

«توجه دارند آقایان که تا ملت در کار نباشد، نه از دولت و نه از اسـتانداران کاری نمی آید. یعنی، همه دسـتگاه های دولتی به اسـتثنای ملت کـاری از او نمی آیـد. از این جهت همه مـان و شـما آقایـان همه و آنهـایی که در اختیار شـما هسـتند، همه باید کوشش بکنید که رضایت مردم را جلب بکنید در همه امور. در سابق مردم نه دولت را از خودشان می دانستند، نه انتخابات را از خودشان می دانستند، نه همه رؤسا را، هیچ کدام را از خودشان نمی دانستند، جدا می دانستند.

و لهذا نه شرکت می کردند به طوری که باید، مگر آنجایی که فشار و اینها بود، و نه در مشکلات با دولت هیچ وقت همراهی نمی کردند. اگر کارشـکنی نمی کردند، همراهی نمی کردند. شـما مطمئن باشـید که در این مشکلاتی که برای کشور ما پیدا شد- بعد از پیروزی- که یک مشکلاتی بود که هر دولتی را کمرش را خم می کرد، اینکه دولت ایستاده است و به خوبی

۱- همان، ج ۱۷، ص ۱۶.

دارد عمل می کند برای این است که مردم هستند، کمک مردم است، هر جا هر نقیصه ای پیدا می شود مردم دنبالش هستند، برای رفعش دنبالش هستند».(۱)

«جلب نظر مردم از اموری است که لازم است. پیغمبر اکرم جلب نظر مردم را می کرد. دنبال این بود که مردم را جلب کند، دنبال این بود که مردم را توجه بدهد به حق. شما هم باید دنبال همین معنا باشید، دولت باید دنبال همین معنا باشد، ارتش باید همین معنا را داشته باشد، پاسدارها باید همین طور باشند. اگر خدای نخواسته، بعضی از پاسدارها جوانی بکنند و یک کاری که بر خلاف موازین است انجام بدهند، اگر این تکرار بشود خدای نخواسته، چشم مردم از آنها، رأی مردم از آنها برمی گردد و مورد سؤال واقع می شوند و این مصیبت است. شما گمان نکنید که قدرت نظامی شما را نگه داشته است، قدرت ایمان شما را نگه داشته است و پشتیبانی ملت ها، ملت. این را باید، این پشتوانه را باید حفظش بکنید. اگر این پشتوانه خدای نخواسته، یک وقتی از دست ما برود، همه ما از بین خواهیم رفت و اسلام هم دستخوش باز یک مسائل دیگر می شود».(۲)

۸. حمایت از محرومین و کم کردن فاصله طبقاتی

۸. حمایت از محرومین و کم کردن فاصله طبقاتی

«قوه محترمه مجریه، که مسئولیت آن بسیار زیاد و حجم عملش عظیم می باشد و در صورت صحت و شایستگی عمل و خلوص نیت و دل سوختگی برای کشور و ملت تحت رنج و ستم در طول تاریخ و خدمت

۱- همان، ج ۱۸، ص ۲۵۱.

۲- همان، ج ۱۷، ص ۲۵۲.

به همه ملت به ویژه طبقات محروم و ضعیف که در حقیقت سنگینی بار انقلاب از زمان ستم شاهی تا زمان پیروزی و تا امروز به عهده آنان است و همه مرهون آنان هستیم، کار ارزشمندی است که بُعد معنوی آن را جز خداوند تبارک و تعالی کسی نمی تواند به سنجش درآورد».(۱)

«شما باید برای این پابرهنه ها و مستضعفین که در طول تاریخ به استضعاف کشیده شده بودند و اینها را حساب نمی آوردند و فقط آن طبقه بالا را راضی نگاه داشتند و به اصطلاح کدخدا را می دیدند و ده را می چاپیدند، شما باید توجهتان به این توده های مستضعفی که با زحمت خودشان و رنج خودشان الآن در جبهه ها مشغول فداکاری هستند که خداوند تأییدشان کند و در پشت جبهه هم مشغول فداکاری هستند و مستضعف اند، آن بالاها اینها را ضعیف می شمارند و می شمردند و اینها به حساب نمی آمدند و در رژیم سابق برای اینها کاری نشده بود، برای اینها کار کنید.

قانع نشوید به اینکه بعضی جاها کار شده است، می دانم شده است، خیلی هم شده است، اما نباید قانع شد، باید همه دست به دست هم بدهید که ان شاء اللّه، برای اینها یک زندگی مرفهی، یک وضع صحیحی پیش بیاید، درست بشود. اینها حق دارند به ما و به شما، خیلی حق دارند».(۲)

۹. ساده زیستی و پرهیز از تجملات

۹. ساده زیستی و پرهیز از تجملات

«اگر بخواهید بی خوف و هراس در مقابل باطل بایستید و از حق دفاع کنید و ابرقدرتان و سلاح های پیشرفته آنان و شیاطین و توطئه های آنان در روح

۱- همان، ج ۱۹، ص ۱۰۸.
۲- همان، ج ۱۵، ص ۸۲.

شما اثر نگذارد و شما را از میدان به در نکند، خود را به ساده زیستن عادت دهید و از تعلق قلب به مال و منال و جاه و مقام بپرهیزید. مردان بزرگ که خدمت های بزرگ برای ملت های خود کرده اند اکثر ساده زیست و بی علاقه به زخارف دنیا بوده اند. آنها که اسیر هواهای پست نفسانی و حیوانی بوده و هستند برای حفظ یا رسیدن به آن تن به هر ذلت و خواری می دهند؛ و در مقابل زور و قدرت های شیطانی خاضع، و نسبت به توده های ضعیف ستمکار و زورگو هستند. ولی وارستگان به خلاف آنانند. چرا که با زندگانی اشرافی و مصرفی نمی توان ارزش های انسانی- اسلامی را حفظ کرد».(۱)

(لزوم ترک کاخ نشینی دولتمردان

«ما بحمداللّه امروز همه دست اندرکارهایمان کاخ نشین نیستند. دولت ما یک دولت کاخ نشین نیست. آن روزی که دولت ما توجه به کاخ پیدا کرد، آن روز است که باید ما فاتحه دولت و ملت را بخوانیم. آن روزی که رئیس جمهور ما خدای نخواسته، از آن خوی کوخ نشینی بیرون برود و به کاخ نشینی توجه بکند، آن روز است که انحطاط برای خود و برای کسانی که با او تماس دارند پیدا می شود. آن روزی که مجلسیان خوی کاخ نشینی پیدا کنند خدای نخواسته، و از این خوی ارزنده کوخ نشینی بیرون بروند، آن روز است که ما برای این کشور باید فاتحه بخوانیم. ما در طول مشروطیت از این کاخ نشینها خیلی صدمه خوردیم. مجلسهای ما مملو از کاخ نشین بود و در بینشان معدودی بودند که از آن کوخ نشین ها بودند، و همین معدودی که از کوخ نشین ها بودند از خیلی از انحرافات جلو می گرفتند و سعی

۱- همان، ج ۱۹، ص ۱۰۱.

می کردند برای جلوگیری ».(۱)

نقش مجلس در جهاد اقتصادی

اشاره

نقش مجلس در جهاد اقتصادی

با توجه به جایگاهی که مجلس در نظام اسلامی دارد، حضرت امام خمینی رحمه الله ضمن سفارش به حفظ استقلال مجلس، به همه نمایندگان تأکید می کنند که با دولت ها در جهت پیشبرد اهداف انقلاب و کشور کمال همکاری را داشته باشند و از به وجود آمدن هرگونه اختلاف بین خود و دولت جلوگیری به عمل آورند و از طریق تصویب لوایح و قانون های مناسب، زمینه را برای تحقق اهداف، هرچه بیشتر فراهم سازند و نسبت به حذف قانون های دست و پاگیر اقدام فوری به عمل آورند و برای اینکه قوانین مصوب مجلس از کارآیی بیشتر برخوردار باشند، حتماً از کارشناس های اسلامی و متخصصان عرصه های مختلف در کمیسیون ها استفاده کنند و همواره در قانون گذاری به منافع محرومان و حفظ استقلال کشور در مقابل بیگانگان، بیش از همه امور توجه و اهتمام داشته باشند.

۱. هماهنگی و همکاری با دولت

۱. هماهنگی و همکاری با دولت

«ویژگی این مجلس و محیط کشور در این دوره ایجاب می کند که مجلس و دولت هماهنگ شود تا بر مشکلات کشور فائق آیند. و هیچ یک از نهادهای جمهوری اسلامی خصوصاً مجلس و رئیس جمهوری و دولت برای یکدیگر و دیگران کارشکنی نکنند و خود را به طور جدی در خدمت اسلام و کشور درآورند تا خدای متعال آنها را پشتیبانی فرماید. و ندای آسمانی انسان ساز وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمیعاً وَ لا تَفَرَّقوا را در نظر داشته و اطاعت

۱- همان، ج ۱۷، ص ۲۱۸.

نمایند،

و از منازعه و تفرقه اجتناب نمایند و به امر آموزنده الهی گوش فرا دهند و وَاعْتَصِمُواْ بِحَبْلِ اللّهِ جَمِيعًا وَلاَ تَفَرَّقُواْ که دنباله آن تنازع، فشل و شکست و رفتن رنگ و بو و آبروست». (۱)

(به کارگیری کارشناسان متعهد و متدین در کمیسیون ها

«مجلس محترم شورای اسلامی که در رأس همه نهادهاست، در عین حال که از اشخاص عالِم و متفکر و تحصیل کرده برخوردار است، خوب است در موارد لزوم از دوستان متعهد و صاحب نظر خود در کمیسیونها دعوت کنند که با برخورد نظرها و افکار، کارها سریع تر و محکم تر انجام گیرد. و از کارشناسان متعهد و متدین در تشخیص موضوعات برای احکام ثانویه اسلام نظرخواهی شود که کارها به نحو شایسته انجام گیرد. (۲)

مجرد اینکه این آدم یک آدم خوبی است خیلی، اول وقت نمازش را می خواند و نماز شب می خواند. این برای مجلس کفایت نمی کند. مجلس اشخاص سیاسی لازم دارد، اشخاص اقتصاددان لازم دارد، اشخاص سیاست مدار لازم دارد، اشخاص مطلع بر اوضاع جهان لازم دارد. باید تعهد به اسلام باشد و موافقت با جمهوری اسلامی باشد لکن این مسائل هم باشد. در یک مجلس باید همه چیز باشد در این کمیسیون های مجلس از امور ارتشی و کشاورزی و اقتصاد و همه چیز بحث می شود، باید مطلع باشند اینها.

آنهایی که در این کمیسیون ها هستند باید اشخاصی باشد در بینشان که عالم به اقتصاد باشد، عالم به امور کشاورزی باشد، عالم به امور اداری باشد،

۱- همان، ج ۱۲، ص ۱۲۲.

۲- همان، ج ۱۷، ص ۲۰۲.

عالم به مسائل جهانی باشد.

مجلس می خواهـد ایران را در مقابل جهان اداره کند، مجلس یک چیزی نیست که بخواهد ایران را در مقابل خودش درست بکند».(۱)

۲. تصویب لوایح و قوانین مؤثر

۲. تصویب لوایح و قوانین مؤثر

«مجموعه خواسته ها و انتظارات اسلامی مردم از مجلس، رفع گرفتاری ها و محرومیت ها و دگرگونی در نظام پرپیچ و خم اداری کشور، از انتظارات به حقی است که بایـد آنها را جـدی گرفت. و نماینـدگان محترم مجلس قبل از پرداختن به لوایح و تبصره ها و مواد غیر ضروری به فکر مسائل اصلی و کلیدی کشور باشند و بر اساس اسلام عزیز در کمیسیون ها با طرح قوانین و لوایح به سمتی حرکت کنند که مشکلات اساسی کشور مرتفع و سیاست های زیر بنایی کشور در امور فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی و سیاسی در راستای کمک به محرومین و رفع استضعاف، مدون و به مورد اجرا درآید.

و امروز کشور و نظام و مدیریت آن همچون گذشته نیاز به شجاعت در حل مسائل و چه بسا وسوسه ها، ما را از رسیدن به اهداف بزرگ تری که در پیش رو و در نظر داریم محروم کنـد، که امیدوارم این مجلس با هماهنگی و همدلی نمایندگان و نیز با همسویی و ارتباط قوی با مدیران و مجریان و کارشناسان و همچنین با استفاده از نظریات و مشورت با شورای محترم نگهبان، بتوانـد گام های بلنـدی در حل معضلات محرومین و پابرهنه ها بردارد و در تنگناها و موانع، از قدرت و قاطعیت و سرعت عمل مجمع تشخیص

ص:۲۰۳

۱- همان، ج ۱۸، ص ۲۰۴.

مصلحت که پشتوانه عظیم و با برکت و پرثمری برای کشور ماست، بهره مند شود».(۱)

(سرعت در تصویب طرح های سازنده و مفید

«طرح ها و پیشنهادهایی که مربوط به عمران و رفاه حال ملت خصوصاً مستضعفین است انقلابی و با سرعت تصویب کنید، و از نکته سنجی ها و تغییر عبارات غیر لازم که موجب تعویق امر است اجتناب کنید، و از وزارتخانه ها و مأموران اجرا بخواهید که از کاغذ بازی ها و غلط کاری های زمان طاغوت اجتناب کنند و رفاه ملت مظلوم و عقب افتادگی های آنها را به طور ضربتی تحصیل و ترمیم کنند».(۲)

(خودداری از تصویب طرح های غیر عادلانه

«برنامه ریزان که در مجلس برنامه مثلا مالی کشور را طرح می کنند بر کشاورزان املاک عمومی خراج به مقدار عادلانه تعیین کنند و طوری نباشد که آنان را بیچاره کنند و سنگینی مالیات باعث از بین رفتن آنان و خرابی املاک و کشاورزی شود».(۳)

۳. حذف قوانین دست و پاگیر و زاید از ادارات

۳. حذف قوانین دست و پاگیر و زاید از ادارات

«در ادارات دولتی، قوانین دست و پاگیری که در مجالس غیر قانونی رژیم سابق به تصویب رسیده و موجب تعویق و یا تعطیل امور شده و می شود و جامعه را به تنگ آورده است به طور انقلابی لغو کنید ــ گر چه خود لغو است ــ و به جای آنها قوانین مترقی را که رفاه ملت در آنها به بهترین وجه

۱- همان، ج ۲۰، ص ۲۱۴.
۲- ولایت فقیه، ص ۱۱۰.
۳- همان، ج ۱۲، ص ۱۲۲.

ملاحظه شده باشد جای گزین گردانید».(۱)

۴. توجه ویژه به مستضعفین

۴. توجه ویژه به مستضعفین

«امید آن است که رسیدگی به حال مستضعفین و مستمندان کشور که قسمت اعظم ملت مظلوم را در بر می گیرد در رأس برنامه ها قرار گیرد، و در نخستین مجلس شورای اسلامی طرح هایی جدی در رفاه حال این طبقه محروم داده شود، و از طرف دولت منتخب شما بدون مسامحه به مورد اجرا گذاشته شود تا در پیشگاه خداوند متعال، بعضی از دیون خودتان را به این طبقه عزیز- که جان خود را برای اسلام و آزادی و استقلال کشور در طبق اخلاص گذاشته و پیروزی را برای انقلاب اسلامی به ارمغان آوردند- ادا کرده باشید».(۲)

۵. ایستادگی و مقاومت در مقابل قدرت های شیطانی

۵. ایستادگی و مقاومت در مقابل قدرت های شیطانی

«شما منتخبین مجلس که از پشتیبانی جدی ملت عزیز برخوردارید، باید با کمال قدرت در مقابل قدرت های شیطانی که در رژیم دست نشانده سابق، حاکم بر سرنوشت ما بودند بایستید و از هیچ قدرتی غیر از قدرت خداوند قادر نهراسید، و جز به مصالح کشور به چیز دیگری فکر نکنید. متوجه باشید که در خارج از مجلس با صحنه سازی ها و اغفال، چه بسا چپ گرایان و یا راست گرایان و یا ریشه های فاسد رژیم سابق طمع کنند که با نفوذ در مجلس مقاصد شوم اجانب را تحمیل نمایند. باید همه با هوشیاری در طرح ها و مسائل روز دقت فرمایید و از کئد دشمنان به خدای تعالی پناه

۱- صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۱۲۲.

۲- همان.

ببرید. خداوند متعال همه ما را از لغزش ها نگه دارد».(۱)

نقش رسانه در جهاد اقتصادی

اشاره

نقش رسانه در جهاد اقتصادی

حضرت امام رحمه الله برای رسانه ها اعم از نشریات و صدا و سیما نقش و اهمیت بسیاری قائل بودند. در گام اول به اصلاح رسانه ها بر طبق موازین اسلامی تأکید داشتند و از دست اندرکاران رسانه ها می خواستند که نسبت به اصلاح نابسامانی های موجود در عرصه سیاست گذاری های داخلی رسانه ها توجه کنند و اصول ایدئال رسانه اسلامی را از آموزه های دینی استخراج کرده، بر طبق آن اصول به اصلاح آن بپردازند. آنگاه با توجه به توانایی های رسانه برنامه های خود را در محورهای مورد نیاز جامعه تنظیم نمایند و بسیار توجه داشته باشند که مبادا در تعیین خط و مشی، دست اندرکاران رسانه از اصول و شیوه های رسانه های بیگانگان متأثر شوند. حضرت امام رحمه الله در میان رسانه ها به صدا و سیما توجه و اهمیت بیشتری می دهند چرا که این رسانه در میان تمام رسانه ها از همه حساس تر و تأثیرگذارتر است و میتواند یک مملکت را اصلاح کرده یا خدای ناکرده به تباهی و فساد سوق دهد. از جمله اموری که صدا و سیما را از سایر رسانه ها و ابزارهای فرهنگی تبلیغی ممتاز می سازد موارد زیر است:

۱. صدا و سیما مخاطبان بسیار زیاد و در عین حال متنوعی را تحت پوشش قرار می دهد.

۲. از توانایی آموزشی و تربیتی بسیار بالایی برخوردار است به تعبیر حضرت امام رحمه الله به منزله یک دانشگاه عمومی است که قلمرو گسترده آن

۱- همان، ج ۱۲، ص ۱۲۲.

حتی فراتر از سطح کشور است.

با توجه به این قبیل از ویژگی هاست که انتظار می رود این رسانه همانند برخورد معلم با شاگردان بسیار دقیق و سنجیده عمل کند. یعنی از طریق ارائه برنامه های اصولی و منطبق با موازین اسلامی به روشنگری بپردازد. نسل آینده را که مهم ترین مخاطبان این رسانه به حساب می آیند متفکر، با ایمان و پایبند به اخلاق و ارزش های انسانی و مستقل و آزاده و... تربیت کند.

بدیهی است این امر وقتی میسر است که سازمان صدا و سیما ضمن حفظ استقلال خویش زیر نظر اشخاص متعهد و آگاه اداره شود و دست اندرکاران و برنامه سازان آن با استمداد از عنایات پروردگار در چارچوب احکام و مقررات اسلامی به انجام وظیفه بپردازند در این باره رهنمودها و روشنگر های فراوانی از بینان گذار نظام مقدس اسلامی به یادگار مانده است که با نصب العین قرار دادن آنها می توان به رسانه ای که به معنای واقعی کلمه یک دانشگاه عمومی به حساب می آید دسترسی پیدا کرد در این مورد از جمله محورهایی که مورد تأکید امام رحمه الله است می توان به امور زیر اشاره کرد:

۱. لزوم توجه به تولید برنامه های اسلامی که به تربیت و رشد نیروهای انسانی صالح کمک می کند و یا جامعه را به سوی معنویت و تعالی اخلاقی سوق می دهد.

۲. آگاهی بخشی و غفلت زدایی از مردم.

۳. پاسخ به شبهه افکنی دشمنان و خنثی سازی شایعات و تبلیغات دروغین دشمنان.

۴. انتقاد سالم و سازنده از مسئولین با رعایت مصالح امت اسلامی.

۵. نظارت بر کارکردها و تبیین نقاط ضعف و قوت طرح ها و برنامه های دولت.

۶. بیان دستاورد های نظام اسلامی.

۷. ایجاد محیطی مناسب برای تضارب آراء.

۸. ایجاد امید و نشاط در مردم.

۹. کمک به حفظ آرامش جامعه و احتراز از طرح مسائل تفرقه انگیز.

۱۰. انعکاس دیدگاه های کارشناسان و متخصصان عرصه های مختلف علمی و فرهنگی به منظور فراهم شدن بستر پیشرفت ها.

و ....

بدیهی است که در موضوع جهاد اقتصادی هم توجه کردن به همین رهنمودهای اصولی می تواند به فراهم سازی زمینه شناخت عرصه های رشد اقتصادی و برطرف سازی موانع و خنثی سازی کارشکنی دشمنان و جلب مشارکت مردم با دولت و هماهنگی قوای سه گانه با همدیگر ... کمک شایانی بکند.

۱. تربیت و رشد نیروی انسانی

اشاره

۱. تربیت و رشد نیروی انسانی

«تمام رسانه ها مربی یک کشور هستند. باید تربیت کنند کشور را، افراد یک کشور را و باید خدمت کنند به ملت».(۱)

«آنکه در یک موقعی از همه خیانت ها بالاتر است این است که نیروی انسانی ما را عقب بزنند و نگذارند درست بشود. آنکه از همه خدمت ها بالاتر است این است که نیروی انسانی ما را رشد بدهد و این به عهده

۱- همان، ج ۶، ص ۱۹۳.

مطبوعات است، مجله هاست، رادیو تلویزیون است. سینماهاست، تئاترهاست. اینها می توانند نیروی انسانی ما را تقویت کنند و تربیت صحیح بکنند و خدمتشان ارزشمند باشد».(1)

«سینمایی که بایـد معلّم این جوان ها باشـد، مربی این جوان ها باشد، اصـلاح کند اینها را، جوری درسـتش کردند که به فساد می کشاند آنها را آنهایی که، عقلایی که، اینها را درست کردند اگر برای ماها درست کرده باشند، روی همان عقل خودشان، برای مهار ما، برای این است که جوان های ما را از دسـتمان بگیرند و اما برای خودشان اگر درست کرده باشـند، ممکن اسـت که یک اغراض صحیحی هم داشته باشند.

لکن مطبوعات، سـینما، تلویزیون، رادیو، مجله ها، همه اینها، برای خـدمت به یک کشور است. اینها باید در خدمت باشـند، نه اینکه هر کس پا شود یک مجله ای درست کنـد، هرچه دلش بخواهـد در آن باشـد... اگر بیـدار شدنـد این جوان های ما، این نویسـنده های ما، این گوینـده های ما، این متفکرین ما، اگر بیـدار شدنـد، حالا بایـد همه چیز فُرمَش تغییر بکنـد. مجله باید در خـدمت کشور باشـد. خـدمت به کشور این است که تربیت کنـد؛ جوان تربیت کنـد، انسان درست کند؛ انسان برومند درسـت کند، انسان متفکر درست کند؛ تا برای مملکت مفید باشد». (2)

«این دسـتگاه ها را می بینید که از بچه های کوچولو تا بزرگ ها و پیرمردها و پیرزن ها پایش می نشـینند و نگاه می کنند؛ این دستگاه اگر آموزنده باشد، اگر فیلم ها یا ـ عرض بکنم که ـ خطابه ها یا حرف ها یا اخبار جوری باشد

۱- همان، ج ۸، صص ۲۴ و ۲۵.

۲- همان، صص ۲۳ و ۲۴.

که آموزنده باشد، این بچه کوچولو هم از حالا تربیت می شود، یک تربیت صحیح، و اگر چنانچه خدای نخواسته یک خلافی در او باشد، آن بچه ها که کوچک اند از اولِ تربیت، تربیت فاسد می شوند. و این هم به عهده شماست. به عهده ما یک مسئله مشکلی است هم تربیتش که یک چیزی است که مثل یک مکتب سیاری می ماند، که همه جا برود، منتها در یک وقت همه جا می رود و همه هم گوش می کنند. چون بچه ها علاقه دارند به نگاه کردن به این عکس ها، و نگاه به این فیلم ها، آنها می نشینند پایش نگاه می کنند. اگر فیلم یک فیلم آموزنده باشد، این بچه ها تربیت می شوند به تربیت صحیح. و اگر یک فیلمی باشد که بر خلاف باشد، و عرض می کنم که انحراف کننده باشد، بچه ها تربیت می شوند به تربیت انحرافی. بزرگ ها هم همین طور، بنابراین، مسئولیت است. الآن مسئولیت خدایی است؛ مسئولیت اخلاقی است؛ مسئولیت ملی است. همه مسئولیت ها الآن به عهده این دستگاه هست». (۱)

«هر کس مجله می خواهد بنویسد باید مجهز باشد که این نسل آینده را تربیت کند. برای نسل آینده فکری بکنید. اسلام همه نسل ها را مکلف می داند. پیغمبر اسلام مکلف بودند برای همه نسل ها. همچنین مکلفیم که برای نسل های آینده کار کنیم. باید تربیت ما از اولاد در خانه و دبستان و دبیرستان ها باشد. ان شاء اللّه موفق باشید که مجله تان تربیت کننده باشد زیاد نوشتن نباشد، خوب نوشتن باشد». (۲)

(آموزش و آگاهی بخشی

ص:۲۱۰

۱- همان، ج ۹، ص ۲۶۴.

۲- همان، ج ۱۵، ص۳۸.

(آموزش و آگاهی بخشی

«شما بدانید که این دستگاه هایی که الان اسم بردید و بعض شما یا همه شما مشغول او هستید، اینها دستگاه های آموزشی باید باشد.... اینها چیزهایی است که آموزشی است. رادیو و تلویزیون یک دستگاه آموزشی است. سینما یک دستگاه آموزشی است. باید دستگاه ها را به طور مسالمت، به طور صحیح ، به طور سلیم اداره کرد».(۱)

«سینما یک جایی است که برای آموزش است، برای پرورش است. رادیو _ تلویزیون؛ همه اینها تا وقتی که رسید اینجا، به دست اینهایی که مأمور بودند از طرف غیر که وطن را به این حال درآورند و مأموریت برای وطن داشتند، اینها را منقلب کردند به یک چیزی که بر خلاف بود. حالا از این به بعد باید همه اینها یک دستگاه پرورش باشد، یک دستگاه آموزش باشد. رادیو همین طور، تلویزیون همین طور، تئاتر همین طور، همه اینها».(۲)

«امروز تکلیف همه شما آقایانی که از خارج تشریف آوردید، شعرای شما، نویسندگان شما، گویندگان شما، این است که شعرا در اشعارشان قضایای این انقلاب را منعکس کنند؛ اگر توانستند در مجامع عمومی و اگر نتوانستند حتی در مجامع خصوصی هم محفوظ بماند برای نسل های آتیه ای که فرزندانشان الآن بعضی شان از کوچولوهایی که در ۲۲ بهمن متولد شده اند، و آنهایی که در طول تاریخ می آیند. باید مردم را، مردم جهان را، مستضعفان جهان را آگاه کنید، آگاه کنیم به اینکه چه مصایبی بر اینها وارد شده است و در تحت چه شرایطی زندگی می کنند و آنان که به آنها

۱- همان، ج ۵، صص ۲۱۰ _ ۲۹۰.

۲- همان، ج ۵، ص ۲۵۰.

حکومت می کنند تحت چه شرایطی هستند و وضع زندگی مالیشان چطور است. و آنهایی که از دولت های اسلامی هستند، ذخایر خودشان را به کجا خرج می کنند و در جیب کی می ریزند... شعرا در طول تاریخ باید بنویسند این امور را و به شعر، مردم را بیدار کنند. و نویسندگان اگر می توانند در نطق ها و نوشته های خودشان، در مجامعی که می روند در شهرهای خودشان، در کشورهای خودشان مسائل ایران را ابلاغ کنند؛ و اگر نمی توانند در کتب و رساله های خودشان ثبت کنند که بعدها وقتی که مردم در نسل های بعد می آیند، ببینند که دشمن های آنها کی هست و دوستان آنها کی و تکلیف آنها با دوستانشان و دشمنانشان چیست. اگر ما در تبلیغ قصور کنیم، اگر ما در گفتن و نوشتن شعر و نثر و همه نحو نوشتن و گفتن قصور کنیم، ما مدیون نسل های آینده هستیم که ممکن بود با نوشته های شما، با نوشته های نویسندگان عزیز و با اشعار آنها، بیدار بشوند و مطلع بشوند بر اینکه بر این ملت ها در این زمان چه گذشته است و ماها چه تحمل رنج ها کردیم، بلکه آنها درصدد علاج برآیند».(۱)

(غفلت زدایی از مردم

(غفلت زدایی از مردم

«اکنون بر علمای اسلام و نویسندگان و دانشمندان و هنرمندان و فیلسوفان و محققان و عارفان و روشنفکرانی که از این مسائل رنج می برند و به حال اسلام و مسلمین تأسف می خورند، در هر منطقه و دارای هر مذهب و مسلکی که هستند، لازم است برای جلوگیری از این خطر عظیم که اسلام و مسلمین گرفتار آن هستند دامن همت به کمر زنند، و با هر وسیله ممکن در مساجد و محافل و مجالس عمومی مسلمانان را هشدار دهند و از آنان

ص:۲۱۲

۱- همان، ج ۱۷، ص ۱۹۲.

غفلت زدایی نمایند، و آنان را برای یک نهضت عمومی اسلامی مهیا کنند. و باید بدانند که این امری است ممکن و شدنی، ولی محتاج به کوشش و فداکاری می باشد».(۱)

(تلاش برای ساختن جامعه ای متفکر، مستقل و آزادمنش

(تلاش برای ساختن جامعه ای متفکر، مستقل و آزادمنش

«باید این دستگاه دستگاهی باشد که بعد از چند سال، تمام قشر ملت را روشن کند. تمام را مبارز بار بیاورد. تمام را متفکر بار بیاورد. تمام اینها را مستقل بار بیاورد. آزادمنش بار بیاورد. از غرب زدگی بیرون کند. استقلال به مردم بدهد».(۲)

«پافشاری من نسبت به رادیو ــ تلویزیون بیشتر از چیزهای دیگر است. برای اینکه این فسادش موجب فساد ملت و جامعه می شود. برای اینکه چیزی که در اینجا گفته می شود، سرتاسر مملکت آن چیز پخش می شود، و انحراف در سطح مملکت و همچنین در خارج پیدا می شود.

از این جهت، این سازمان باید صد در صد به صورتی باشد که با نهضت و انقلاب اسلامی بسازد. نه اینکه ما بگوییم رادیو- تلویزیون اسلامی هست، ولی ببینیم یک حرف هایی در آن می زنند که به اسلام و به انقلاب اسلامی لطمه وارد می آورد. باید کاملًا توجه داشت که به هیچ وجه ما نباید مقلد شرق و غرب باشیم. زیرا تقلید از شرق و غرب با رادیو- تلویزیون اسلامی نمی سازد. باید کاملًا مراقبت کنید و خوف از گفته ها و نوشته های این روشنفکران غرب زده ابداً نداشته باشید. این روشنفکران در فکر این هستند که مملکت را به خواست خودشان یک مملکت لوکس درست بکنند، و

۱- همان، ج ۱۹، ص ۴۲.
۲- صحیفه امام، ج ۶، ص ۳۹۹.

دیگر هرچه خرابی هم باشد مانعی ندارد. آنها دلشان می خواهد یک مملکت غربی درست بشود، و حال اینکه مردم اینجا همه جدیت کردند برای اینکه اسلام در ایران پیاده شود».(۱)

۲. رشد و هدایت جامعه

۲. رشد و هدایت جامعه

«در باب نشریات، خودتان می دانید که نقش نشریات در هر کشوری از همه چیزها بالاتر است. روزنامه ها و مجلات می توانند یک کشوری را رشد بدهند و هدایت بدهند به راهی که صلاح کشور است و می توانند که به عکس عمل بکنند».(۲)

«اگر مطبوعات متحول بشود _ و ان شاء الله می شود و شده است _ متحول بشود به یک مراکزی که بخواهند تقوا را در جامعه منتشر کنند، وقتی جوان ها و بچه های تازه رس ما وارد می شوند در میدان فعالیت اجتماعی، بروند دنبال روزنامه، روزنامه مربی باشد، گوش کند به رادیو، رادیو مربی باشد، نگاه کنند به تلویزیون، تلویزیون مربی باشد، نگاه کنند به مجلات، مجلاتی باشد که تربیت بکند، این جوان وقتی به هر جا توجه کرد دید که گوش و چشمش پر شده از تربیت، این طور بار می آید. اگر رها بشود، هرزه بار می آید. اگر بکشندش در طرف فساد می رود آن طرف و اگر بکشندش در طرف صلاح می آید این طرف».(۳)

۳. ایجاد جو سالم

۳. ایجاد جو سالم

۱- صحیفه نور، ج ۱۲، صص ۸۴ و ۸۵.

۲- همان، ج ۱۴، ص ۲۴۸.

۳- همان، ج ۱۳، ص ۴۱.

«مطبوعـات در هر کشوری نقش اساسـی را در ایجـاد جوی سالم و یا ناسالم دارنـد. امیـد است که در خـدمت خـدا و مردم در آیند».(۱)

۴. تلاش برای حفظ آرامش در جامعه

۴. تلاش برای حفظ آرامش در جامعه

«مـا الآـن در ایران احتیـاج به آرامش داریم. اگر مـا بخواهیم که این نهضت پیروز بشود، بایـد مـا آرامش این مملکت را حفظ کنیم. بایـد همه قشرها متوجه باشـند که آرامش را حفـظ بکننـد. نبایـد به جـان هم بیفتنـد و بایـد همه دلشـان را یکی کننـد. تلویزیون بایـد ارشـاد بکنـد. روزنـامه هـا بایـد ارشاد بکننـد. روزنامه ها نبایـد یک چیزهایی را که موجب تهییـج مردم است و موجب انحراف مردم است در آنجا بنویسند. رادیو نباید این کار را بکند. باید ارشاد بکند و در عین حال مردم را متوجه به این بکنند که ما دشـمن داریم و دشـمن دنبال این است که تشـنج پیدا بشود و باید از تشـنج ها جلوگیری کرد و باید آن اشـخاص منحرف را ارشاد کرد و اگر ارشاد نشدند، آنها را منزوی کرد، بی اعتنایی کرد به آنها».(۲)

۵. تقلید نکردن از شرق و غرب و روشنفکران وابسته به آن دو

۵. تقلید نکردن از شرق و غرب و روشنفکران وابسته به آن دو

«بایـد کاملًا توجه داشت که به هیـچ وجه مـا نبایـد مقلـد شـرق و غرب باشـیم. زیرا تقلیـد از شـرق و غرب بـا رادیو- تلویزیون اسـلامی نمی سازد. باید کاملًا مراقبت کنید و خوف از گفته ها و نوشـته های این روشـنفکران غرب زده ابداً نداشته باشید. این روشـنفکران در فکر این هسـتند که مملکت را به خواست خودشـان یـک مملکت لوکس درست بکننـد، و دیگر هرچه خرابی هم باشد مانعی ندارد. آنها دلشان می خواهد یک مملکت غربی درست بشود، و حال

۱- همان، ج ۱۲، ص ۲۳.

۲- همان، ج ۱۷، صص ۱۱۸ و ۱۱۹.

اینکه مردم اینجا همه جدیت کردند برای اینکه اسلام در ایران پیاده شود. نه فقط یک صورت اسلام، و وقتی سر به هر اداره اش می زنیم اسلام در کار نباشد. باید شدیداً با روشنفکران غرب زده مبارزه کرد».(۱)

۶. احتراز از طرح مسائل تفرقه انگیز و انحرافی

۶. احتراز از طرح مسائل تفرقه انگیز و انحرافی

«باید مطبوعات یک خدمتی که برایش محول است و وجداناً برای کشور ما مطرح است، آن خدمت را انجام بدهند تا به اسلام خدمت کرده باشند و به کشور خودشان خدمت کرده باشند. این خط را باید دنبال کنند، یعنی هر مسئله ای که می خواهند طرح بکنند باید توجه به این داشته باشند که همان مسئله و دنبال همان کار باشند. مسائل دیگری که مربوط نیست به این مسائل یا مسائل دیگری که مخالف است با این مسائل غیر مربوط، اگر یک مسائل غیر مضری باشد، خوب مانعی ندارد که گفته بشود و نوشته بشود اما مسائلی که مضر به وحدت جامعه است و مضر به آن انگیزه ای است که جامعه برای او قیام کرد یعنی مضر به اسلام است، باید مطبوعات از او احتراز کنند».(۲)

«خدمتی که مجله ها و روزنامه ها و سایر رسانه های این مملکت می توانند به کشور خودشان و به اسلام بکنند این است که وضع این مجله ها را تغییر بدهند، این مجله ها در زمان رژیم سابق یک وضعی داشت از حیث مطالب، از حیث عکس ها، و از این جهات. اگر شما بخواهید خدمتی بکنید به کشور خودتان، خدمتی بکنید به اسلام، باید از چیزهایی که انحراف می آورد، اینکه در مجله ها این عکس های شهوانی مبتذل و آن مقالات

۱- صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۲۹۱.
۲- صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۲۴۸.

منحرف کننده بود، شما خیال نکنید که این همین طور واقع شده بود. این هم یک راه حساب شده ای بود که جوان های ما را به انحراف بکشاند».(۱)

۷. جلوگیری از توطئه و خنثی کردن آنها

۷. جلوگیری از توطئه و خنثی کردن آنها

«به مطبوعات و رسانه های جمعی همین اخطار را اکیداً می کنم، آزادی غیر از توطئه است. از توطئه های خلاف مصالح عالیه اسلام و کشور جداً جلوگیری می شود و من در صورت احساس خطر جدی، مسائلی را با ملت در میان می گذارم تا ملت دلیر خود تصمیم بگیرد.(۲)

نویسندگان و روشنفکران متعهد و رسانه های گروهی بر حجم تبلیغات خود افزوده و تبلیغات دامنه دار دشمنان جمهوری اسلامی ایران را خنثی نمایند».(۳)

۸. ایجاد جو امید و اطمینان در ملت

۸. ایجاد جو امید و اطمینان در ملت

«امید در خودتان ایجاد کنید. نویسندگان ما، گویندگان ما همه شان دنبال این باشند که به این ملت امید بدهند. مأیوس نکنند ملت را. بگویند توانا هستیم. نگویند ناتوان هستیم. بگویند خودمان می توانیم و واقع همین طور است، می توانیم اراده بکنیم.

نویسنده های ما بهترین خدمتشان امروز این است که این ملتی که ایستاده در مقابل شرق و غرب و نمی خواهد تحت نظام شرق یا نظام غرب باشد، امید به آنها بدهند که می توانید تا آخر وابسته به شرق و غرب نباشید. اگر این نویسنده ها، اگر این گوینده ها به جای اینکه به هم اشکال تراشی

۱- همان، ج ۸، ص ۲۲.

۲- همان، ص ۲۱۹.

۳- همان، ج ۱۵، ص ۲۳۲.

بکننـد، به جای اینکه به جان هم بریزنـد، با هم امید در ملت ایجاد کنند. اطمینان در ملت ایجاد کنند، اسـتقلال روحی در ملت ایجـاد کننـد، اگر این خـدمت را این رسـانه هـای گروهی، این مطبوعات، این نویسـندگان، این گوینـدگان، این اطمینان را در ملت ایجـاد کننـد، ما تا آخر پیروز هستیم. و حیف است که یک ملتی که ایسـتاده و خون جوانان خودش را داده و همه چیزش را فدای اسـلام و استقلال کشورش کرده ماها که گوینده هستیم، نویسنده هستیم، آنهایی که در مطبوعات چیز می نویسند، در رادیو و تلویزیون صـحبت می کننـد، حیف است که اینها توجه به این معنا نداشـته باشـند که بایـد ملت را امیـدوار کرد، و باید مطمئن کرد ملت را».(۱)

۹. انتقاد سالم توأم با مصلحت اندیشی

۹. انتقاد سالم توأم با مصلحت اندیشی

«بایـد مطـالب نشـریات رو به انتقاد سالم و مصـلحت اندیشـی و هـدایت باشـد. گاهی ممکن است یک انتقادی از باب اینکه با سلامت نفس نوشـته نشده است، باعث بدتر شدن اوضاع شده باشد. انتقادی وضع را آرامش می دهد که از روی مصالح باشد و نویسـنده توجه به این داشته باشد که مسئولیت الهی دارد و پیش خدا مسئول است. کسی که قلم به دست می گیرد بداند که مورد سؤال قرار می گیرد که اینکه نوشتی چه بود».(۲)

(ایجاد محیطی مناسب برای تضارب آراء

«بار دیگر تذکر می دهم که آنجا را از وابستگان رژیم سابق تصفیه کنید. البته مصاحبه اشکالی ندارد ولو یک کمونیست بیاید و حرفش را بزند و در همان جا از شخص دیگری جواب گیرد. این مانعی ندارد. خلاصه رادیو

۱- همان، ج ۱۳، صص ۲۸۶ و ۲۸۷

۲- همان، ج ۱۴، ص ۲۴۸.

تلویزیون نباید در دست یک عده مفسده جو باشد».(۱)

۱۰. تولید برنامه های اصولی و مناسب

۱۰. تولید برنامه های اصولی و مناسب

«شما که مسئولیت بسیار سنگینی به عهده تان می باشد، مطمئن و استوار به کار خودتان ادامه دهید. هر روز برنامه هایتان را بیشتر و بهتر توسعه دهید و کوشش نمایید تا برنامه های اصولی و منطبق با موازین اسلام ارائه نمایید و حیثیت ملت و مذهب خودتان را حفظ کنید. باید برنامه ها بر اساس بینش و فرهنگ اسلام تنظیم شود».(۲)

«فیلم هایی که در رادیو هست، در تلویزیون هست، فیلم های آموزنده باشد. فیلم هایی باشد ولو از خود ایران درست کنند، آموزنده باشد یا فیلم هایی که از خارج می آید درست تفتیش بشود که هیچی نباشد... روی مقاصد کشور باشد، روی مصالح کشور باشد، در خدمت خود کشور باشد، نه در خدمت دیگران».(۳)

۱۱. تشویق مردم

۱۱. تشویق مردم

«باید با اخبار مردم را تعلیم کرد و باید اخبار به صورتی باشد که مفید باشد، باید کاری شده باشد تا اخبار باشد. آن اشخاصی که در اطراف ایران زحمت می کشند، وقتی خبرشان را دادید، تشویق می شوند. این طور نیست که همه لله کار کنند و چه بنویسند و چه ننویسند فرقی نکند. ما مکلفیم تا افراد را

۱- صحیفه امام، ج۱۲، ص ۲۹۲.
۲- صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۱۵۷.
۳- همان، ج ۱۲، ص ۱۰۴.

در هر رشته ای تشویق کنیم تا امثالشان زیاد شود».(۱)

۱۲. بیان دستاوردها و عملکردهای نظام

۱۲. بیان دستاوردها و عملکردهای نظام

«از وظایف هم رادیو و تلویزیون و هم مجلات و سایر جاها این است که مسائلی که شده است بگویند. من در همان اوایل ... امر به آقایان گفتم که آقا شماها مسائلی که انجام می دهید در رادیو و تلویزیون اعلام کنید که ما این کار را کردیم، آن کار را کردیم».(۲)

۱۳. مقابله با تبلیغات دشمنان و افشای اکاذیب آنها

۱۳. مقابله با تبلیغات دشمنان و افشای اکاذیب آنها

«شما می دانید که تبلیغات خارجی علیه ما زیاد است. شما باید با تبلیغ فرهنگ اسلامی به دروغ پراکنی های صداهای خارجی پاسخ دهید. امروز ابرقدرت ها از انقلاب اسلامی ما سیلی خورده اند و می ترسند که مبادا در نقطه ای دیگر انقلابی دیگر مانند انقلاب ما صورت گیرد».(۳)

«شما می دانید که دشمنان اسلام چون منافع شخصی خودشان را خیال می کنند که از بین رفته است، و از بین رفته واقعاً، همه با این دستگاه و همه دستگاههای دولتی و دستگاه های اسلامی مخالفند و ما باید کوشش کنیم که در مقابل این همه تبلیغاتی که هر روز دارد می شود، آن هم تبلیغات بسیار بد، که اگر یک نفر عاقل درست نگاه کند می فهمد که این تبلیغات چه جور تبلیغاتی هستند و دروغ بودنش را ما که در این محیط هستیم می دانیم، لکن خوب ممکن است در جاهایی اشخاصی، افرادی باشند بی اطلاع باشند

۱- همان، ج ۱۹، ص ۲۱۶.

۲- همان، ج ۱۳، ص ۲۵۱.

۳- صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۲۴۳.

و گمان کنند که واقعاً یک همچو مسائلی می گذرد».(۱)

«به زبان های خارجی چنانچه پخش می کنید، بگویید مسائل ایران را... شما هم هرکدامتان برنامه های خارجی دارید، مسائل ایران را درست آن طوری که هست بگویید، مطالبی که آنها در روزنامه هایشان می نویسند، مطالبی که آنها در رادیوهایشان می گویند، بفهمانید به مردم خارج که اینها دروغ می گویند.(۲)

ما باید تبلیغاتمان زیاد باشد و پوشش رادیومان، تلویزیونمان زیاد بشود تا بتوانیم مطالب خودمان را به عالم برسانیم. حالا همه مطالبی که ما داریم، همه چیزهایی که داریم، اصلاً نمی گذارند به جایی برسد. بله اگر یک چیز خلافی یک ذره وارد بشود، آن وقت رادیوها ببینید چه خواهند کرد».(۳)

۱۴. رعایت مصالح مسلمین

۱۴. رعایت مصالح مسلمین

«مطبوعات باید این توجه را داشته باشند که چیزهایی که برای ملت مفید نیست در روزنامه ها ننویسند، کاغذ صرف این نکنند، وقت صرف این نکنند، باید رادیو تلویزیون توجه به این معنا داشته باشند که این از بیت المال مسلمین است، باید وقتش صرف چیزهایی که مربوط به مصالح مسلمین نیست، نشود، مسئولیت دارد اینها».(۴)

«رادیو و تلویزیون سرتاسر مملکت را همچو کنند که همه اش محتوا، محتوای اسلامی، موافق مصالح کشور، موافق مصالح اسلام».(۵)

«با قدرت و با تصمیم اراده، آنجا بروید و اصلاح کنید امور را و پخش

۱- صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۲۳۸.

۲- همان، ج ۱۰، ص ۲۳.

۳- صحیفه امام، ج ۱۶، ص ۸۵.

۴- صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۲۲۴.

۵- همان، ج ۱۰، صص ۱۵ و ۱۶.

اخبار را. و باید تحت نظر بگیرید و نگذارید که یک اموری که بر خلاف مصالح کشور است پخش بشود».(۱)

۱۵.کنار گذاشتن متخصصین مضر و فاسد

۱۵.کنار گذاشتن متخصصین مضر و فاسد

«از قراری که من شنیدم، بعضی از افرادی که متعهد بودند و مسلمان بودند و برای کشور خودشان دلسوز بودند، از آنجا کنار گذاشتند، و بعضی افرادی که باید تصفیه بشوند، اینها باز سر کارها هستند. شما باید با سایر آقایانی که در آنجا هستند و متعهد، با هم این افرادی که الآن برای مملکت ما مضر هستند، این چپی ها و اینهایی که به یک طرف، این طرف رابطه دارند، اینها را باید تصفیه کنید، و بدون اینکه بترسید تصفیه کنید اینها را، و به جای آنها جوان های متعهد و اسلامی را بیاورید. و آنهایی را که بیرون کردند از اشخاصی که متعهد بودند، باز ببینید کسانی هستند که به درد می خورند، آنها را وارد کنید، و کسانی که مضر هستند به اینجا، و لو فرض کنید متخصص هم باشند ــ متخصص مضر، ضررش بیشتر از غیر متخصص است ــ اینها کنار باید بروند و تصفیه بشود».(۲)

«شما با قاطعیت در آنجا اشخاصی که می بینید که در آنجا فاسد هستند، اشخاصی که در آنجا توطئه گر هستند، باید با شرکت همه این نهادهای اسلامی، آنها را کنار بگذارید، و نگذارید این فعالیت ها را بکنند».(۳)

«باید به طور جدی پاک سازی بشود. یعنی در مرکزی که مرکز تبلیغات اسلامی است و مهم ترین مرکز تبلیغات است نباید اشخاصی باشند که بر

ص:۲۲۲

۱- صحیفه امام، ج ۱۲، ص ۲۳۷.

۲- صحیفه نور، ج ۱۲، صص ۱۰۴ و ۱۰۵.

۳- همان، ص ۱۰۳.

خلاف مسیر اسلام و از ریشه های سابق آن رژیم باشند».(۱)

منابع و ماخذ

ص:۲۲۳

۱- همان، ص ۱۷۹.

منابع و ماخذ

* قرآن کریم.

آژینی، محسن، امام و اقتصاد اسلامی، سازمان انتشارات کیهان، تهران ، چاپ اول، ۱۳۷۴.

آژینی، محسن، اندیشه های اقتصادی امام خمینی رحمه الله ، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی ـ گروه انتشارات، تهران، چاپ اول، تابستان ۱۳۷۴.

اداره کل پژوهش و آموزش سیما، تجلی پیام در افق رسانه ملی، برگرفته از اندیشه های امام خمینی رحمه الله ، بی تا.

اسدی مقدم، کبری، دیدگاه های فرهنگی امام خمینی رحمه الله ، مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۵.

آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی، غررالحکم و دررالکلم، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، بهمن ۱۳۶۶.

پژوهشکده فرهنگ و معارف، اسلام و توسعه (مجموعه مقالات)، دفتر نشر معارف، تهران، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۲.

پیمان، سیدحسین، توسعه و نظام بهره ور از منظر امام خمینی رحمه الله ، وثقی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴.

جعفری، علی اصغر، منشور رسانه(اهداف، سیاست ها و مسئولیت های رسانه ملی از منظر حضرت امام خمینی رحمه الله و مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، انتشارات سروش، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۸.

حر عاملی، محمد بن الحسن، کتاب فروشی اسلامی، چاپ هفتم، سال ۱۳۷۲.

حسنی، محمدحسن، نوسازی جامعه از دیدگاه امام خمینی رحمه الله ، مؤسسه چاپ و نشر عروج، تهران، چاپ یازدهم، زمستان ۱۳۷۸.

دبیرخانه دومین کنگره بررسی اندیشه های اقتصادی حضرت امام خمینی رحمه الله ، بررسی اندیشه های اقتصادی امام خمینی رحمه الله ، ستاد بزرگداشت یکصدمین سال میلاد امام خمینی رحمه الله ، تهران، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۰.

ص:۲۲۵

دهشیری، محمدرضا، درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی رحمه الله ، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۰.

روابط عمومی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، صحیفه انقلاب (متن کامل وصیت نامه سیاسی و الهی بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت الله العظمی امام خمینی رحمه الله ، دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۷۸.

سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی(گروه انتشارات)، صحیفه نور(یازده جلد)، مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی رحمه الله ، تهران ، چاپ سوم ۱۳۷۰– ۱۳۷۸.

صباغ پور، علی اصغر، تبلیغات (هنر و رسانه ها) از دیدگاه امام خمینی رحمه الله ، تبیان، آثار موضوعی، دفتر بیست و سوم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله ، تهران، چاپ اول، بهار ۱۳۸۱.

قاضی زاده، کاظم، اندیشه های فقهی، سیاسی امام خمینی رحمه الله ، مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری، معاونت اندیشه اسلامی، تهران، چاپ اول، خرداد ۱۳۷۷.

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله ، آیین انقلاب اسلامی، تبیان آثار موضوعی، دفتر نهم، تهران، چاپ ششم، پاییز ۱۳۸۱ .

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله ، اسلام ناب محمدی در کلام و پیام امام خمینی، تبیان، آثار موضوعی، دفتر پنجم، چاپ سوم، تابستان ۱۳۷۶.

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله ، حکومت اسلامی و ولایت فقیه، در اندیشه امام خمینی رحمه الله ، تبیان آثار موضوعی، دفتر چهل و پنجم، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۴.

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله ، خودباوری و خودکفایی از دیدگاه امام خمینی رحمه الله ، تبیان آثار موضوعی، دفتر بیست و ششم، تهران، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۱.

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله ، صحیفه امام (۲۲ جلد)، مجموعه آثار امام خمینی (بیانات، پیام ها، مصاحبه ها، احکام، اجازات شرعی و نامه ها)، تهران، چاپ سوم، زمستان ۱۳۷۹.

معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله ، تحولات اجتماعی و انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی، تبیان، دفتر سی و ششم، تهران، چاپ اول، تابستان ۱۳۷۹.

معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله ، جایگاه مردم در نظام اسلامی از دیدگاه امام خمینی رحمه الله ، مؤسسه تنظیم و نشر آثارامام خمینی رحمه الله ، تهران، چاپ اول، تابستان ۱۳۷۹.

معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله ، منتخبی از مقالات اولین کنگره بررسی اندیشه های اقتصادی امام خمینی رحمه الله ، تهران، چاپ دوم، پاییز ۱۳۷۸.

ص:۲۲۷

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹